محل اداره
مجلس شورای ملی
شماره تلفن ۲۸۸۹۶۵، ۲۸۸۹۶۵، ۲۸۸۹۹، ۲۸۸۹۹
روزنامه رسمی

بهای اشتراک
قسمت اول (مذاکرات مجلس) سالیانه ۲۰۰ ریال
قسمت دوم (آگهی ها) ۱۶۰۰ ریال
شماره کامل ۸۰۰ ریال

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۸۳۲ | ۲شنبه ۱۰ آبان ماه ۱۳۳۳ | سال دهم

شماره مسلسل ۵۸
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۵۸

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز چهارشنبه
۲۸ مهر ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب :

۱ - تصویب صورت مجلس جلسه ۲۵ مهر ماه
۲ - بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون خاص راجع بقرارداد فروش نفت
۳ - تعیین موقع و دستور جلسهٔ بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

***

۱ - تصویب صورت مجلس جلسه ۲۵ مهر ماه

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود:

(بشرح ذیل قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان : دکتر سید امامی - حشمتی - بیات - ماکو - اکبر - سنندجی - جلیلوند - احمد صفائی

غائبین بی اجازه - آقایان : کدیور - دکتر جزایری

دیر آمدگان وزود رفتگان با اجازه - آقایان : معین زاده - بهادری - صدرزاده اسفندیاری - دکتر سعید حکمت - دهقان محمودی - حبیبیه - پیراسته - خاکباز - سلطانی مهندس اردبیلی -

دیر آمدگان وزود رفتگان بی اجازه - آقایان : کریمی ۲۵ دقیقه - مهندس شاهرخشاهی ۴۵ دقیقه - دکتر پیرنیا یکساعت

رئیس - نسبت بصورتمجلس روز یکشنبه که توزیع شده نظری هست آقای خرازی بفرمائید.

خرازی - آنچه بنده اطلاع دارم آقای دکتر جزایری ازمقام ریاست کسب اجازه کرده‌اند

رئیس - بلی بکمیسیون رفته البته تصویب می‌شود تا تصویب کمیسیون نرسد نمی شود با اجازه نوشته شود بعد اصلاح میشود آقای کریمی بفرمائید

کریمی - بنده دیروز دیر نیامده بودم اشتباه شده است که بنده را دیر - آمده نوشته‌اند

رئیس - اگر اشتباه شده است اصلاح میشود دیگر نظری نیست بصورتمجلس نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس روز یکشنبه تصویب می شود چندنفر از آقایان تقاضای نطق قبل ازدستور کرده‌اند البته نوبت آقایان برای نطق قبل از دستور محفوظ است (بهادری - نوبتشان که محفوظ نمیماند) چون آقایان آمده‌اند اسم نوشته‌اند

(۲ - بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون خاص راجع بقرار داد فروش نفت)

رئیس - آقای خلعتبری.

خلعتبری - چون آقایان ناطقین محترم قبلی وقت زیادی گرفته اند سعی می کنم که نطق خودم را بعنوان وخیلی تندوبا عجله بخوانم برای اینکه فرصتی باشد برای سایر آقایان (دکتر پیرنیا - باعجله نفرمائید) شاید آقایان دیگرهم فرصتی بخواهند بنا براین بنده اگر بخواهم صحبتی کنم بلزوقت زیادی خواهد گرفت

مقدمه

اول - اکنون ۵ سال است نفت از جمیع مسائل مملکتی مهمتر شده وهمه چیز را تحت الشعاع خود قرار داده است روز اول مقصود اولیه ما این بود که از در آمد نفت ما که بوسیله یك شرکت خارجی برده میشود و سهم قلیلی بما داده میشود استفاده کنیم و از این در آمد مخصوصاً اوضاع اقتصادی کشور را اصلاح کنیم. اول هم صحبتی از ملی شدن صنعت نفت نبود تمیدانم نمیدانستیم یا هنوز این فکر عنوان نشده بود اول کسی که در ایندورد نوشت دکتر میمندی نژاد بود که در سال ۲۷ اینمطلب را عنوان کرد کتابی نوشت که صنعت نفت باید ملی شود و بعد این مطلب شایع شد تا بجائی رسید که این آرزو تحقق یافت و صنعت نفت ملی شد ولی با کمال تأسف بعد ازملی شدن نتوانستیم از نفت خود بهره برداری کنیم و نگذاشتند آن خیالی که برای اصلاح اوضاع اقتصادی خود با در آمد نفت داشتیم عملی شود و بجای نفع و اصلاح اوضاع اقتصادی صرر بردیم و وضع اقتصادی ما هم خراب تر شد .

از همان روزهای اول من پیش بینی میکردم که ممکن است این مسئله باعث اختلال اوضاع داخلی و کشاندن ما بجائی شود که از قدرت ما خارج باشد و روز اولی که آقای دکتر مصدق نخست وزیر شدند در حضور اعضاء جبهه ملی بایشان عرض کردم که شاید ممکن است راجع بنفت در بن بست قرار بگیرید و برای شما مشکل باشد زیرا آنطور که آرزو دارید حل نفرمائید نخواهد شد و عقیده نداشتم ایشان بهتر بود در مجلس میماندند و حتی با تعرض بایشان عرض کردم «باز با قبول نخست وزیری ما را در مقابل امر انجام شده قرار داده اید» که آقای حائری زاده وعده دیگر شاهدانند و مخصوصاً گفتم امریکا در این مسئله از ما حمایت نخواهد کرد ولی آن اظهارات را همه رفقای من استهزا نمودند، اما طولی نکشید که معلوم شد مسئله نفت بآن سادگی نبود کما تصور میکردیم و هیچکس هم در آنموقع نمی‌دانست که مسئله تجارت و توزیع نفت چیست و چه اشکالی وجود دارد و وضعیت نفت در دنیا و نقش شرکت های بزرگ چیست والا اگر کسی میدانست با احتیاط عمل میشد یکی از کارمندان شرکت ملی نفت هفته گذشته میگفت آقای مهندس حسیبی در آبادان قبل از خلع ید میگفت اگر انگلیسها را بیرون کنیم تا ۱۰ روز دیگر تسلیم میشوند.

خلاصه نفت از نظر اقتصادی حل نشد و برای ما یك مسئله مهم و دشواری از نظر سیاسی و اقتصادی گردید اکنون که ۵ سال از آغاز مبارزه ما برای ملی شدن می‌گذرد مقداری از مجهولات معلوم شده مقداری هنوز بهمان صورت مجهول باقیمانده، ولی هرچقدر مطالب معلوم و روشن شود بهتر است.

مسئله نفت ایران از نظر دولت سابق و یا این دولت با دلتنگی ها و احساسات له و علیه و عقاید سیاسی شخصی نباید مورد بحث قرار گیرد این مسئله مربوط بتمام مردم مملکت است و مردم پایه نارضائی از

اداره تندنویسی و تحریر صورت مجلس

احساسات و تعصب و کدورت های سیاسی یا شخصی باین مسئله توجه داشته باشند. (صحیح است)

حساب غلط - هیچکس نمیتواند منکر شود که دولت سابق وشخص آقای دکتر مصدق تمام کوشش خود را کردند ولی بیش از مقداری قلیل نفت بفروش نرفت وبالاخره دولت ایران مأیوس از امکان فروش نفط گردید این است عین عبارت آقای دکتر مصدق در گزارشی که در اول سال ۱۳۳۲ بوسیله رادیو خطاب بملت ایران صادر نمودند «ضمناً این نکته را یادآور میشود که درقسمت امور مالی واقتصادی کشور با وجود اینکه عایدات نفت جنوب رفته وحتی مخارج این دستگاه سربار بودجه مملکت شده دولت بحمدالله توانسته روی پای خود بایستد» بنابراین انتظار سالی یکصد میلیون لیره باروزی سیصد هزار لیره باینجا رسید که ماهی بیست میلیون تومان حد اقل بودجهٔ شرکت ملی نفط هم میبایستی از بودجه دولت داده شود بعلاوه در ظرف چهار سال اخیر اصلاحاتی ممکن نشد و کلیه کارهای تولیدی معطل گردید ومخارج عادی دولت سابق با انتشار اسکناس تأمین میشد (درسال آخر) دلائل این عدم موفقیت چه بود؟ قبلا حساب نکردن وبدون حساب وارد میدان شدن وبعد در مواقعیکه میبایستی تصمیم اتخاذ شود تصمیم بموقع و مقتضی اتخاذ نکردن (صحیح است)

در مبارزه همیشه عوامل ووسائل ونتیجه را بایددر نظر گرفت تابرای خود متعهدی تهیه نکنند بجنك نمیپردازند بدون وسائل و عوامل مبارزه کردن نتایج خوبی نمیدهد.

انگلستان حساب کرد که متعهد کمك شرکت سابق نفت کارتل عظیم بین المللی نفط بود دولت امریکا بود قدرت صنعتی و تجارتی خودش بود. قدرت سیاسی خودش بود وبا مجموع این عوامل بود که وضع خودرا خوب کرد ومقاومت کرد سه تصفیه خانه در استرالیا ولندن وعدن ساخت بازار های خودرا باکمك شرکتهای بزرك حفظ کرد ششصد ملیون دولار ازامریکا گرفت بااعمال نفوذ سیاسی مانع فروش نفت ما بژاپن- بایطالیا وآلمان شد- شرکتهای بزرك را واداشت نفطما را تحریم کنند و بالاخره نگذاشت کمانفط خودرابفروشیم دولت سابق ومشاورینش تصور میکردند که انگلستان بزودی بزانو خواهد درآمد اما انگلستان ۵۰ درصد نفط کویت و ۲۴ در صد نفت عراق را هم داشت و با افزایش استحصال نفت توانست احتیاج فوری خودرا رفع کند (صفائی - صددرصد) بهر حال حسابی که ما راجع باحتیاج فوری و قدرت مقاومت انگلستان کردیم غلط بود (عاملی-غلط بود) شرکت نفت انگلیس وایران همان سال اول هم ۲۸ ملیون لیره نفع داشت وسال بعداز ۴۰ ملیون لیره تجاوز کرد

اما ما حساب خود ماندرا درست نکردیم.

اولا ما متعد داشتیم یا نداشتیم- اگر داشتیم که بود - فقط میتوان گفت حساب دولت سابق این بود که کمك ما امریکا بود شاید همین حساب دولت سابق را باشتباه انداخت علت این بود که مادرست پیش بینی نکردیم ما نمیتوانستیم از آمریکا انتظار داشته باشیم این حساب را که کرده بود من نمیدانم ولی بعد از یازده ماه خود آقای دکتر مصدق گفت که ما اشتباه کردیم وسیاست امریکا هم درست انگلستان است وحتی آن یکنفری هم که باما دوست بود ۳ روز راهم ازوزارت خارجه بفشار انگلیسها برداشتند.

اما ازنظر اقتصادی ومالی ، ما مملکتی بودیم محتاج باصلاحات . پول ودرآمد برای کارها و مخارج عادی بقدر کفایت نداشتیم - بنابراین بین ما وانگلستان تساوی قوا نبود - کسی هم بما کمك مالی نکرد ما سرمایه برای استخدام کارشناسان خارجی- بهره برداری وبعد کشتی نفت کش نداشتیم- حساب ما این بود که میآیند ازبندرهای ما کشتیها مثل روزهای شلوغی دکان نانوائی خودمان پشت سرهم ایستاده ونفت میبرند اما یك حساب نکرده بودیم که ممکنست طرف ما یعنی دولت انگلستان و شرکت سابق نفت نگذارند وفکر نکردیم که اگر نگذاشتند ومانع شدند با کدام سرمایه‌ای نفت درآوریم - با کدام کشتی حمل کنیم ودر کدام بازار بفروشیم - فقط فکر کردیم چون انگلیسها محتاجند کار باینجاها نمیکشد ونفت مارا خواهند خرید ودنیا منتظر است که نفت ایران آزاد شود وبیازارها برسد وهزار هزار مشتری خواهد آمد - بلی نفت ماهزاران مشتری میداشت وخواهد داشت امابشرطی که مانع در جلو نباشد.

انگلیسها هم با کمك آمریکا وکارتل بین المللی احتیاج فوری خود را برطرف کردند وما یك طریقه دیگری برای مبارزه فکر نکرده بودیم

پس این حساب غلط درآمد یعنی فکر نکردیم که شرکت نفت سابق و دولت انگلستان مانع خواهند شد که بیایند و نفت ما را ببرند آنوقت دیدیم کسی نیامد نفت مارا بخرد نه آمریکائیها کمك کردند نه انگلیسها خودشان جز با همان شرائطی که میخواستند حاضر شدند و هیچکس را هم نگذاشتند تهدید کردند و عمل شدید کردند کارتل بین المللی نفت هم پشت سر آنها بود.

آمریکا ، ما نمیتوانستیم از آمریکا منتظر باشیم که در مقابل انگلستان از ما حمایت کنند انگلستان متحد نظامی آمریکا است برای خاطر نفع مشترك و تمدن مشترك باانگلیسها در دوجنك عظیم دنیائی شرکت کرده الان هزارها بمب افکن آمریکائی در انگلستان منتر گراست ودر جنك آینده انگلستان اولین هدف قوای مهاجم است آمریکا اگر درخاور میانه با انگلستان اختلافاتی و رقابتهائی داشته باشد بآن درجه نخواهد بود که برای خاطر ما از انگلستان ترك علاقه کند شرکت های بزرك نفت در داخله آمریکا نفوذ زیادی دارند وچون از نظر ملی شدن نفت با انگلیسها وجلوگیری ازوقوع آن درممالك دیگر نفع مشترك دارند برای اینکه ایران از نتایج کامل ملی شدن بهره مند نگردد باانگلستان مساعدت کرده‌اند

شرکتهای بزرك نفت ، بنده چون معتقد بحل مسئله نفت هستم خواستم این مطلب را بعرض آقایان برسانم که آقایان وضعیت سابق فروش نفت وحالا را در نظر بگیرید وتمام هم بدانند ما در مبارزه اصلا وجود شرکتهای بزرك نفت را که نفت خاورمیانه را دراختیار و کنترل انحصاری خوددارند بحساب نیاوردیم

ما میبایستی دانسته باشیم که شرکت نفت سابق عضو کارتل عظیم بین المللی نفت است این شرکتهای بزرك بین خود قرارداد هائی را دارند که نسبت بحوزهٔ امتیازات یکدیگر تجاوزی وطمعی نکنند بنابراین مسلم بود شرکتهای بزرك نفتی عضو کارتل که نفت خاورمیانه منحصراً بدست آنهااست اگر بکمك ما میآمدند برخلاف قرارداد بود و بضرر خودشانهم بود زیرا در آینده بر سر حوزهٔ عمل اگر دعوی می کردند همگی از آن متضرر میشدند ومنافع فرد فرد آنها بخطر میافتاد علاوه ازاتفاق در تعیین قیمت و عدم رقابت در قیمت در یك مسئله دیگری هم شرکتهای نفتی اتفاق نظر وعمل دارند وآن اینستکه نمیگذارند نفت آزاد وارزانی بغیر از مجرای خودشان ببازار بیاید واگر نفت ایران باقیمت ارزانتر ازآنچه که خودشان در ممالك دیگر بدست میآورند ببازارهای دنیا میرسید با آنها رقابت میشد این کارتل عظیم مدتهاست در این زمینه عمل میکند و خود را مجهز ساخته و عظیم ترین تشکیلات را برای منظور فوق داراست وحتی درخود آمریکا هم این مسئله مورد تصدیق است و من چند جمله از گزارشی را برای شما می خوانم. برای این که واقعاً وضع ایران را در مقابل شرکت های بزرك نفتی ازلحاظ معاملهٔ نفت وامکان انجام یافتن معامله فهمیده بشود بنظر بنده دلایلی باید ارائه شود و فقط صحبت وحرف نباشد چون در آن مطلب تأثیر دارد ، این یك مجله‌ای است که آقای مجیدیان عضو هیئت مدیره بانك ملی بمن داده است جزوه‌چاپی است یك کنگره‌ای بعد ازملی شدن نفت مادر هلند تشکیل شد که تمام شرکت های بزرك نفت جهانی در آن شرکت داشته اند در امریکا مسئله شرکت ها و تأسیسات مستقل و کوچك و تجارت خرده وجزئی نفت از لحاظ تجارت عمده نفت مورد مطالعه است از برای این که همان طوری که مادرمقابل این شرکت ها مواجه هستیم تجارتخانه‌ها و شرکت های مستقل ومردم امریکاهم در مقابل این نفت درامریکا بامشکلات عظیمی روبرو هستند کمیتهٔ مجلسین سنا ومجلس نمایندگان امریکا یك نفر را مأمور کرد که از لحاظ تجارت جزئی نفت درمقابل تجارت کلی نفت این مسئله را بررسد درکنگره لاهه گزارش بدهد این آقایعنی پتمن رفته در کنگره گزارش داده که آن گزارش درامریکا هم چاپ شده ویك نسخه‌اش را آقای مجیدیان بمن داد وبرای این که آقایان توجه کنند که این شرکت های نفت ازلحاظ نفت چه تسلط وقدرتی دارند که درمقابل آنها نمیشود نفت خودمان را بفروشیم بنده یك قسمت از آن را استخراج کردم و بعرض آقایان میرسانم معروف است باین که امریکا تجارت آزاد داردوبرخلاف سایرجاها در آن جا رقابت در تجارت آزاد است و تجارت هم خیلی آزاد است امادر این گزارشی که به کمیته مجلسین داده است ملاحظه بفرمائید می‌نویسد «در اروپا راجع بتز ما دربارهٔ اقتصاد آزاد ناشی ازرقابت تردید میکنند و دلیل آنرا عملیات کارتل مرکب از کمپانیهای بزرك بین المللی نفت میدانند که ورود هرشخص مستقلی رادرتجارت نفت از زمان تولیدتاراساندن ببازار محال نموده‌اند» ودرجای دیگرهمین گزارش شخص مزبور مینویسد .. «وقتی شرکت نفت انگلیس و ایران اعلان نمود که برعلیه خریداران نفت ایران اقدامات قانونی خواهدنمود شرکت های بزرك موافقت نمودند که یك بشکه نفت ایران راهم نخواهند خرید وضع فعلی نفت ایران بهمان حال باقی است وقتی ایران از مشتریان مستقل دنیا بعلت تحریم پنج شرکت بزرك وترس خریداران مستقل از پنج شرکت مزبور که بیش از نود درصد کشتیهای نفت کش دنیا راهم یا مالك اند ویا دراختیار دارند قطع شد بنظر میرسد که فقط یك مشتری برای ایران باقیم بماند که همسایهٔ نزدیکش روسیه شوروی است» ..

آنرا هم سفارت رومانی گفته بود که ما اصلا نفت نمیخواهیم ودیگر کسی باقی نمیماند گزارش فوق که بعنوان حمایت از تجارت جزئی امریکا درمقابل تجارت عمده وکلی بکمیته مجلسین داده شده وضع قدرت و توانائی شرکتهای بزرك نفت و عملی را که در مقابل خریداران مستقل میکنند ثابت میکند و دیگر محتاج بحث بیشتری نیست .

این مدارك راهم آقای مجیدیان عضو هیئت مدیره بانك رهنی بمن داده اند و ایشان در امریکا نماینده بانك ملی ایران بوده‌اند

پس ما بدون حساب قبلی در مقابل چنین قدرتی قرار گرفتیم و بعد بدون حساب مقاومت کردیم یعنی عمل م-

از نظر اقتصادی واگر میخواستیم وغرض ما این بود از نفط استفاده کنیم و صرف حوائج مملکت خلاصه امور تولیدی کنیم غلط بود و منشاء آن هم نداشتن اطلاع بوده است-

یکی از حسابهای غلط امیدوار بودن بآمریکا بود دولت آمریکا مایل یکمك بایران بوداما تاحدی که موردرنجش انگلیسها نشود مثلا پول ۴ ملیون را در ایران از دو میلیون دولار بعدازملی شدن به ۲۳ میلیون دولار بالا برد بااینکه مورد اعتراض انگلیسها واقع شد ازاین حیث کمك کرد اما کمکی که مؤثر در مبارزه ما باشد نمیکرد این شخص گزارش رسمی داده است که این شرکت ها قدرت عظیمی دارند در خوددولت آمریکا نیز شرکتهای بزرك نفتی نفوذ وتأثیر داشتند که در صفحه ۹۹ گزارش نماینده مجلسین آمریکا در کنگره سوم نفط منعقد در لاهه بآن اشاره شده و چنین مینویسد : «مساعی دولت آمریکا در موضوع وساطت راجع باختلاف ایران و انگلیس بمناسبت نفوذ غیرقابل تردید دولت آمریکا در خاورمیانه میتوانست مؤثر واقع شود ولی باید درنظر داشت مأموری که متصدی امور خاورمیانه وزارت خارجه بود قرابت سببی بامدیران ۵ شرکت بزرك داشت»

این شخص میخواهد بگوید در حل نشدن اختلاف بین ایران و انگلیس شرکت های آمریکائی شاید بی نظر نبودند ایضاً در گزارش چنین نوشته : «والترلوی رجل اقتصادی که همراه مستر هریمن بتهران آمد در آن موقع حقوق بگیر یکی ازه شرکت بزرك بود» (یعنی در استخدام آنها بود) ورئیس کمیته اداره تدارك نفط خارجی آمریکا استوارت کلمن یکی ازمدیران جرسی استاندارد بود»

این مأموری که قرابت سببی با آنها داشت گویا همان کسی بوده که به ظاهر بایران اظهار دوستی میکرد (خرازی - تاریخ آن چیست؟) ۱۹۵۱ بعد از ملی شدن نفط که ازلحاظ مبارزات خیلی قابل اهمیت است .

(یکنفر ازنمایندگان آنشخص کیست؟) (بعضی ازنمایندگان-هوور) خیر جرج ماك کی بود که در آمریکا دوست ایران شناخته میشد (پورسرتیپ-خودش که چنین ادعایی نمیکرد دکتر مصدق میگفت)

«وقتی دکتر مصدق بآمریکا آمد و تقاضای کمك کرد تعجب آور نبود که تنها پیشنهاد رسمی که وزارت خارجه باو کرد این بوده که شرکت شل یکی ازپنج شرکت بزرك ازطرف ایران عهده‌دار تصدی امور نفط شود»

با این جریان بخوبی می توان فهمید که شرکتهای بزرك در آمریکا هم نفوذ زیادی دارند و نفوذ خود را شاید برای جلوگیری از جریان یافتن آزاد نفط ایران بکار برده باشند حتی می توان تصور نمود که در آن زمان مانع شدن از جریان نفط ایران هم مساعدتی بهمکار خودشان یعنی شرکت سابق نفط عضو کارتل بوده و هم نفع شرکتهای بزرك را دربرداشته زیرا آنها استخراج بیشتری بعد از تعطیل دستگاه نفط ایران میکردند و منافع بیشتری عایدشان میشد در اینجا اشتباهی که بعضیها میکنند اینستکه دولت سابق نز اقتصاد بدون نفط را در نظر داشت این صحیح نیست زیرا همیشه دولت سابق سعی میکرد این مسئله را خاتمه دهد بعداز شکست مذاکرات با انگلیسها دردونوبت بایاماك بین المللی بمذاکره پرداخت وبعد ازحکم لاهه بازبا آمریکا وانگلستان مذاکره نمود که این مذاکرات معروف است بمذاکرات پیام مشترك ترومن و چرچیل و باز یکدفعه دیگر باآقای هندرسن سفیر کبیر آمریکا مذاکره کرد و دست آخر بوسیله آقای فؤاد روحانی با مستر راس وارد مذاکره شد پس حل مسئله نفط همیشه مورد نظر بود اما دولت موافقت با پیشنهادات ووساطتها نمیکرد - بنظر من خاتمه ندادن این مسئله وطولانی شدن قضیه برخلاف مصلحت بود خاصه ازنظر اقتصادی هرچه زودتر و در آن زمان خاتمه می یافت بهتر و بمصلحت نزدیکتر بود.

شرایط مبارزه

وقتی بین دودولتی و یادو نفری مبارزه و نزاع می‌شود ایدآل و احساسات را باید باتدبیر توأم ساخت در مبارزه وقتی تساوی شرائط نبود و قدرت یك طرف بردیگری محرز گردید مقاومت نتایج خوبی ندارد و بسا اوقات نتایج وخیمی هم دارد مثلا آلمان در ۱۹۱۸ وقتی دید جنك را می بازد قبل از آنکه قشون خارجی وارد آلمان شود به نزاع خاتمه داد و شرائطی راهم پذیرفت و اگر نمی پذیرفت باز باو تحمیل میشد بعلاوه خسارات زیادتری. اما درسال ۱۹۴۵ هیتلر مقاومت تا آخرین نفس ونفر کرد عمل مقاومت بنفسه مذموم نیست اما ازمصلحت خارج است زیرا ضرر زیادتری بمردم می رسد اگر آلمان قبل ازرسیدن قشون روس بلهستان تسلیم میشد این همه خسارات و تلفات باوواردنمیآمد.

دولت سابق اگر در آن حدی که بیش از آن امکان نداشت جلوبرود می - ایستاد و از درآمد نفط استفاده میکرد بهتر از آن بود که از استفاده از درآمد نفط کشور را محروم کند زیرا آن وضعی بود که در برابر آن راه و چاره دیگری نبود با استفاده از درآمد نفط برای اصلاح اقتصادی مملکت موفقیت حاصل میکرد وقتی بعقب برگردیم می‌بینیم که قرارداد امتیاز عربستان سعودی وعراق و کویت با امروز تفاوت زیادی دارد و پانزده سال قبل کمپانی ها فکر نمی کردند که پنجاه درصد ازمنابع نفط نصیب کشورهای های خاورمیانه خواهد شد اما بعداز جنك بین الملل دوم اوضاع جهانی تغییر یافت لزوم رعایت حقوق ممالك کوچك واصلاح اقتصادی واجتماعی آنها محرز گردید وبدون اینکه عربستان سعودی یاعراق و کویت تقاضائی واصراری کنند میزان درآمد آنها بپنجاه درصد ترقی داده شد واین فکر امریکائی هابود این عمل را بنا بمصالحی کردند ولی اکنون بیشتر آرامش خاطر دارند تاقبل ازآن . چه این قرارداد ها که بسته می‌شود اثرش تاوقتی باقی استکه وضع عمومی دنیا وکشورها تغییری نکند ولی دیگر دنیا بعقب بر نمیگردد وممالك بزرك ناچارند بیشتر رعایت حقوق ممالك کوچك را بکنند وهر قراردادی امروز امضاء شود بدون تردید تاده سال دیگر که ممالك بچلو میروند شرائط آن محتاج بتجدید نظر خواهد بود (صحیح است) آلمان غربی بعداز جنك اخیر همین تدبیر را بکار برد خود را با شرائط زمان مطابق ساخت وازامریکا وانگلیس استفاده کرد وضع اقتصادی خودرا اصلاح کرد ووقتی وضع اقتصادی مملکتی اصلاح شود آن مقدمه اصلاح بسیاری از امور دیگر است زیرا سیاست بسا اوقات تابع اقتصاد است و اگر وضع اقتصادی خوب نباشد وضع سیاسی یك جامعه مختل خواهد شد واین همان مثالی استکه اینجا آقایان میگویند شکم گرسنه ایمان ندارد. پس اگر وضع اقتصادی جامعه خوب شود مقاومت در برابر خارجی بهتر صورت خواهد گرفت. خارجی بیشتر احترام خواهد گذارد با مطالعات زیاد بعد از جنك اخیر آمریکائیها طرح مارشال را برای همین منظور اجرا کردند که بممالك اروپائی کمك کنند تا وضع اقتصادی آنها اصلاح شود و حالیه وضع اقتصادی ممالك اروپا بهتر شده ودیگر خطر سیاسی برای آنها احساس نمیشود.

نفت ازنظر اقتصادی - من از ابتدا نظر داشتم که بامسئله نفت باید ازنظر اقتصادی روبروشد والان هم بهمین عقیده هستم باید احساسات وحب وبغض را کنار گذاشت من از ابتدا معتقد بتعطیل دستگاه نفت نبودم روزی هم باآقای دکتر مصدق در همین مجلس موقعیکه متحصن بودند ملاقات کردم و بایشان عرض کردم تعطیل آبادان برخلاف مصلحت است بایداز درآمد نفت استفاده کرد والا مملکت دچار وضع دشوار اقتصادی خواهدشد و منظور شما باید تحصیل درآمد کافی ازنفت باشد نه تعطیل دستگاه. ایشان این مطلب را تصدیق کردند وقصدشان هم تعطیل نبود اشخاصی که مشاور وهمکارانشان بودند احساسات تندی داشتند بی اطلاع بودند ومن نمیدانم بعضی دیگر تحت تاثیر چه چیزهائی وچه اشخاصی بودند نتیجه آن درآمد که مقصود و منظور هیچکس ازاول کار نبود من نتیجه این عقیده را ندارم من ازاول مسئله حل مسئله نفت ازنظر اقتصادی و تعطیل نشدن دستگاه نفت بودم ودر اردیبهشت ماه ۳۱ یعنی شانزده ماه قبل از سقوط حکومت آقای دکتر مصدق عقاید خودرا در پنج مقاله درایران مانوشته‌ام و اشتباهات دولت وقت و متصدیان امور نفت را تذکر داده‌ام جریان ملاقات باآقای دکتر مصدق در مجلس را هم نوشته‌ام تز اقتصاد بدون نفت را در آن مقالات رد کرده‌ام وصریحاً نوشته‌ام باید تاسیسات نفت آبادان بکار بیفتد واکنون هم اصولا موافق باحل مسئله نفت هستم زیرا از نظر اقتصادی زیان عظیمی بمارسیده ومیرسد واین ضرر و زیان امری مسلم وحتمی است که نمیتوان باحرف و احساسات جلوی آنرا گرفت ولی احتمال مداخلهٔ شرکتها درامور داخلی ایران حتمی نیست وقابل جلوگیری است و شخص عاقل واقع وحتم را فدای احتمال وخیال نمیکند همین قرارداد با کنسرسیوم که بعضی ازشرائط آن نامناسب است و چون راهی وچارهٔ دیگر درجلو نیست قبول خواهد شد درسال سوم هفتادودو میلیون لیره درآمد خالص بدولت ایران میدهد که بالیره ۲۳ تومان می‌شود فریب یکهزار و هفتصد میلیون تومان (کریمی - لیره باید ۱۰ تومان بشود واگر دولت نگرد ما طرحی میآوریم ولیره را تنزل میدهیم) یعنی دو برابر درآمد فعلی ایران واگر هم لیره تنزل کند این درآمد بهرحال دوبرابر در آمد واقعی دولت ایران است وقتی راهی برای فروش نیست وچهار سال هم در در انتظار مشتری ماندیم ووضع فروش وحمل وبازار نفت دراختیار چندشرکت است و آزادی عمل نیست وسالی متجاوز از ۲۰۰ میلیون تومان هم بودجه شرکت ملی نفت را از بودجه مملکتی باید پرداخت ۸۰ هزار کارگر بیکار است - دستگاه تصفیه باید ضایع شود واز میان برود (نوشته‌ای بدستم رسید که امضاء نهضت مقاومت ملی را داشت درصفحه شش آن نوشته «نسبت بیعدازسه سال بعید نیست کم کم تصفیه‌خانه آبادان متوقف و تعطیل شده برای مایکمشت آهن پارهٔ یادگار بماند» هرشخصی که ازوضع پریشان مملکت نگران شود دچار این فکر میشود که چگونه میتوان باوجود آنکه برای بهره‌برداری ازنفت هیچ راهی وچارهٔ باقی نمانده مملکت را ازاین درآمد محروم نمود واز خدماتیکه بااین درآمد میتوان بمردم محتاج و محروم نمود صرف نظر کرد وقتی بهمین نشریه نهضت مقاومت ملی نگاه می کنم میبینم نوشته است «بانظارت و اختیاریکه کنسرسیوم روی بازار های جهانی یعنی خریداران دارد» ایشان نویسد

کشور سوریه که تعیین کننده قیمت دوم دنیا است و بازار دنیا را در دست دارد ، توجه میکنم که اشخاص بخوبی واقف بر حقیقت اند خوب میدانند تعیین قیمت نفت باشرکتهای بزرگ نفت است و بازارهای جهان در اختیار و دست شرکتهای بزرگ است بنابراین ما متاسفانه داریم که اگر سرمایه و دستگاه و کارشناس برای استخراج هم داشته باشیم تازه قیمت آنرا باید شرکتهای بزرگ معین کنند و بازار و اختیار بدست آنهاست پس راه استفاده برای ما بدون آنها بسته است چگونه من میتوانم خود را قانع سازم که تا چند سال دیگر صبر کنیم که شاید موضع دنیا و شرکت های بزرگ عوض شود اگر عوض شد آن وقت محروم کردن ، ملکت از چنین درآمدی چه هوایی دارد زیرا ما فعلا در سال چهارم هستیم و از مراحل آزمایش گذشته ایم آیا میتوان دید که در ظرف آینده مراق و عربستان و کویت از نفت استفاده کنند و آن ممالک رو بجلو بروند و ما بهمین حال باقی بمانیم و مردم بآنجا مهاجرت کند و از فقر بآنجا پناه برند این است که من در عین آنکه مملکت و وطن خود را میخواهم میتوانم اظهار کنم که تنها مبارزه بدون نتیجه و بیهوده با خارجی دلیل وطن پرستی نیست بلکه بسا اوقات این احساسات بدون تعمق و بدون پیش بینی مملکت را بخطر میاندازد و بعواقب بدتری از آنچه وطن خواهان نگران از آن میشوند مبتلا میسازد بدین جهت من از روز اول و امروز و همیشه مسئله نفت را یک مسئله اقتصادی میدانستم و میدانم که باید باید درآمد حاصل از آن اصلاحات لازم را در مملکت نمود و اینکه میگویند استقلال مملکت بواسطه شرکتهای خارجی در خطر خواهد افتاد من این نظریه را نمیپسندم و وارد نمیدانم بلکه در شرائط فعلی اگر منظور از استقلال حفاظت مملکت از نظر تجاوز و پرچم مملکت است دلی نفع بودن شرکتهای بزرگ امریکائی و انگلیسی و هلاندی و فرانسوی خود علاقمند بودن آنها و دول آنها بحمایت از ایران در مقابل هر تجاوزی بر علیه استقلال ایران خواهد بود و اگر مقصود این است که شرکتها در امور داخلی ایران ممکن است دخالتهائی کنند از این استدلال متعجب میشوم ما که موفق شرکت سابق را کوبیدیم و له کردیم هر کس بمه آبیخواهد این عمل را بکند مردم ایران که عوض نشده اند همان عمل را خواهند کرد آیا در هیچ کجای دنیا ممکن است که از نفت خود بهره نبرند بتصور اینکه ممال شرکتها ممکن است در کارهای داخلی اعمال نفوذ کنند و غرض کشرکتها بخواهند اعمال نفوذ کنند مدرنیاید بگذارند امروز در دنیا ممالک باهم ارتباط دارند مؤسسات بازرگانی و فرهنگی و بهداشتی دارند در ممالک فوق صنعتی هزارها متخصص و عالم از ممالک دیگر وجود دارد اگر خارجی ها بخواهند در امور مملکتی مداخلاتی بکنند راههای زیادی دارند مؤسسات زیادی هست وسایل زیادی دارند احتیاجی بشرکت های نفت نیست در تهران بیمارستان انگلیسی هست بیمارستان شوروی هست ادارات بازرگانی شوروی هست اصل ٤ هست هزار هامؤسسه دیگر هست اگر بخواهند غالب میکنند به متخصصین اکتفا نمیکنند و آنگهی وضع دنیا عوض شده سازمان ملل متحد به وجود آمده روابط دول تحت قواعد است چگونه میتوانند استقلال ما را از میان ببرند بنابراین از نظر من اشکالی نیست که مسئله نفت ایران از نظر اقتصادی خانه باید از نظر استقلال اقتصادی هم این عمل فقط ضرر ندارد بلکه مفید است زیرا اگر درآمد نفت صرف تولید و کشاورزی و عمران شود باستقلال اقتصادی کمک هم خواهد نمود چه پایه استقلال اقتصادی بی نیازی است و قدرت تولید داشتن درآمد بعلاوه محرومیت چند سال دیگر از درآمد نفت متضمن ضررهای اقتصادی و اجتماعی غیر قابل جبران است و یکی از این خطرات خطر پیش رفت کمونیزم است

پیشرفت کمونیزم - الف این مطلب آشکار شده که سیاست کمونیست ها توسعه انقلاب جهانی است بعد از جنگ بین الملل اول کمین ترن دستور توقف را بمال خود داد و دستور داد که باملیون در هر کشوری کمک نمایند و باجنبشهای ملی کمونیستها کمک کردند مثل چین که بدستور آنها کمونیستهای چین جزو کومین تانگ شدند (حزب حکومت ملی) روبه استالین سوسیالیزم در یک کشور بود بنابر این انقلاب کمونیستی از روسیه صادر نمیشد ولی بعد از این جنگ نقشه کمونیست بین الملل توسعه انقلاب است پس در این مملکت باید بفوریت دست باصلاحات اقتصادی زد سطح زندگی مردم را بالا برد بهداشت را توسعه داد و موضع کشاورزان و کارگران و مستخدمین و مزد بگیرها را بهتر کرد این سیل هجوم مردم را از ولایات به تهران در اثر فقر مگر نمی بینید این بیکاری و خطر آن را در تهران و جاهای دیگر مگر متوجه نیستند برای مردم باید کار تهیه کرد این کارها را نمیتوان بعد سال دیگر موکول کرد زیرا عدم رضایت مردم را بگمراهی و اغفال شدن سوق میدهد بلکه باید سعی کرد تا چند سال دیگر وضع زندگی مردم اصلاح شده باشد و بعد سال جلو باشیم برای این اصلاحات هم هیچ درآمدی فعلا فراز نفت نداریم و امروز هم احتیاج شدید به اصلاح اینوضع و رفع این خطر داریم و با تز اقتصاد بدون نفت که اصلا عملی نیست هیچوقت وسائل اصلاح و ترقی را نمیتوان تهیه نمود خاصه نظر آقای دکتر مصدق هم در چند سال اول اقتصاد بانفت بوده زیرا دو نطق خود در جلسه ۱٤۰ مجلس شورا ایملی می گوید « مخصوصا اینکه از نظر اقتصادی روزی سیصد هزار لیره از تاجیر کار متضرر میشویم » پس تعطیل شدن دستگاه صنعت نفت هیچوقت پیش بینی نمیشد و اساس حساب ایشان بر درآمد روزی سیصد هزار لیره بوده یعنی معکوس تز اقتصاد بدون نفت و بعبارت دیگر ایشان تز اقتصاد بانفت داشته اند و تکیه ایشان بر اقتصاد نفت بوده و بوسیله اقتصاد نفت اصلاح امور اقتصادی دیگر را فرض و پیش بینی میکردند . پس اگر استفاده از نفت ممکن باشد تز اقتصاد بدون نفت خود بخود محکوم است

باز در جلسه ۱٦۷ مجلس شانزدهم آقای دکتر مصدق میگوید « من میدانم کار نفت سرآمد همه کارهاست اگر این کار تمام شد ملت ایران بهرچه میخواهد خواهد رسید ولی اگر این کار نشد برای ما هیچ اصلاحی ممکن نیست زیرا هر اصلاحی محتاج پول است » هر کس تصدیق میکند که وضع اقتصادی ما بعد از چهار سال یعنی در این تاریخ بدتر از زمان ملی شدن است اگر آنموقع اصلاحات لازم بود اکنون لازم تر است چطور آنموقع اصلاحات با پول فقط ممکن بود ولی الان بدون پول ممکن است پس لزوم اصلاحات و احتیاج پول برای اصلاحات مسئله تصدیق شده ایست و وقتی احتیاج تصدیق و مسلم شد انسان ناچار میشود شرایطی را قبول کند که مطابق میل قلبی اش هم نباشد مثل آنکه وقتی طفل مریض است بدر انگشتر هزار تومانی را اضطراراً بقیمت نازل می فروشد برای اینکه لزوم و مصلحت فعلی را جواب بدهد

آقای دکتر مصدق در جلسه ۱٤٤ مجلس شانزدهم میگوید « آن اصلاح اساسی که ما در نظر گرفتیم هم از حیث معاش و هم از حیث اخلاق مردم مؤثر باشد ملی کردن صنعت نفت بود ما اگر اینکار را بکنیم هم عایدات فوق العاده بدست میآوریم که بتوانیم در واقع معاش مستخدمین دولت را تأمین بکنیم هم کارهای تولیدی در این مملکت ایجاد کنیم و فقر و بدبختی را از این مملکت بر کنار کنیم و هم دست شرکت نفت را از سیاست مملکت خارج کنیم »

با این بیانات نیت و نقشه آقای دکتر مصدق معلوم بود اقتصاد بوسیله نفت است من با نهایت ایمان میگویم که اگر بعضی از مواد این قرارداد را که مطابق میل من نیست قبول میکنم برای خاطر یک مصلحت کلی تر و بزرگتری است و آن احتیاج به درآمد نفت برای اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی مردم و بهتر کردن زندگی مردم و افزایش تولید و جلوگیری از خطر کمونیزم است که موفقیتش در ممالک فقیر بیشتر است و در ممالک صنعتی بر خلاف آنچه کارل مارکس گفت پیشرفت ندارد زیرا کارل مارکس ممالک صنعتی را مستعد رشد کمونیزم دانسته در صورتیکه در آمریکا و انگلستان که دو مملکت صنعتی درجه اول هستند جز عده قلیل کمونیست دیده نمیشود زیرا آنچه را که کمونیزم چهل سال است در ممالک دیگر وعده میدهد و خود نمیتواند انجام دهد در آمریکا و انگلستان اصلاحات اجتماعی بدون خونریزی و آدم کشی و حبس و از بین بردن طبقات مخالف انجام داده است این آقایانی که با کمونیستها همصدا میشوند و بعضی از آنها اهل بازار و دیانت و کسب هستند خبر ندارند که در حکومت کمونیستی طبقات متوسط هم محکوم بفنا هستند ، و در روسیه از احزاب مخالف کمونیست یکنفر برای یادگار وذکر وقایع باقیمانده و تمام طبقات متوسط هم از بین رفتند و از گرسنگی مردند و حتی زارعین متوسط را نیز از بین بردند تا کسی از طبقات دیگر باقی نماند حالا عده ای از همین آقایان تشخیص مصلحت نمیدهند و نمیخواهند این مسئله نفت حل شود بدون اینکه بفهمند اگر این مسئله نفت حل نشد بعد چه باید بشود و با کدام پول و درآمد باید اصلاحاتی را که ضروری است انجام داد و باقیماندن این اختلاف با اوضاع فعلی ایران چگونه مقدور است و اگر حل نشد هیچ فکر نمی کنند که آیا میتوان بهمین وضع ادامه داد و تحمل تشنجات و صدماتی را نمود که ممکن است این امر دربر داشته باشد و آیا ایران باز میتواند در مقابل ممالک قوی و نیرومند صختی بمقاومت خود ادامه دهد و آیا اصلاح است که باز مقاومت بیهوده شود و اگر مقاومت بی ثمر شد و نفت ما از بین رفت و دستگاه آبادان به آهن پاره مبدل شد چه باید کرد ؟ و چه کسی مسئول است و مملکتی که با خطر کمونیزم روبرو است آیا از سالی حد متوسط پنجاه میلیون لیره میتوان صرفنظر کرد . در نشریهٔ که نهضت مقاومت ملی منتشر کرده نوشته است « اگر انگلستان جلوی ایتالیا و ژاپون و خریداران دیگر نفت را نمیگرفت آنوقت معلوم میشد که دنیا بنفت ایران بی نیاز است یا محتاج » بعد مینویسد « ثانیاً فعلی بوده است که خودشان بسته بوده و اینک چون از بابت تأمین منافع مورد نظر امیدوار شده اند آنرا باز میکنند » من هم همین را میگویم این فعلی است که بروی نفت ماژده اند برای ماوسیلهٔ استفاده نیست جز آنکه فعلا را باز کنند پس اختیار بدست ما نیست تشکیلاتی عظیم در دنیا بوجود آمده که درخود آمریکا هم نفت را کنترل میکند در آن کشور بزرگ صنعتی جهان این تشکیلات اختیار نفت را بدست دارد و تمام نفت خاورمیانه بدست اینهاست و در انحصار اینهاست ماوسیله استخراج و تصفیه و حمل و ارسال بیازار و فروش در بازار نداریم و فقط اینها هستند کودار نه در چند در ایطی هر خریداری نظر خود را پیروشند و بکنند

میکند وقتی خریدار منحصر شد با این شرایط و در این سیزده ماه بعد از آقای دکتر مصدق هم یک پیشنهادی نرسیده یا باید از درآمد نفت تا چند سال استفاده کرد و یا بفکر راه دیگری رفت این راهی که پیشنهاد میکنند هیچ راهی نیست جز دو چیز اول صبر دوم تز اقتصاد بدون نفت .

اول صبر ، اولا اختلافی داریم که قبول کرده ایم غرامت بدهیم فلسفه صبر فلسفه خوبی نیست زیرا انگلیسها از عامل زمان استفاده کردند و باولین چیزی که امیدوار بودند همان عامل زمان بود که بر ضرر ما تمام شد و در آینده هم معلوم نیست بنفع ما باشد فرض کنیم صبر کردیم غرامت را چه بکنیم از صبر کردن باید دید چه نفعی برای ما عاید میشود آیا شرکتهای نفتی دست از رویه خود بر میدارند آیا در دنیا تغییری پیدا می شود که بنفع ما باشد آیا بانتظار جنگ باید بود آنهم چه ثمری بحال ما دارد؟ آیا وضعی مثل مکزیک و ژاپن و آلمان و ایتالیا فراهم میشود که دول محور نفت او را معاملهٔ تهاتری کنند ؟ چه امیدی هست که فعلا در انتظار آن باشیم و این بودجه سنگین شرکت ملی نفت را تحمل کنیم آقای بیات میگفت بآقای دکتر مصدق دو سه ماه قبل از ۲۸ مرداد گزارش دادیم که شرکت ملی احتیاج بماشین آلاتی دارد و الا دستگاه بکلی تعطیل خواهد شد و پولی برای خرید آن نبود و شرکت نفت جلوی فروش آنرا هم با ایران گرفته بود بعلاوه احتیاجات مملکت فوریت دارد و نمیتوان صبر نمود قرض عمومی دیگر نمیتوان کرد اسکناس نمیتوان انتشار داد و انتشار اسکناس علاج نیست در ده ماه آخر حکومت آقای دکتر مصدق با انتشار اسکناس گردش میکرد - ارز خارجی لازم داریم از کجا بیاوریم ، مستخدمین اضافه حقوق میخواهند این وعده سر خرمنی که بدبیران و آموزگاران داده شده از کجا تأمین باید بشود زندگی کمر شکن شده یک دستگاه عظیم تبلیغاتی که کمر دنیا را خم کرده مراقب و مشغول بهره برداری از این اوضاع است البته بلنگلستان و آمریکا بد گفتن عده ای از مردم را راضی میکند اما این علاج نیست .

آلمان غربی - من معتقد نیستم که بد گوئی بخارجی ها کنیم هر زمان مقتضیاتی دارد که تغییر میکند هندیها تا ده سال پیش با انگلیسها دشمنام میدادند و رویه خاص داشتند اما هندیهای امروز یعنی بعد از جنگ آن رویه را نمی پسندند چون از دشنام دادن استفاده نمیشود کرد از احساسات مردم باید استفاده کرد برای اخذ نتیجه ما برای ملی شدن صنعت نفت از احساسات مردم استفاده کردیم ولی برای کارهای فنی و اقتصادی نمیشود از احساسات استفاده کرد زیرا همه مردم همه مسائل را نمیدانند بفهمند و احساسات بی عقل پیدا خواهد شد در آلمان غربی بعد از جنگ با انگلیسها بد نمیگویند زیرا اختلافی ندارد در مقابل خارجی باید کار کرد وضع مملکت را باید درست کرد آلمان آنهمه صدمه از انگلستان در جنگ دید بعد از هر دو جنگ روابط خود را با انگلستان خوب نمود در این جنگ اخیر بزرگترین دشمن آلمان انگلستان بود اما بعد از جنگ آلمان با انگلستان نزدیک شد بآمریکا نزدیک شد زیرا دو خطر در جلو داشت که با کمک آنها میسر بود حل شود یکی فقر دوم کمونیزم ملل دشمنها را نباید ذخیره کنند امروز در دنیا باید ببینیم ایران از چه و که میتواند برای اصلاح امور خود و حفاظت خود کمک بخواهد اگر یک راهی باشد استفاده از ممالک غربی است بنابراین تنها راه اینستکه عاقلانه از این ممالک غربی استفاده کنیم حسن رابطه داشته باشیم این طریقی استکه امروز باید توصیه کرد .

وجلب دوستی و توجه ممالک بزرگ موجب پیشرفت و کمک بحفظ استقلال ماست مگر در قضیه آذربایجان از ما حمایت نکردند و استقلال ما را پشتیبانی نکردند ؟ پس من میگویم این رویه بد گوئی بانگلیس و آمریکا برخلاف مصلحت است و جدائی از آنها بر ضرر ماست ولو آنکه فقط ما را مثل نفت عراق و عربستان سعودی بخرند ما یک مصلحت کلی تری داریم که بقای کشور و ترقی کشور است و احتیاج بکمک داریم امروز طریق نیل بمقصد استفاده از این ممالک بزرگ است و بس و از طریق حسن رابطه و اعتماد و محبت بهتر می توانیم آنها را به دوستی خود امیدوار سازیم .

پس سیاست آینده ایران از این حیث باید روشن و صریح باشد من بصراحت میگویم داشتن یک سیاست روشن و صمیمانه با ممالک غربی و داشتن روابط حسنه متقابل و احترام و دوستی متقابل در این گیرودار بنفع ایران است و موجب نجات ایران از بسیاری از مشکلات خواهد گردید بمرحوم فروغی در شهریور ۲۰ مردم فحش می دادند آن مرحوم از غصه مرد اما بعد از خاتمه جنگ معلوم شد چه خدمتی بکشور خود کرده بود زیرا تشخیص صحیح داده بود که باید با دول غرب دوستی کرد و در موقع خاتمه جنگ همان قراردادی که برای آن در مجلس سنگ خورده بود ایران را نجات داد مگر سیاست بعضی از طرفداران آقای دکتر مصدق صحیح بود که در مجلس میگفتند چرا نفط به دول غربی بدهیم که ببرند بر علیه شوروی ما صرف کنند مگر شوروی ها نفط خود را میفروشند . حساب میکنند که مبادا بر علیه ایران بکار برده شود ؟ یا انگلیسها وقتی بچین کمونیست آذوقه و نفت ولاستیک می دادند در تجارت حساب دوستی آمریکا را میکردند در صورتی که باهمان وسائل سربازان انگلیس هم در کره نابود میشدند این حرفهای بی ثمر بر علیه غرب نتیجه اش این بود که انگلیسها آمریکائی ها را وادار کنند که ۱۷ میلیون دولار پول اصل ٤ را بآمریکا برگردانند .

با فحش دادن در راههای اخیر دولت سابق بآمریکائیها وزمین اعضاء اصل ٤ در خیابانهای تهران مگر کار خوبی بود در تمام روسیه یک شعار بدر و دیوار بر علیه آمریکا دیده نمی شود اما در ایران همه جا پر از این شعار ها بود این عمل چه نتیجه داشت جز نزدیک کردن بیشتر انگلیس با آمریکا و اثبات این ادعا بوسیله انگلیسها که ایران تحت سلطه کمونیستها خواهد درآمد .

من میگویم اولین شرط وطن پرستی رعایت مصلحت است و در نظر گرفتن وضع و شرائط زمان مملکت را بجائی بردن که نتیجه اش معلوم نیست ممکن است از شور و عشق وطن پرستی باشد اما هیتلر هم مملکت خود را طرف باچند دولت بزرگ کرد بدون اینکه فکری از عاقبت کند و عاقبت آلمان آن شد که زیر تانک قوای روس بلرزه در آمد و برمردم آن آن گذشت که خواندید و دیدید و شنیدید علماء ایران در زمان فتحعلی شاه اعلام جهاد کردند ثمره اش چه بود ؟ جز از دست رفتن قفقاز یه همه اینها هم وطنپرست وهم خیرخواه بوده اند .

من عقیده دارم مسئله نفط باید جداً از این مسائل حل شود و جنبه اقتصادی آن در نظر گرفته شود .

آقای دکتر مصدق اگر نتوانست مسئله نفط را حل کند برای همین مسئله بود که تابع همکاران احساساتی شده بود و مانع حل شدن نفط بعضی همکاران ایشان بودند که تصور میکردند اگر پیشنهاد جاکسون پذیرفته شود و یا داخل بحث شوند مردم خوششان نخواهد آمد حاضر نشدند حتی داخل مذاکره شوند در صورتیکه پیشنهاد جاکسون که از غرامت صرفنظر میکرد راه حلی بود که از پیشنهاد دومی بهتر بود و در عین حال قابل مطالعه بود و نمی بایستی بدون مذاکره و مطالعه رد شود مگر اینکه پیشنهاد بهتری قبلا می رسید .

دوم - تز اقتصاد بدون نفت

تز اقتصاد بدون نفت برای ایران یک تزی است که فقط ممکن است در عراق و عربستان سعودی و کویت و جاهای دیگر طرفدار داشته باشد زیرا تزی است که بنفع آنها است و تزی است که از تصدق سر آن در سال اخیر کویت یکصد و پنجاه میلیون دلار یعنی متجاوز از ۵۰ میلیون لیره درآمد از نفت داشته است (خرازی - عراق هم همینطور است) و اگر این تز دنبال شود هر ساله این درآمد افزایش می یابد اما اگر این تز قبول نشود دیگر بر درآمد آن ممالک افزوده نمیشود . خواهیدن نفت آبادان بزرگترین اوستان است برای ممالک مجاور ایران .

تز اقتصاد بدون نفت - ایران را بعقب می اندازد و ممالک مجاور او را بالا میبرد زیرا آنها از درآمد نفت خود باصلاحات اقتصادی میپردازند و ما از اصلاحات اقتصادی محروم خواهیم ماند .

این عمل از عقل خارج است که کسی درآمد داشته باشد محتاج اصلاحات هم باشد ولی از درآمد فعلی استفاده نکند بلکه از نظر اقتصادی هم مطرود است زیرا هر گونه اصلاحی محتاج بسرمایه است بنابراین باید سرمایه را که داریم بکار بریم تا سرمایه ما زیاد شود اگر امسال بیست میلیون لیره خرج کارهای تولیدی و تا پنج سال هر سالی همین مبلغ خرج کنیم مسلماً نتایج خوبی خواهد داد و اما اگر تا ۵ سال پولی نداشته باشیم که خرج کنیم ۵ سال از حیث نتیجه عقب هستیم خلاصه کسی اگر سرمایه دارد آن را راکد و زیر زمین نمی گذارد که این نسل حاضر فقیر و مفلوک و عقب مانده بماند و نسل بعد هم تازه از همان جا شروع کند که ما عقب مانده ایم و همیشه یک مدتی از سایر ممالک عقب تر باشد

ماهر قدر تلاش برای عمران و آبادی کنیم یکسال درآمد نفت ما برابر با سالها تلاش خواهد بود و شاید ده سال تلاش ما باندازه یکسال درآمد نفت ثمر ندهد بنابراین کدام عقل سالمی تجویز میکند که ما آنچه را که از دهسال نمی توانیم بدست آوریم اگر در یکسال مقدور باشد بدست بیاوریم آنرا از دست بدهیم بتصور اینکه ممکن است شرکتهای نفت در کارهای مملکت ما مداخله بکنند؟

اقتصاد بدون نفت را باچه اجرا میتوان نمود مسلماً اولین برنامه آن توسعه کشاورزی است این را مخصوصاً آقایان مالکین و کشاورزان باید توجه کنند این مملکت با قاطر والاغ فنات آب ورودهای خشک در اغلب فصول سال همین است که هست و فرضاً مقداری بر آن افزوده شود تأثیری چندان در وضع اقتصادی نخواهد داشت و با گاو والاغ و اسباب زراعتی شهزار سال قبل نمیتوان درآمد نفت را از کشاورزی تأمین کرد (صحیح است) چنین اقتصادی ایده آلی و خیالی است برای کشاورزی تراکتور و خرمن کوب میخواهد تعمیر گاههای تراکتور میخواهد برای دفع آفات وسائل و لوازم میخواهد موتور آب میخواهد - سد میخواهد برق میخواهد اینها وقتی تأمین شد آنوقت تز اقتصاد بدون نفت را میشود اجراء کرد اما هیچ میدانید ساختن یک سد متوسط حداقل صد میلیون تومان پول میخواهد و بدون سد آبیاری نمیشود کرد و سدهای بزرگ تا پانصد میلیون تومان خرج برمیدارد و تراکتور و خرمن کوب و تلمبه موتور آب و همهٔ اینها را بدون پول نمیتوان تهیه کرد و ما نه فقط ارز خارجی نداریم بلکه حقوق مستخدمین

دولت را مع‌پول نداریم بپردازیم آنهائیکه میگویند مستخدمین را باید بیرون ریخت در اشتباهاند چرا خودشان اینکار را نتوانستند بکنند.

تز اقتصاد بدون نفت باید بر اساس تولید باشد تولید محصولات صنعتی کارخانه میخواهند، کارخانه ها برق برای تولید قوه میخواهند، بفرمائید بدون داشتن پول وارز خارجی چگونه میتوان کارخانه واردنمود.

باید توجه نمود که آیادر وضع حاضر مملکت احتیاج باصلاحات ضروری داردیانه آیاتأخیر دراصلاحات مصلحت است؟ مسلماً مصلحت اقتضای اصلاحات فوری راداردیکعده میگویند باید ازنفت چشم پوشید برای این مصلحت که درآینده مباداشرکتها در امور مملکت دخالت کنند اما اگرمعلوم شداصلاحات ضروری است وبرای اصلاحات احتیاج بپول است میگوئید آن مصلحت آینده رابابد رعایت کرد و دومی را که عبارت از لزوم اصلاحات باشد نبایدرعایت کرد و خطر موجود را بانتظار مصلحت آینده احتمالی نباید دفع کرد ؟ امروز علاوه از توسعهٔ کشاورزی وتولید مردم احتیاجات مادی دارند مدرسه میخواهند - پل میخواهند - بیمارستان میخواهند - راه میخواهند دفع آفت میخواهند - وسیلهٔ نقلیه میخواهند - کار میخواهند بیکاری درشهرها ودهات قابل تحمل نیست اینها رابایدبرای مردم تأمین کرد که جزبایول نمیشودشافرض کنید مالیات رازیاد کنید خودتانرابکشید پیش‌از صدمیلیون تومان نخواهد شد پس یك درآمدی راکه موجود است نمیتوان از دست داد وچنین کاری‌ازنظراقتصادی خلاف مصلحت است.

آمدیم تزبدون اقتصاد نفت‌را قبول کردیم بعدازده سال تازه‌همین آش است و همین کاسه فقط یك فرض ممکن‌است که رژیم انگلیس وآمریکاعوض‌شود ویاامریکا کمونیست شود تازه دولت امریکا جای شرکتهای بزرك نفتی‌را میگیردمگرروسیه کمونیست‌شدشرائط‌تجارت‌باروسیه شوروی سخت تر ازسابق نشده. بنابراین بعدازده سال در همین مرحله که‌امروزهستیم‌خواهیم بود مگر بااین بودجه که‌حقوق مستخدمین را بسختی تأمین میکند میتوان کشتی‌نفت کش خرید - تصفیه خانه را نگهداشت‌و بکار انداخت - اگر وضع عالم تازه سال دیگر عوض نشد آنچه که از درآمد نفت نگیریم (طبق تزاقتصادی بدون نفت) از کیسه مارفته وخرج این مملکت نشده‌اما اگرده سال دیگروضع عالم عوض‌شد با درآمد ده‌ساله ازنفت وضع خود رابهتر کردمایم آنوقت بهتر میتوانیم از وضع مناسبی که پیدا میشود استفاده کنیم زیرا وسائل بیشتری خواهیم داشت ودنیای بعد ازده سال هم ناچار خواهدبودبیشترحقوق مارا رعایت کند اما اگرآنروز هم دست بدهان باشیم معلوم‌شده که‌هرقدر کشوری یا شخصی ضعیف‌تر باشد کمترباوتوجه‌میشودتاده‌سال دیگر از کجا معلوم است وضع شرکتهای بزرك وکارتل بین‌المللی نفت محکمترنشود وآنها قوی‌تر ازامروز نشوند ؟ پس روی حسابیکه‌بر اساس پیش بینی‌صحیحی‌نباشد نمیتوان ازدرآمد مسلم نفت‌امروزصرفنظر کرد درست است مقداری از حق مارابما میدهند ومافقدت ووسیله وسرمایه نداریم که از تمام حق خود استفاده کنیم وطرف قدرت ووسیله وسرمایه دارد اما این‌مقدار ازحق راکه بدان احتیاج داریم من‌باب ضرورت مصلحت نیست از دست بدهیم و قاعده الضرورات تبیح‌المحظورات‌درهمین مورد است که مصداق دارد.

امروز در خوزستان و بنادر جنوب ایران بیکاری و فقرحکمفرماست اگروضع باین قرار بگذرد اکثر مردم بکویت و جاهای دیگر خواهند رفت- من می ترسم عراق‌تاده‌سال دیگرازدرآمدنفط‌خودوضع خودرا آنچنان‌اصلاح کند که‌مردم‌ایران‌هوس مهاجرت بآنجا را بکنند.

آقایانیکه طرفدار این تزهستندچرا خود آن را اجرانکردند.امروز مملکت‌با سابق فرق کرده مردم رادیو می‌خواهند- تلفن میخواهند-وسائط‌نقلیه‌خوب‌میخواهند- خوراك مردم پوشاك مردم باسابق تفاوت دارد همه مردم برق میخواهند آیا یك مملکت هست که نفط داشته باشد و ازآن استفاده نکند؟این حوائج‌راهم‌باسرمایه‌وپول بایدبرای‌مردم تأمین کرد.

تز اقتصاد بدون نفط چون موجب محرومیت مملکت ازدرآمد حاصل نفطی شود ویك‌تزمنفی‌است‌نه‌مثبت‌موردقبول‌هیچ‌کس نمی تواند واقع شود خاصه آنکه عدم توجه باصلاحات ضروری مملکت‌برای مملکتی که فقرو بیکاری درآن‌شیوع‌دارد موجب خطر است این همان خطری‌است که همیشه در ذهن آقای دکتر مصدق بود و در یاد داشتی که. آقای دکتر امینی بخط آقای مهندس طالقانی وزیر کابینه آقای دکتر مصدق خواند از قول آقای دکتر مصدق منعکس بود که گفتند «این فقرو بیکاری برای مملکت خطردارد» پس این خطر موردقبول‌خود آقای دکتر مصدق هم بود ایشان همیشه متوجه اینموضوع بودند خوب بیاد دارم روزی درزمان نخست وزیری آقای‌منصور ایشان در یکی از جلسات جبهه ملی می‌فرمودندکه چون خطر کمونیزم مملکت‌را تهدید میکند باید دولت را در مورد کار های خوب‌و اصلاحات تقویت کرد زیرا خطر کمونیزم بیشتر ازخطر شرکت نفط است.

امروز توجه ما بمملکت باید باشد که اگر اینکار صورت نگیردو این اختلاف باقی بماند و از همین‌درآمدهم‌محروم‌بمانیم چه خاکی بسر بریزیم و مملکت را با چه اصلاح کنیم و پول‌رسرمایه‌از کجابیاوریم؟ تز اقتصاد بدون نفط جواب ما رانمی‌دهد بلکه در حکم نسخه‌ایست که طبیبی‌بدست بیمارببندد وبجای‌دوادر آن‌بنویسد «انشاءالله شفا خواهید یافت»

رضایت انگلیس ها ، آن چیزی که درحل مسئله ایران دخالت داشت رضایت انگلیسها در نظر امریکائیها بود اگر انگلستان باایران رفع اختلاف نمیکرد - هیچ راهی برای جریان یافتن نفت ایران وجود نمیداشت زیرا علاوه از اینکه‌دولت آمریکا نمی‌خواست عملی مرتکب شود که حمایت ازملی شدن صنعت نفت تلقی شود دریك مسئلهٔ مهم اشتراك منافع بین‌آمریکائی وانگلیسی وجود داشت وآن رفع‌اختلاف درمورد غرامت بود که میزان‌علاقه‌آمریکا باین مسئله در نامهٔ رئیس جمهور فعلی آمریکا خطاب بدکتر مصدق موجوداست که صریحاً در مورد غرامت اظهار عقیده کرده‌است. ازنظر ایرانهم مهمترین‌مسئله همین غرامت بود که کسی بدان توجه‌نداشت انگلستان هم در حقیقت میلی نداشت که مسئله غرامت حل شود زیرا در آنصورت دیگرعذری وبهانهٔ برای جلوگیری‌ازفروش نفت ایران نمی‌توانست داشته باشد باکمال تأسف همکاران آقای دکتر مصدق هم تصور میکردند اگر مسئله غرامت قسمی حل شود که رقم سنگین باشد مضر بوجهه آنها است غافل ازآنکه این مسئله هرچه زودتر حل میشد بنفع ایران بود چه با جریان نفت درظرف چند سال از درآمد نفت پرداخته میشد . آقای دکتر مصدق در این مورد درست تشخیص نداد‌ونتیجه آنشد که انگلیسهاهمیشه اختلاف‌را بعنوان اختلاف در مسئله غرامت باقی میگذاردند ودر دنیا جلوه میدادند که ایران‌حاضربحل مسئله غرامت نیست آقای دکتر مصدق کار صحیحی کرد که غرامت را قبول نبود ولی‌درحل‌اختلاف‌راجع‌بغرامت‌زیادتردید کرد مخصوصاً بعداز صدور حکم دیوان بین - المللی این تردید جائز نبود اما راجع به دیوان بین‌المللی دادگستری من عین بیان آقای دکتر مصدق را که دررادیوتهران در اوایل فروردین ۳۲ نمودند نقل میکنم «اولا دیوان بین‌المللی دادگستری‌بیطرفی وحق پرستی خود را در قضیه نفت ایران با صدور حکم عدم صلاحیت بدنیا ثابت کرد» بعداز صدور آن حکم که انصافاً قضات بین‌المللی سلامت وشرافت‌خودشانرا نشان دادند میبایستی دولت داوری دیوان بین المللی را قبول کرده باشد و اصرار بانگلستان که دعاوی خود را قبلا تعیین کند امر لازمی نبود و ضرری هم بحق ایران نمی‌توانست داشته باشد زیرادرقرار داد داوری هرطرفی میتواندهرچه‌میخواهد مطالبه کند وذکر دعاوی بهرعنوانی باشد نه مثبت حق اوست ونه مضیع حق طرف دیگر بلکه تشخیص وقضاوت با داور است ولی دراین‌مسئله که چگونه قرارداد‌داوری نوشته شود اختلاف شد واگر انگلیسها قصد اطاله ودوام اختلاف را نداشتند آنها میبایستی پیشنهاد دولت ایران را قبول کنند ومطالبات خودرا بارقم تعیین نمایند زیرا چه فرق میکرد رقم را قبلا ویا بعداً نزد هیئت داوری تعیین کنند وغرض ازاین اختلاف هم این بود که مسئله غرامت حل نشده باقی‌بماند چه وقتی اختلاف‌حل‌میشد آنوقت انگلستان چاره نداشت جز آنکه موافقت بافروش نفت ایران کند اماانگلستان نمی توانست این رضایت را بدهد مگر اینکه وضعی که بعداً بوجود میآید مورد قبولش باشد بعلاوه انگلستان کارتل بین‌المللی را هم باخود همراه داشت که‌در مسئله غرامت‌ازخود انگلستان‌وشرکت‌نفت علاقمندتر باصل‌غرامت بود. پس بدون‌حل غرامت رضایت انگلستان حاصل نمیشد و بدون‌رضایت انگلستان‌نفت‌ایران نمیتوانست بفروش برسد والبته انگلستان بازدردرجه اول وهم‌عرض‌بامسئله غرامت میخواست‌نفت ایرانرا منحصراً در اختیار خودداشته باشد واین مزیت انحصاری‌را نمیخواست‌از دست داده باشد ولی مطلبی دیگر هست وآن اینکه اگر مسئله غرامت حل میشد امریکائیها هم بیمیل نبودند که نسبت‌بنفت ایران سهمی داشته باشند وچیزی که این مسئله رابوجودمیآورد این بود که اگرنفت ایران تماماً ومنحصراً بدست‌انگلیسهامیآمد این‌اثر خوبی دراحساسات وافکار ایرانیها نمیداشت کماآنکه آقای دکتر مصدق‌هم در نطق رادیوئی خود در فروردین ۳۲ اشاره باین مطلب باین عبارت نموده‌است «وبعلاوه میخواستند بازهم‌انحصار فروش نفت ایران عملابدست انگلیسهابیفتد» این قسمت ازنطق‌مربوط‌بعذاکرات‌بااستوکس است پس افتادن انحصار فروش نفطایران بدست انگلیسها یکی از نگرانیهائی بود که وجود داشت‌جاکسون و استوکس هم در مذاکرات خود طالب تحصیل نفت ایران برای‌فروش انحصاری‌بوسیله‌شرکت نفت‌سابق‌بودند‌اماانگلیسهاهم‌سعی‌میکردند انحصار فروش ایران بدست خودشان‌باشد ودرمذاکراتیکه در موقع آمدن‌نمایندگان بانك‌بین‌الملل کردنددربر گشتن‌کارشناسان انگلیسی‌یافشاری کردند گفتند برنگشتن کارشناسان‌برای انگلستان‌یك‌مسئله‌پرستیژ است درصورتیکه ابداً مسئله پرستیژ نبود زیرا انگلستان‌بعداز جنك چندین کشوررا از دست داده بود ونفت ایرانراهم‌ازدست داده‌بود واگرهم دوست کارشناس انگلیسی بایران‌بر نمیگشتنداباز‌پرستیژانگلیسهای خونسرد برنمیخورد ولی چون برگشت کارشناسان انگلیسی‌میدانستندرنظرآقای دکترمصدق براهنمائی همکاران بی‌اطلاع مسئله پرستیژ است این‌بود که با خشاری

بیمورد درآن‌خصوص نمودند زیراهمکاران آقای دکتر مصدق که اخراج کارشناسها راخدمتی‌فرض‌میکردندنمیتوانستندرخلاف نظر خودشان‌بر گشت کارشناسها تن‌دهند واینجا همان چیزیکه انگلیسها میخواستند بوقوع پیوست یعنی بهانه آنها کارگرافتاد وبای بانك بین‌الملل قطع شد زیرا باحل نشدن مسئله غرامت بابودن کارتل‌بین‌المللی دشوار بود یك شرکت بزرگی داوطلب نفت ایران شود پس تنها راهی که‌بموجب آن‌نفت‌ایران‌ازانحصارانگلیسهابیرون‌میآمد تشکیل یك شرکت بین‌المللی بود واگر شرکت بین الملل تشکیل‌نمیشدراه‌منحصر بهره برداری ازنفت ایران بمیزان سابق همان شرکت نفت‌سابق بودوبس

مسئله دیگرآنکه آمریکائیها مقدار زیادی از نفت خود را برای جنك مصرف کرده بودند وبرای ازدست دادن ذخائر خود میخواستندذخائردیگری بدست‌آورند یکی ازاین ذخائرایران بود ومستربرنز که بعدأوزیر امور خارجه شدیادداشتی در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۳ موقعیکه وزیر تدارکات زمان‌جنك‌بود برای‌مرحوم روزولت‌فرستاده که قسمتی‌ازآن نقل‌وترجمه می‌شود (باید مذاکرات جدی بابریتانیا برای تحصیل‌یك ثلث ازمنابع نفت‌ایران‌بشود که‌درازای‌نفت هائیکه بعنوان وام‌واجاره به بریتانیا داده شده وهمینطوردرعوض احداث یك‌لوله از منابع نفت ایران تابندرحیفا که‌هزینه‌تقریبی آن‌دویست‌میلیون دولاراست‌بامریکا منتقل شود این‌لوله برای‌استفاده کامل‌ازنفت‌ایران لازم خواهدبود.

اینکه چرانفت‌بشرکت‌های بین‌المللی داده شده وانگلیسها چقدردراین معامله دخالت دارند بنده چند جمله ای خواستم خلاصه خدمت آقایان عرض کنم‌وقتی که‌نفت ملی شد انگلیسها ازجریان آن‌مانع شدندماکه نمیتوانستیم نفت‌خودمان را بانگلیسهابدهیم برای‌این که آنهاتمام نفت‌ایران‌رامیخواستند وبا دردست گرفتن تمام نفت ایران همان وضع‌سابق دومرتبه‌تجدید میشدحالا اگر با ۴۰ درصد مخالفت‌داریم آنوقت ۵۰درصد میشد پس‌اگر تمام دست انگلیسها میافتاد همان وضع‌سابق‌میشدبنابراین اگرانگلیس ها تمام نفت‌ایران را میبردند برای ایران قابل قبول نبود،انگلیسها هم که‌نمیگذاشتند کس‌دیگری ببرد (صحیح‌است)ورامنحصر این‌بود که‌نفت ایران ازطریق‌جریان پیدا کند «انگلیسها راضی‌باشندانگلیسها هم نمیخواستند راضی‌بشوند مگر این که یك کسی یك‌راهی جلویشان بگذاردو بگوید آقا این راه‌صحیحی‌است واعتماد بیکدیگر میکردند، برای این که اگر راه صحیحی پیدا میشد عمل‌میکردند واین‌راه‌هم‌همان مسئله بانك بین‌المللی است «قضیه بانك بین‌المللی را برای آقایان میخوانم خوب اگر توجه بفرمائید می‌بینید این فکر فکر امریکائی‌ها بود که‌بوسیله‌تشکیل‌یك‌مؤسسه بین‌المللی خواستند که‌نفت ایران‌رابجریان بیندازند ودرعین حال هم‌خودشان استفاده کنند (دکتربینا - خود دکتر مصدق هم تصدیق کرد)اجازه‌بفرمائید‌بنابراین‌ملاحظه میفرمائید این جا قسمت حساسی است بنا براین ملاحظه میفرمائید وقتی میسیون جاکسون و استوکس شکست خوردند ووالترلوی متخصص‌امریکائی هم که باو اشاره شد درجریان مذاکرات استوکس شرکت داشت وافکار عمومی ایران هم نمی توانست‌تقاضاهای جاکسون‌واستوکس را قبول کند زیرا آنها تمام نفت ایران‌را میخواستند آنوقت راه حل بکلی بسته میشد خاصه آنکه مسئله غرامت هم حل نشده باقیمانده بود شرکت های دیگرهم بمناسبت عضویت شرکت نفت سابق در کارتل بین‌المللی حاضر نمیشدند . بنابراین دوراه باقی‌میماندیکی‌جریان‌تیافتن‌نفت‌ایران که این عمل درایران اثرات خوبی نداشت وامریکا هم میخواست برای آنکه وضع داخلی ایران مختل نشود درآمدی از نفت بایران برسد اما انگلیس ها هم که رضایت نمیدادند دیگری بیاید وجای آن هارا بگیرد لذا راه حل طبیعی اداره‌شدن نفت ایران بدست یك مؤسسه بین المللی بنظر می آمدکه با علاقه سابق دولت امریکا نسبت بنفت ایران هم تا اندازه ای مطابقت میکرد وانگلیس‌هاهم دیگرجواب قانع کننده نداشتند که بامریکا بدهندواین بود که‌بعدازشکست مذاکرات باجاکسون واستوکس و گذشتن مدتی راه حل جدید پیداشد وآن ورود بانك بین‌المللی ترمیم وتوسعه (که اکثریت سرمایه آن باامریکا است) بمیدان عمل‌بود در گزارشی که‌بانك مزبور داده و نسخه‌ای از آنرا آقای حائری‌زاده‌بمن دادند صریحاً نوشته شده که بتشویق رئیس جمهور امریکا بانك بین‌المللی مسئله دخالت درنفت ایران راقبول نمود این مسئله مؤسسه بین‌المللی که در مقابل آن انگلیسها راهی نداشتند این فکر آقای دکتر امینی فکر کرده باشند یك همچو قرار دادی به بندند (صحیح است)(نورالدین امامی- عقلشان قد نمی دهد) این یك مسئله بین المللی بود که بعد ازماه ها فکر ویك نقشه های معینی‌با علاقه مخصوص بنفت ایران برای راه حل این مسئله پیداشد که هم انگلیسها راضی باشند وهم‌بغرامت برسنه وهم نفت ایران بجریان بیفتد وایران بدرآمدی برسدچون راه دیگری برای هیچ شرکت دیگری نبود این راه را همان موقع پیدا کردند (صحیح است) ولی درایران متأسفانه کسی اهمیت‌این‌موضوع‌راتشخیص‌نداد‌جمعیتهای‌تابع کمونیستها هم بشدت بپیانك بین الملل حمله میکردند و بعضی از جراید‌هم‌ندانسته باین عمل آقای دکتر مصدق اعتراض‌می کردند غافل از اینکه راه‌حلی پیدا شده بود که‌انحصارنفت‌ایران‌را ازدست‌انگلیسها بیرون میآورد و هرچند یك قرارداد‌موقت دو ساله بود اما فوائدزیادی داشت

فواید آن‌محاسبه ایران پرداخته‌می شد میزان‌استخراج و بهره‌برداری از ۳۲ میلیون تن شروع میشد و نفتهای کویت‌و جاهای دیگر جای نفت ما را نمیگرفت بودجه شرکت ملی نفت از شانه‌مابرداشته میشد طبق‌حساب آقای مهندس‌حامی ۷۲ میلیون‌لیره درآمد مامیشد که بعدازوضع سی میلیون‌لیره‌برای ۲۰ درصدغرامت ۴۲ میلیون‌لیره‌خالص‌عاید ما میشدبرای‌مخارج داخلی‌میلیونها دلارخرج‌میشد وارزخارجی ما زیاد میشد با داشتن ۴۰ میلیون لیره درآمد وضع اقتصادی ما بهتر میشد نفت مابابازار های جهان راه می‌یافت و خلاصه در مدت دو سال فرصت‌خوبی داشتیم با انگلستان اختلاف‌راحل کنیم واگردردو سال‌حل‌نمیشد بودن‌بانك بین المللی برای ما هیچ ضرری نداشت و چون قرار بود نفت‌ایران زیادتر استخراج‌شودزیراشرکت سابق هشتصدمیلیون و یك‌دویست‌میلیون بشکه‌برای مدت بیست سال بدو شرکت امریکائی فروخته بود که میبایستی‌تحویل بدهد علیهذا برای ازدیاد استخراج‌بازار بود و استخراج نفت ما در ظرف سه سال تا ۵۰ میلیون تن میتوانست برسدومیرسید و عایدات ما بعد از ۲۵درصد غرامت به شصت میلیون لیره میرسید وغرامت‌هم در ظرف چندسال‌پرداخته میشد وراه‌حل‌قطعی که‌پیدا میشد مسلماخیلی بهترازراه‌حلهای بعدی و قرارداد امروزی‌بود،افسوس‌بعد از آنکه آقای دکتر مصدق‌مذاکرات با بانك را قبول کرد و درهیئت دولت هم با آن اظهار موافقت نموده و آقای دکترمحمدعلی ملکی‌وزیربهداری کابینه آقای دکتر مصدق بمن گفتند که درهیئت دولت آقای دکتر مصدق‌موافقت خودرا اظهار کرد و ماهم اظهار مسرت کردیم ایشان گفتند بایدبا همکاران هم مشورتی بشود ولی‌ازآن‌اطاق مشاوره‌رأی آقای‌دکتر مصدق بر گشت (فرامرزی - در کتاب‌ورشکستگان سیاسی‌علتش‌بتفصیل نوشته شده) زیرا همکاران موافقت نکرده بودندپس یك راه‌حلی که‌بخوبی‌پیداست برای حل مشکل نفت پیدا شده بودبدون تعمق و مشورت‌بااشخاص‌مجرب و یامجلس سنا که درآنموقع‌منعقد بود از بین رفت این تنها راهی بود که موقتاً منافع ایران را تأمین میکرد وبعد از دوسال‌هم چون فروش انحصاری‌نفت ایران بوسیله شرکت نفت درایران آثارخوبی نداشت یا بانك بین‌الملل‌تعدی خودرا ادامه‌میداد که باز بنفع ما بود یا اگر قراردادی دیگر بسته میشد در محور تشکیل یك شرکت بین‌المللی فقط‌میتوانست باهمزیر امریکائیها هم‌باچنین‌راه‌حلی در نفت‌ایران‌زدی‌قلم می‌شدند. اما چرا آقای‌دکترمصدق اول‌اصول بانك بین المللی را قبول و بعداً رد کرد دلیل ردش چه بود ؟(بزرك‌ابراهیمی. دکترشایگان) عرض کنم مسئله‌بانك بین‌المللی بوسیله‌آقای دکتر مصدق حل شده بود یك‌امرتمام شده‌ای‌بود علت این که‌حل نشده‌بود ؟ دوعلت داشت یکی این چه انگلیسها اصرار به برگشتن کارشناسان انگلیسی میکردند بانك میگفت که ما احتیاج فوری برای استخراج نفت داریم باید فوراً نفت را استخراج کنیم که بتوانیم بشما درآمد بدهیم ، انگلیسها هم باطناً مخالف‌بودندبرای‌این که‌اگردست‌بانك بازمیشدنفت ایران بلافاصله بازارهای‌دنیا بوسیله بانك‌بین‌المللی میرفت این بود که موافقت نکردند کارشناسان بین‌المللی بایران بیایند اما این که‌یك دلیل پیشنهاد آمدن مجدد کارشناسان انگلیسی بایران بود این‌دلیل را کسی نمیتواند قبول کند زیراهشت ماه قبل‌آقای دکترمصدق‌اصرار درماندن کارشناسان کردندو درمذاکرات مجلس شانزدهم جلسه۱۷۵ درج است که گفته بودند رؤسای انگلیسی شرکت با همان اختیارات و اقتدارات‌سابق‌خودبمانند و یك هیئت مدیره مختلطی از ایرانیها و متخصصین بین‌المللی اروپا تشکیل شود و رئیس هیئت مدیره هم یك خارجی غیر انگلیسی باشد - بنابراین برای‌ردپیشنهاد بانك بعلت آنکه کارشناسان‌انگلیسی‌بایران برگردند دلیلی وجودنداشت خاصه آنکه‌ما اعلام کرده بودیم باشرکت نفت طرف هستیم وباملت‌انگلیس‌طرف‌نیستیم .

دلیل دوم این بود که آقای دکتر مصدق میخواست درقرارداد بابانك بین - المللی قید شود که بانك بنمایندگی ایران نفت ایرانرا اداره‌میکند وبانك‌میگفت من چون مؤسسه بیطرف بین‌المللی هستم در نزاع بین دوعضو سازمان‌ملل‌تصدیق‌صریح بعقانیت هیچکدام نمیتوانم‌بکنم مسئله‌سبب شد که آقای دکتر مصدق مذاکرات با بانك را قطع کند درصورتیکه عدم قید نمایندگی هیچ‌ضرری بحقوق ایران‌نداشت وطبیعت این مسئله یك قرارداد موقتی بود برای بهره‌برداری ازنفت بمدت‌دوسال‌وهیچ مخالفتی هم با قانون‌ملی شدن صنعت نفت ایران نداشت وبلکه ضمناً شناسائی آن‌بود

گذشته از آنکه صنعت نفت ایران بوسیله قانون ملی شده بود و جز بوسیله قانون نمیتوانست ازوضع ملی‌شدن خارج گردد اصولا خود قراردادیکه منعقد میشد دلیلی برملی‌شدن بود زیرابانك‌هریك‌بشکه نفت خام‌را ۱۷۵ سنت میفروخت و بولش را بعین ترتیب تقسیم میکرد ۵۸ سنت یعنی یك‌ثلث‌ازقیمت بعنوان تخفیف‌خریدار کل (شرکت سابق‌نفت) ۳۰ سنت برای

هزینه تولید یك بشكه نفت خام ۵۰ سنت برای دولت ایران بابت بهره برداری از مصادر ۴۷ سنت میرده بعود بانك برای پرداخت غرامت - پس آنچه بشرکت سابق نفت میرسید یك تك بعنوان تخفیف قیمت بود که دلیل بود برمالکیت ایران نسبت به نفت و وضعت که بعود ایران داده میشد بازدلیل مالکیت نفت بود و ۴۷ سنت بعنوان پرداخت غرامت خودبازدلیلی برملی شدن وبقای آن بود که مستلزم غرامت بود اقلام فوق را جناب آقای دکترمصدق درلایحه که بدیوان کشورنوشته اند ذکر نموده و اینجانب عبارت واقلام را عیناً ازآن لایحه که نسخه چاپی آن برایم فرستاده شده برداشته ام بنا بر این قبول پیشنهاد بانك بین‌المللی حل کننده مشکل نفت بود و یك فرصت مناسبی بدون مطالعه از دست ما رفت .

من چون معتقدم که آقای دکتر مصدق درمسئله نفت بانهایت صمیمیت وصداقت عمل کرده وآنچه توانسته کوشیده وبرای دفاع ازحق ایران هیچ کوتاهی ننموده و حتی اشتباهاتیکه در مسئله نفت کرده بخیال دفاع بیشتر از حق ایران بوده همیشه مترصد بودم که بدانم این اشتباه را در موردبانك بین‌المللی چرا کرده چه‌چیزسبب شده که از فکر موافق خود عدول کنند خوشبختانه بعد ازآنکه درروزنامه ایران‌ما مقاله ای نوشته بودم بمقصود رسیدم زیرا نامهٔ ازطرف دبیرخانه حزب ایران برایم رسید نامهٔ از آقای مهندس حسیبی ضمیمه داشت من نسبت به آقای مهندس حسیبی اگرآقایان مخالف هستند واگر کارخطائی کرده باشد احترام میگذارم واسم ایشان را بااحترام می آورم چون آدم تحصیل کرده‌ایست (نورالدین امامی- عقلش کم است) یك قسمت از نامه مربوط به مسئله بانك بین‌المللی است من برای اینکه معلوم باشد مسئولیت قطع مذاکرات بانك وجداناً با آقای دکترمصدق نیست‌ودکتر مصدق چطور کار نفت را تمام کرده بودو یك مشورت غلط کار را بانجام نرسانید این است متن نامه « بانك بین‌الملل حاضر بود که اداره تأسیسات را ازطرف دولت ایران بطور موقت عهده دار شود قطع مذاکرات و شکست آنهم همین موضوع بود اینکه نوشته‌اید همه موافق بودند جز یکی دونفر وبالاخره عقیده دکتر مصدق را تغییر دادند یعنی عقیده دیگری داشت که تغییر دادند تا اندازهٔ یا حقیقت وفق میدهد زیرا باتذکر نکته بالا که بنده از طرح پیشنهادی بانك بین‌المللی از همان روز اول استنتاج نمودم ونظریه من مورد تأیید هیچکس دراوایل امر نبود بالاخره برای دفع شبهه روز آخر پیشنهاد شد که در طرح نقط کلمه ((On B ehalf)) یا ازطرف دولت ایران یا بحساب دولت ایران اضافه شود تا اطمینان حاصل شده وراه پیشنهادی بانك بطور موقت باتوجه باشکالات مالی قبول شود(اشکالات مالی همیشه سبب قبول شدن است) ولی بانك بمحض اظهار این مطلب قویاً استنکاف کرد وگفت این قید در حکم شناسائی اصل ملی شدن است وماتن باین موضوع نمی دهیم وچون دکترمصدق وسایراعضاء میسیون این‌موضوع‌را دریافتند درآخرین جلسه همه بمن‌حق دادند ونظر این‌بود که کار با بانك بین‌المللی تمام شود ولی در آخرین جلسه ومذاکرات باشکست مواجه گردید(این است که من‌ازچوانمردی‌ایشان خوشم میآید)حال اگر درنظرآقا چنانچه نوشته اید این رودست‌خوردن ازانگلیسها یابی اطلاعی یاهرچیز دیگر که اسم‌آنرا میگذارید باشد بلی تقصیر من‌است و مرا بایستی گناهکار شناخت))

(بعضی از نمایندگان -- تاریخش چیست ؟) شماره ۲۰۲ حزب ایران در تاریخ ۲۲ر۳ر۳۳ در این‌اواخر ۱۰ من درمجلس‌نطق کردم راجع‌بنفت نوشته‌است (فرامرزی- این‌را بمسخره نوشته‌اند)

مرحله دوم تشکیل شرکت بین‌المللی

بعد از شکست مذاکرات بانك بین‌المللی یك پیام مشترك ترومن و چرچیل بافای دکتر مصدق رسید که درآن‌راجع بفروش نفت ذکری نشده بود ولی باز مذاکرات بین‌آقای دکترمصدق وهندرسن سفیر کبیر آمریکا واقع شد که معروف بمذاکرات اخیر است ازقضا آقای دکتر مصدق در پیام رادیوئی فروردین ۳۲ راجع باین مذاکرات بیاناتی کرده اند که قسمتی ازآن را نقل میکنم « در باره مذاکرات مربوط بفروش نفت کافی است بطور اختصار عرض شود که مذاکرات مزبور مبنی براین بود که پس از امضاء وورود بمرحله قرار داد بین دولت ایران ودولت انگلیس در موضوع غرامت یك مؤسسه امریکائی مقداری نفت با تخفیف کلی بارزش ۱۲۴ میلیون دلار شرکت ملی‌نفت‌ایران خریداری‌نمایدومبلغ پنجاه دولارپس ازامضای‌قرارداد مزبوربشرکت ملی نفت ایران بعنوان مساعده پرداخت کند ضمناًبصورت‌شرط‌فروش نفت‌وپرداخت مساعده قید شده بود که یك شرکت ویا سازمان بین‌المللی که‌درآن شرکت سابق نفت هم عضویت‌داشته باشد تشکیل گردد ودولت ایران موافقت کنند که بااین‌شرکت بین‌المللی‌شرکت ملی نفت ایران بمنظور انعقاد قرارداد برای فروش نفت خام و تصفیه شده بمقادیر زیاد طی سنوات وبا شرائطی که بتوافق‌طرفین‌معین گردد‌وارد مذاکره شود «مذاکرات مزبورنیزبنتیجه منتهی نشد ومعلوم نیست مذاکرات مزبور که باز منتهی بتشکیل یك‌شرکت بین‌المللی میشد که نتیجه آن قطع ید شرکت سابق نفت‌از ایران بصورت انحصار می گردید چرا مورد توجه واقع نشد .

شرائط حل مسئله نفت ایران ،

وقتی بسوابق مراجعه کنیم میبینیم برای بهره برداری ازنفت ایران‌بعد ازسه سال تجربه وامتحان وعدم موفقیت‌درفروش نفت دوراه وجود داشت یکی شرکت نفت سابق دیگری شرکتهای دیگر یامنفرداً و یابصورت یك تشکیلات‌تجارتی بین‌المللی وقتی شرکت نفت سابق در کنسرسیوم چهل‌درصدی سهم است و مورد مخالفت است باعث نگرانی مخالفین حل‌مسئله نفت بصورت فعلی پس استفاده انحصاری‌شرکت سابق ازنفت‌ایران بطریق‌اولی موردمخالفت خواهد بود و اگر تشکیل یك مؤسسه و شرکت‌بین‌المللی نیز موکول برضایت انگلستان است بنابراین تنها راه حلی که برای بهره برداری‌ازنفت ایران باشرائط واوضاع فعلی دنیاباقیمانده همان تشکیل یك شرکت بین‌المللی است ازشرکت‌نفت سابق وشرکتهای بزرك‌نفتی که بصورت کنسرسیوم در آمده‌اندوچون‌شرکتهای بزرك‌نفت آمریکائی‌هستند باستثناءشرکت شل بنابراین شرکت آمریکائیها هم حتمی است‌اگراین‌راه‌حل‌عملی‌نشودراه دیگردادن نفت‌منحصراًبشرکت‌سابق‌نفت‌است‌زیراشرکت سابق‌نفت‌شرکتهای بزرك‌دیگردریك‌مسئله اتفاق نظردارند وآن جلوگیری‌ازفروش نفت هرکسی‌است که بخواهند نفت ببازار های دنیا برمانند ووضع آنها را برهم بزنندچه‌ایران‌باشدچه‌دیگری‌وماهم‌نمیتوانیم یعنی نمیگذارند نفت خود را بفروشیم‌پس یا باید بدنبال تراقتصادبدون نفت برویم که عاقلانه نیست و وضع مارا بدتر خواهد کرد ویا اصلاشرکتهای بزرك نفت مارا ازمیان خواهند برد و کشورمابدون‌صنعت نفت خواهد شدهمه ممالك آرزو دارند که دارای‌صنعت نفت بشوندماچگونه میتوانیم یك‌صنعت موجود راکه از مهمترین در نوع خود وازنظراهمیت بشمار میرود از دست بدهیم و برای همیشه تعطیل کنیم این را آقایان توجه فرمودند تاباسیم به کنسرسیوم پس‌این که این راه حل‌نفت‌را جناب آقای دکتر امینی وجناب سپهبد و جناب وزیر خارجه درست کرده‌اند این حرفها نیست چون هیچ راه حلی نداشت این آخرین راه حل‌بود وحالا هم‌از لحاظ واقع تاآخر اگرانگلیسها راضی نشوند شرکتهای بزرك راضی نمیشوند و اگر شرکتهای بزرك‌راضی میشوندباین آخرین راه حلش است چون دو نفر از دوستان میخواهند بعدازمن صحبت کنند بنده‌دیگر عرایض خودم را دربك وقت کمی خاتمه میدهم کنسرسیوم وآمریکائیها ، اینکه عده‌ای از مخالفین قرارداد وجود شرکت های امریکائی را مضرمیدانند‌اند‌دراشتباهند بنده‌این جا نظرم بوکلای مجلس نیست مقصوم‌اشخاص خارج‌هستند البته کمونیستها وآمریکائیها در دنیا طرف هستند ولی‌بما مربوط نیست ده سال پیش روزولت و استالین مثل‌دو برادربودند روسیه‌شوروی بعداز جنك های داخلی در سال ۱۹۲۲ باکمك ونشار آمریکائی‌ها قوای ژاپن را توانست ازشرق دور خارج کند آنموقع بامریکا احتیاج داشت از آمریکا استفاده کردیك‌مطلبی‌را میخواستم‌خدمت آقایان ازلحاظ تاریخ‌عرض کنم که‌آقایان بدهنشان بسپارند ، این کنسرسیوم که‌دراینجاتشکیل شده در ۱۹۱۰ یك کنسرسیوم هم در چین شبیه‌بهمین‌تشکیل شد دولت چین‌در ۱۹۱۰ یك کنسرسیوم تشکیل داد برای اینکه در مقابل روسیه تزاری قیام کند‌ومرکب از آمریکا وانگلستان وفرانسه وآلمان‌بود در دنیا این‌قبیل راه‌حل‌هاهست برای‌دول ضعیف‌وتقریباًشبیه بهم است درسال۱۹۲۲ قوای ژاپون قسمت عمده سیبری شرقی و بندر ولادیوستك‌ومنچوری را تصرف کرده بود و تخلیه نمیکرد لنین برای این که ژاپونی‌ها قسمت شرقی شوروی را تخلیه کنند هیچ راهی نداشت‌بزفشار آمریکائی ها بژاپون بااینکه آنموقع دولت شوروی وامریکا همدیگر را نشناخته بودند ولی برای اینکه دست ژاپنی‌ها ازروسیه‌شوروی کوتاه کنند لنین باآمریکائیها رابطه پیدا کرد و روسیه شوروی آن روز از قدرت دولت آمریکا برای اینکار استفاده کرد حتی برای جلب نظر آمریکائیها وارد مذاکره‌شد که‌امتیازنفت کامچاتکا راشصت ساله‌بآمریکائیها‌بدهد که‌شرژاپونی‌هارا ازسر خود بکند . اینها یك‌مسائل تاریخی‌است جریانهای بین‌المللی همیشه یك جهات و موضوعاتی‌دارد

امروز هم کنسرسیوم ازنظرمایك‌راه حلی است و اگر راه حل‌دیگری پیدا شود کسی‌عاشق کنسرسیوم‌نیست .

اما با درنظرگرفتن آنچه که‌در این ٤سال واقع شده و درست در موقعیکه ممالك مجاورما ازنفت خود بهترین‌استفاده رامیبرند و شروع اصلاحات‌نموده‌اند کسی میتواند ادعای مخالفت کند که بگوید آقا این قرارداد در ۳ سال ۱٦۸ میلیون‌لیره درآمد دارد سالی حدوسط آن ۵۰میلیون لیره میشود من این پیشنهاد را دارم که این کار را بکنیدوسالی ۵۰میلیون‌لیره‌ازاین پیشنهاد بشما میرسد .

پیشنهاد را باید کسی بدهد که بعد هم بیاید و نفط‌ببرد و پول بدهد وباکارتل بین‌المللی و با انگلیس هم مبارزه کند آیا ما تاثیربیشترخواهد داشت و جریان‌مصرف نفط در دنیا نشان می‌دهد که‌نفت‌ماببیزان بیشتری‌استخراج‌خواهدشودودرآمدبیشتری خواهیم داشت علیهذا میتوانیم با این‌درآمد یك مملکت بهتری بنسل آینده‌برای زندگی تحویل بدهیم و اگر صنعت نفط در ایران از میان برود و در ممالك‌مجاور این صنعت بجلو برود و ما ازدرآمد این منبع خداداد نتوانیم استفاده کنیم وبهداشت

باشد یا چندشرکت وقتیکه مسلم باشد نمیگذارند ما نفط خود را بفروشیم و ما قدرت بهره‌برداری از نفط خود راندارایم بنظر من وجودچندین‌شرکت بهترازشرکت واحد است .

بچهاردلیل بنده‌عرض‌میکنم،

الف- مشتری متعدد بهتر ازمشتری واحد است .

ب-اگر بخواهند کارهائی بکنند که مضر بحال ما باشد باید اتفاق نظر داشته باشند اتفاق نظربین‌چندشخص‌مشکل‌است ولی‌تصمیم‌شخص‌واحدآسان .

ج-از نظر سیاسی ممکن است یك شرکت تابع خیالات دولت خود باشدولی بابودن‌شرکتهای‌متعدد یك دولت نمیتواند تمام کنسرسیوم را تحت تأثیر خود قرار دهد .

د- ازنظر سیاسی ذی‌نفع‌شدن‌چندین مملکت در نفت مابهتراست‌تاازذی‌نفع‌شدن یك‌مملکت .

هـ- برای خرج کردن واستفاده‌بیشتر یك‌شرکت ممکن است کمترسرمایه‌بگذارد ولی‌شرکتهای‌متعددسرمایه‌بیشتری‌میتوانند بگذارند .

اگر بخواهید کاری بکنید که این صنعت نفط از مملکت ما برود و اهالی عراق و کویت و عربستان و سایر جا های خاورمیانه تا ابد دعاگوی ما باشند و در ممالك مجاور ما اقدامات‌عمرانی‌شروع‌شود و از درآمدی که بما میبایستی برسد‌آنها ممالك خود را آباد کنندبااینکه‌این‌صنعت باید بکار بیفتد و از میان نرود آنها که میگویند نسل آینده بما نفرین میکنند‌اگر نفط‌خود را بشرکتها بدهیم‌و این‌قرارداد را تصویب کنیم‌مثل اینستکه از کره مریخ آمده و از وضع این‌مملکت بی خبرند و نمی‌دانند مملکت ما درچه‌وضعی قراردارد و ما درچه وضعی هستیم آخر کدام بهتر است اگر کسی حقی‌دارد و استفاده از تماعش از قدرت و توانائی او خارج است ولی نصف آن را میتواند بدست آورد آن را بگیرد و زندگی خود را اصلاح کند و بکار و آبادی بپردازد و خود را برای مقاومت‌درآینده آماده سازد یاآنکه آن را که ممکن است نگیرد و در فقرو پریشانی بسربرد بنظر من ما چون هیچ درآمدی جز نفط برای اصلاحات نداریم و این‌درآمد بعدازچند سال‌دربهتر کردن ما تأثیربیشترخواهد داشت و جریان‌مصرف نفط در دنیا نشان می‌دهد که‌نفت‌ماببیزان بیشتری‌استخراج‌خواهدشودودرآمدبیشتری خواهیم داشت علیهذا میتوانیم با این‌درآمد یك مملکت بهتری بنسل آینده‌برای زندگی تحویل بدهیم و اگر صنعت نفط در ایران از میان برود و در ممالك‌مجاور این صنعت بجلو برود و ما ازدرآمد این منبع خداداد نتوانیم استفاده کنیم وبهداشت وفرهنگ‌واحتیاجات‌ضروری‌واصلاحات‌اساسی را تأمین کنیم بنظر من آنوقت‌نسل‌آینده می تواند بما نفرین‌کند والا اگر بااین سابقه که ۴ سال تلاش‌آقای دکترمصدق منتهی‌بهیچ‌شدوحتی‌یکنفرنیست که‌بگوید که‌یك‌بشکه‌نفطرا بکه و چه‌جور بفروشیم از دست دادن حدوسط سالی ۵۰ میلیون لیره درآمدعقلائی‌نیست‌مخصوصاً اینکه‌هیچ راهی‌وچاره‌درجلونباشد .

من‌باآنهائیکه‌معتقدندنبایداینقراردارداتصویب نمودمیگویم‌آقایان‌شمادیدید‌دکتر مصدق سه‌سال‌تلاش کردنفت بفروشد وبهره‌برداری کند امانتوانست ودستگاه عظیم صنعتی‌ما تعطیل شدوخودتان معترف هستیدانگلستان نگذاشت ما نفت بفروشیم وآلمان وایتالیا و ژاپن راماتع شد میگوئید شرکتهای بزرك چنین اندوچنان اندو قدرت دارندو نفت رادرانحصاردارند خوب بفرمائید در مقابل اینها چه باید کرد پس چرا این حرف رانمیزنید که‌چکار باید کرد اگر می گوئید از نفت صرفنظر کنیم اینکه مخالف‌اظهارات‌وبیانات روزهای‌اول‌صحبت ملی‌شدن صنعت نفت است که‌همه حسابها براساس روزی‌سیصدهزار لیره‌وسالی‌یکصد میلیون لیره درآمد بود منظورما ازاول این نبود که‌خودرا ازعایدات نفت محروم کنیم تاانگلستان هم از آن محروم شود بلکه اساس حرف مااین بود که‌ازدرآمد نفت استفاده برای اصلاحات کنیم‌وآقای دکترمصدق هم‌در بیانات مکرر خوداین مطلب راتأیید نمود . پس حال که بااینجا رسیدیم اگردستگاه نفت تعطیل بماند ما ازدرآمد نفت محروم شویم آنوقت خواه ناخواه باین نتیجه میرسیم که‌تزملی شدن صنعت نفت‌شکست خورده وبحال ملت‌ایران ضررداشته‌زیراهیچ‌ملت‌عاقلی‌دردنیاقبول‌نمی کند که گنج طلا درزیر پاداشته باشدولی ازآن استفاده نکند این‌شکست نه‌شکست مربوط بالان است این شکست شکستی است که‌تاروز۲۸مرداد وجود داشت یعنی دولت ایران نتوانست ازنفت ایران بهره‌برداری کند واورا نگذاشتند واگر قرار باشد که‌همیشه نگذارند وماهم نتوانیم از این در آمد استفاده کنیم آنوقت باید بشکست تزملی شدن‌نفت اذعان کنیم‌ولی اگر مسئله‌نفت‌حل‌شود ولوآنکه‌باشرائطی که قلبا بآن میل‌نداریم ولی راهی دیگر جزقبول نداریم باهمین قرارداد غیرایده‌ال درسه سالی اولی سالی‌حدوسط ۵۵میلیون لیره درآمدداشته باشیم وبعد ازسه سال‌هم درآمد ما بیشترشوددرآنصورت‌است که‌تز ملی‌شدن بنتیجه رسیده زیرا درآمدزیادتری ازسابق عاید مامیشود .

اما راجع بملی شدن بنظر من این قرارداد با قانون ملی شدن صنعت نفت مخالفتی ندارد (احسنت‌صحیح‌است)وجهة ندارد ما خودحق خودمان رادر این‌موردتردیدومتزلزل کنیم‌قراردادی که‌درآن‌سست کنندسیوهوشرکتها بعنوان‌نمایندگی‌دولت ایران وشرکت ملی نفت ایران قید شده و یك طرف قرار داد هم شرکت ملی نفت ایران است بعنوان اینکه برای استخراج واکتشاف قراری باشرکتها گذارده شده نمیتوان گفت خلاف اصل‌ملی شدن است زیراگرفتن نماینده برای انجام وظایف‌و تصدی برامور از طرف صاحب مال خاصه در مواقعی که‌خود فاقد کادرهای‌فنی‌مجرب بقدر لازم و کافی باشد مخالفتی با مالکیت صاحب مال ندارد وتکذیب یك‌حق مسلمی که طرف هم آنراشناخته لزومی ندارد واعتراضات‌من نسبت بموادبیگری‌است که معداً بطور اختصار عرض‌میکنم .

اما یك‌دلیل دیگری که این قرارداد مخالف اصل‌ملی شدن نیست این رادرست توجه بفرمائید این استکه بطوریکه‌گفته شد اختلاف آقای دکتر مصدق با بانك بین‌الملل برسر دو مطلب بود که‌اول آن لزوم قید نمایندگی ایران در موافقتنامه بود وبانك بین‌الملل نمیخواست بالصراحه این قیدرا بپذیرد واگربانك بین‌الملل‌قید عنوان نمایندگی ایرانرا در موافقتنامه و قرارداد پذیرفته بود وانگلیسهاهم اصرار بعودت کارشناسان انگلیسی نمیکردندبین آقای دکترمصدق اختلاف‌بابانك‌بین‌المللی مرتفع میشدبس‌قید عنوان نمایندگی‌ایران در زمان آقای دکتر مصدق درقرار داد بانك بین‌الملل آن قرارداد را مطابق با عنوان ملی شدن میکرد درصورتیکه‌طبق آن مذاکرات درمدت دوسال تأسیسات نفت ایران مطلقاًدر اختیار بانك‌بین‌الملل درمیآمد وبانك برای اداره کردن آن‌همه گونه اختیار بلامانع داشت . چگونه است که قیدملی‌شدن‌درقرار داد بانك‌بین‌المللی آنرا باوصف ملی‌شدن‌منطبق مینمود ولی در اینقرار داد عنوان‌نمایندگی کنسرسیوم مخالف ملی‌شدن است ؟ پس‌باید مخالفت را مخالفت صحیح کرد (صحیح است) خود دولت‌میگویداین‌قراردادقراردادایده‌آل‌نیست واین که آقای فرامرزی دیروز راجع به ایده‌آل‌ایرادفرمودنداین‌ایراد صحیح‌نیست خیلی اشخاص هم هستند که یك قراردادی را راضی نیستندمیل‌قلبی‌ندارندتحت‌شرایط زمان‌ومکان‌میآیند قبول‌میکنند‌این‌اظهارات را در کمیسیون هم آقای وزیردارائی‌بیان کردند وماایشانرا تحسین کردیم و گفتیم حقیقة آقاکاری کردید که از گرده‌مجلس باری برداشتید چون گفتید راهی‌دیگرنبود (فرامرزی - تعریف کردنم عرایض من‌را آقای رئیس من میخواهم‌توضیح‌دهم)

کمونیستها ونفت ... کمونیستها با هر قراردادی که اختلاف نفت را ممکن بود خاتمه دهد مخالف بودند وهستند ومخالفت تبلیغاتی‌وفعالیت برای‌خنثی کردن‌مذاکرات آقای دکتر مصدق با نماینه‌گان بانك بین‌المللی میکردند زیرا آنها اطلاعات کافی داشتند ومیدانستندبانك بین‌المللی باتشویق واقدام دولت آمریکا واسطه شده است چنانچه در گزارش بانك بین‌المللی دراین باره چنین نوشته‌شده «چون دولت‌آمریکا نسبت باین مسئله اقدام میکرد موضوع با مأمورین دولت مزبور مورد مذاکره قرار گرفت وآنها نیز بانك‌را درانجام‌اینخدمت تشویق کردند» و میدانستند دولت آمریکا بااین‌عمل‌هم اقدام برفع محاصره اقتصادی ایران وتأمین درآمدی ازنفت برای‌ایران موقة خواهد کرد وهم آنکه چون دولت ایران مصمم است که نفت خودرا منحصراً بانگلیسها واگذارنکندرامحل‌دومی که‌سوم هم‌نداردایناست که‌شرکت‌های‌آمریکائی خریدارنفت‌ایران‌شوندوآمریکادرنفت‌ایران ذینفع‌شود«مطلب‌راراجع‌به‌بعض ازمواد قرارداد‌لازم بتذکر میدانم وآن اینستکه چون من موافق مشروط بودم و موافق مشروط هم اسم نوشتم این‌است که تقاضا میکنم آقای وزیر دارائی باین سه ماده توجه بفرمایند اگر از نظراینکه شرکتها نمیتوانند در ممالك مختلف از رویه خود صرفنظر کنند و در قرارداد باایران سهم بیشتری بایران از بابت فروش‌نفت بدهند معذلك باید خود را حاضر کنند که نسبت بچند ماده بادولت مذاکره مجدد نمودم تجدید نظر کنند و با مبادله یادداشت منظور مرا تأمین نمایند» هرچند اطلاع دارم وآقای وزیر دارائی هم گفتند که اطلاعضرت همایونی هم درچند مورد به دولت تأکید در پافشاری نموده‌اند و با مباحثات‌زیاد کنسرسیوم راضی بتجدیدنظر در پیشنهاد خود نشده معذلك من از نظر وظیفه خود لازم می‌دانم این‌چندنکته را تذکردهم

۱- اینکه سهم شرکتهای آمریکائی بجای دولار بلیره پرداخته میشود در نظر من صحیح‌نمی‌آیدآقای وزیردارائی گفتند که قرار تبدیل این لیره ها بدلار با بانك انگلستان داده شده واین چهل درصد با دولار دراختیار ایران قرارخواهد گرفت وانگلیسهاهم که نمیخواهند این‌چهل‌درصد را بدلارتبدیل نکنند والا قرارداد بابانك ملی ایران نمی‌بندند پس چرا برای‌اینکه این معذوریت بی مورد برداشته نشود کنسرسیوم وانگلستان که شاید این شرط در اثراصرارآنهاست پافشاری بیهوده می کنند من‌ازآقای وزیردارائی میخواهم که نظرمرابآنها ابلاغ کند

۲- مسئله مهمی که جلب نظرمیکند مدت قرارداد است که بیست و پنج سال است ولی پانزده سال در سه مرتبه یعنی هر پنج سال برای کنسرسیوم قابل تجدید است - در دنیای امروز یك قرارداد چهل ساله بنظر زننده میآید وبفرض که تابیست وپنج سال دیگرهم ما استعداد و توانائی

بهره‌برداری کلی ازنفت خود را نداشته باشیم، فیه این مدت طولانی زیبنده نیست شود. کنسرسیوم هم میداند تغییرات دنیا زودتر از آن صورت میگیرد که چهل سال باخربرسد وضع زمان این مدت‌رابرطرف خواهد نمود ولی برای اینکه در شروع بکار حسن تفاهم وامیدواری باشد مصلحت خود کنسرسیوم هم اقتضا داد که اززائد بر ۲۰ سال صرفنظر کند و درمذاکرات با استوکس هم مدت ۲۵ سال در نظر گرفته شده بود اگر کنسرسیوم در این مدت حسن عمل وسلوك نشان دهدوصنعت نفت را ترقی دهد وتولید را بالا برد بعد از ۲۰ سال ممکن‌است مردم ایران‌بامیل تا بانزده سال دیگر باو واگذار کنند (دکترمصدق - بسیارصحیح است راه‌عاقلانه است) وآن واگذاری از این واگذاری برتری دارد من از آقای وزیردارائی می‌خواهم که جداً یك مرتبه دیگر این مسئله را درمیان نهد وحتی‌ممکن‌است راه‌حلی هم پیداکرد وآن این است که بعداز ۲۰سال اگر دولت خود نتواند از دستگاه نفت خود بهره‌برداری کلی کند ودیگری داوطلب نمایندگی ایران شد کنسرسیوم برآن شخص یا شرکت مقدم باشد وخلاصه بعداز ۲۰سال بایران حق تجدید نظری داده‌شود واین‌هیچ‌حقی ازآنها تضییع نمیکندابن ۲۵سال‌و۲۰سال حدود عادلانه‌ای است که در دنیاعمل‌میشود چنانچه دوشرکت از این شرکت های کنسرسیوم درسال ۱۹۴۹ ازشرکت‌سابق نفت خریدند یکی شرکت استاندارداویل بود که‌هشتصدمیلیون‌بشکه خرید یکی‌هم شرکت سوکونی و اکیوم که دویست میلیون بشکه خرید و از ۱۹۵۲ شروع می‌شودومدت قراردادشان‌بیست‌ساله‌بود پس وقتی‌بین‌دوشرکت‌بزرك که‌آن‌تشکیلات رادارندوباهم‌روابط‌دارندوبهم اعتمادداردند قراردادی بیست ساله بسته می‌شودما یك قرارداد بیست وپنج‌ساله را میتوانیم تحمل کنیم‌اما زائد بر۲۵سال را یك‌حق‌تجدید نظری بیابدهند این‌را گمان می‌کنم که تمام مردم ایران تقاضاداشته باشندوامیدوار باشند.

۳- مسئله‌سوم‌راجع بنرخ‌ارزاست‌قانون ارز باتغییر نکرده‌ولی‌هرموقع‌راجع‌بنرخ‌گواهی نامه مصونیتنامه صادرمیشد درسابق عیدمی کردیم لیره هائیکه شرکت سابق نفت برای‌احتیاجات ریالی میفروشد گواهینامه بدان تعلق نمیگیردوشرکت نفت لیره‌های سرمایه ۱۰درنرخ ریال میفروخت ودولت‌ازتفاوت آن استفاده میکرد ولی طبق‌این قرارداد این‌درآمد ازمیان‌رفته است و این مسئله درمعدودی‌ایجادنگرانی کرده‌است چه طبق این‌قراردادهای گواهی نامه ارزی چیزه درمصدرمیشود ونتیجه این میشود که لیره کمتری میآورند ریال بیشتری نسبت‌به سابق میگیرند وزیر دارائی میگوید چون نصف خرج‌بحساب ماست بنابراین شرکت ملی نفت‌هم ازاین عمل متنفع میشود اما استفاده کنسرسیوم از نصف بلاجهت‌است دول زرگی که‌نیت مساعدت راهمیشه باما ابرازمیدارندبایدشرکتهای خود را وادار سازند که مارا ازاین منبع درآمد محروم نسازندخوب‌اگر این باشد که کنسرسیوم یامالکی که‌میگویند مابشماحسن‌نیت‌داریم ۸شرکت‌هستند اگرسالی ۵۰۰،۴۰ میلیون تومان‌ازتفاوت لیره که‌حق‌شروع‌مامهست بدهند این‌درخانه‌مورشبنمی طوفان است‌و برای ماخیلی مهم‌است اما۸،۷تا شرکت هرسالی دو سه میلیون تومان کمتر منفعت داشته باشد (صحیح‌است)

البته نگرانی از این ماده قابل رفع است وراه اصلاح وجود دارد زیرا مامی توانیم برای‌ارزخود نرخ واحدی درست کنیم وموضوع گواهی‌نامه را ازمیان بر دا یم تامسئله ارزمامهم ازنظر داشتن نرخ واحدمطابقت باسایرممالك داشته باشداگر باتعیین نرخ واحد ارزو الغاء گواهی‌نامه تصورصدمه صادرات میرود اگر چند رقم صادرات باشد که‌نتواند بانظائر خود در بازارهای خارجه رقابت کند دولت بایداز راههائی امتیازبدهد وکمك بصادرات کند همانطور که درسایر ممالك از این قبیل کمکها بصادرات‌میشود پس‌تعیین‌نرخ‌واحد ارزبرای ماامکان دارد ودر صورت الغاء گواهینامه واعلام نرخ واحدارز مقررات‌این ماده ازقرارداد بخودی خود منتفی‌خواهد شد وبهمین‌جهت بهتراست که‌بوسیله‌یادداشت ازاستفاده ازآن‌صرفنظرشود

خانمه ۰۰۰ من‌چون‌همیشه درمسئله‌نفت نظرمثبت‌داشته‌ام ومعتقد بودم بایددرحدود قدرت وامکان حل‌این مسئله را در نظر گرفت وازتعطیل دستگاه نفت جلوگیری نمود اینك که‌چهارسال ازتاریخ‌ملی شدن صنعت نفت میگذرد عقیده‌ام این است در شرائط ووضع کشورما واحتیاجات‌اقتصادی ولزوم اصلاح اینوضع واهمیت درآمدنفت بامقایسه وتناسب بدرآمد واقعی دولت و مصارف‌ضروری واوضاع‌واحوالیکه‌تفصیلا بیان گردیدبامید آینده غیرمعلوم وبدون‌این که ایندفعه باحساب صحیح از آینده پیش بینی کامل کنیم در شرائط فعلی نمی توان این‌درآمد را که باآن میتوان‌دست باصلاحاتی زد ازدست داد ومیل باطنی ما هم که قرارداد بهتری‌داشته باشیم قابل نیل بمقصود نیست زیرا برای ما بهره‌برداری ازنفت امکان‌ندارد و ازطرفی من‌مصلحت نمیدانم که دستگاه‌نفت مابیش ازاین‌درحال تعطیل‌باشد و بکار افتادن این‌دستگاه راولو برطبق قراردادیکه‌حق کامل مارا تأمین‌میکند بر تعطیل‌ترجیح میدهم زیرا اگردستگاه نفت‌مابکاربیفتد هم از درآمدمدورفعلی استفاده‌میکنیم وهم امیدوار باینندبهتری میتوانیم باشیم ولی اگردستگاه‌نفت ماتعطیل شودوازمیان‌برود یك‌ضرر عظیم غیرقابل‌جبرانی است بمملکت ۰

این یك‌مطلب‌اساسی و قابل تفکر و تعمق است که‌آیا یك‌مملکتی که در عداد مهمترین‌ممالك‌دارای‌صنعت‌نفت‌بوده‌مصلحت اقتضا میکند که از این صنعت استفاده نکنند وآنرا تعطیل‌ومنفرض‌کنند ؟ آیا ممالك‌خاورمیانه که ازنفت‌خود استفاده می کنند وباهمین شرکتهاروبرومستندتشخیص نمیدهند که برای استفاده‌از نفت خود راه دیگری جز آنچه‌امروزدردنیاهست‌ندارند؟ من‌یك‌نکته رامیخواهم تذکربدهم و آن توجه باین‌حقیقت است که ما و کشورهای خاورمیانه ازجهت صنعت‌عقب افتاده هستیم اما کشورهای بزرك صنعتی در نتیجه یك قرن کوشش وکار مرحله تکامل صنعتی را طی میکنند درصورتیکه ما هنوز درمرحله شروع‌هستیم اینرا باید گفت که درزندگی تنها ایده‌ال کافی‌نیست بایدقدرت‌وامکان‌را هم درنظر گرفت‌مادرمقابل این تشکیلات مجهزومقتدر ووسیع وبزرك‌صنعتی‌وتجارتی با دست خالی‌نمیتوانیم موفق‌بآنچه میشویم که ایده‌ال ماست‌تلاش و صبر بیش از آن نمیشود که آقای دکتر مصدق کرد اما موفق نشدبنابراین همان‌امتحان‌راباردیگر نمیشود کردبعضیها هنوزمیگویند اگر باز مقاومت کنیم برای اینکه کمونیستها غلبه نکنند امریکا چنین‌وچنان خواهد کرد این مرتبه هم‌عده فکرشان بخطامیرود آنموقع که کمونیستها نزدیك بودبرایران دوائر سیاست سوء دولت‌مسلط شوندامریکا ترسی بخودراه نداد اکنون که آن نگرانی بر طرف شده‌است‌شرکتهای‌امریکائی‌نخواهند گذاشت امریکا درموردنفت هر کاری می خواهد بکند آخرین پیشنهاد هندرسن بدکترمصدق: آخرین پیشنهادچه بود، اولی مال بانك‌بین‌المللی بودو آخری مال هندرسن بود فروش نفت به ۱۳۳ میلیون دلار ولی شرطش این بود که بفوریت مذاکرات شروع‌شود برای تشکیل‌یك شرکت بین‌المللی برای خرید نفت ایران این‌مرحله‌سومش‌هست که‌پیشنهادشرکت‌بین‌المللی میشود ۰ من‌هرچه‌فکر میکنم‌میبینم مثل اینستکه این‌یك‌فرمولی است کهمم به نتیجه رسیده برای‌ماوهم اگربین خودشان اختلافاتی‌دارند رفع میشود وراه‌سوم‌برای ما باز نیست که در اطرافش بحث کنیم‌در چند ماه آخر حکومت ایشان بود و آن ایامی بود که اصل‌چهار راآتش‌میزدند و غارت میکردند وامریکائیهارادر خیابانهای تهران کتك‌میزدند و امریکائیها پیاده در خیابان های‌تهران‌نمیتوانستند عبور کنند فعالیت جمعیتهای توده‌ای در همه جا آزاد بود ودرخیابانهای تهران وحشت و ترس از جمعیتهای توده‌ای همه‌مردم رافراگرفته بود معذالك در همان ایام آخرین پیشنهاد هندرسن بآقای دکتر مصدق این بود که یك‌شرکت‌بین‌المللی برای‌نفت‌ایران‌تشکیل شود که‌شرکت نفت‌ایران وانگلیس‌هم‌در آن شریك باشند ۰ من که در اینجا سنه رسمی از قدرتهای شرکتهای بزرك نفتی را خواندم دولت امریکا خودش در مسئله نفت تابع این‌شرکتهاست زیرا خود دولت امریکا دردنیا تشکیلاتی برای‌اینکارندارد و این کمپانیهای بزرك هستند که منافع امریکا را دردنیا مراقبت میکنند این‌شرکت ها از کمك دولت امریکا و دولت‌انگلیس بهره‌مندند دولت امریکا و انگلیس هم از عواید آنهابوسیله‌مالیاتهای‌هنگفت منتفع میشوندوآنها که‌اختیارقطرات‌نفت‌دنیارابدست دارند درمورد نفت ایران این فورمول تشکیل‌شرکت بین‌المللی‌را پیدا کرده‌اند واگر ما ازنفت‌بخواهیم استفاده کنیم‌راهی دیگر بنظرمن‌نمیرسدوبسیاری‌ازآشنایان من هم که تجربیات‌سیاسی ومملکتی دارند عقیده دارند که‌قبول شرایط فعلی بردرآن ترجیح دارد من ازیك‌جهت‌هم‌معتقدشده‌ام که ازنظر فنی وبحث ودفاع آنچه‌مقدور بوده کوشش بعمل آمده زیرا آقای‌سهام‌السلطان بیات نخست وزیر ایران بوده‌پیر مردی‌است که لااقل بد خواه کشور خود نیست ایشان وسایرنمایندگان درمذاکرات که در شرکت ملی نفت بودند در دولت سابق هم مورد اعتماد و وثوق بودند و بهمین جهت مشاغل حساسی داشتند آقای دکتر فلاح جزءهیئت مدیره بودو آقای‌فئواد روحانی مشاورحقوق شرکت و وکیل مدافع ایران‌دردادگاههای رم‌وتوکیو ونیز مورداعتماد آقای دکترمصدق‌بوده که مأمور مذاکره بامستر راس ازطرف آقای دکترمصدق در دو ماه‌قبل ازسقوط حکومت ایشان‌شد این آقایان بمن گفتند که تمام تلاش و کوشش شده پیش ازاین مورد قبول‌واقع نگردید وقبول‌این‌قرارداد تنها راه حل استفاده از نفت است وغیراز این استفاده ازنفت امکان ندارد

این بود مطالبی که لازم بود دراین موقع بعنوان یکنفر نماینده تذکربدهم تا مردم از حقیقت جریان مطلع‌شوند من‌از روز اول با تعطیل دستگاه نفت مخالف بودم وبااینکه بمقداری ازشروط‌این‌قرارداد اعتراض دارم معذلك برخلاف میل قلبی بحکم ضرورت موافق هستم که با همین شرائط فعلاًنفت ایران جریان یابد و این مسئله بزرك که شش سال‌است مارامشغول کرده است ازجلوی ما برداشته شود زیرا نفت را برای مملکت میخواهیم نه مملکت رابرای نفت (احسنت) و من خاتمه یافتن این اختلاف را بعد از یك مبارزه‌طولانی که منتهی بعدم موفقیت‌ماشده ترجیح‌میدهم آن میدهم

چه مزاج مملکت برای ادامه این اختلاف مستعد نیست (تفضلی - صحیح است) وآینده تولید بخش خیلی نزدیکی که‌مرا امیدوار سازد من درجلوی چشم و درخیال‌خودنمی‌بینم‌من‌چون هیچ‌راهی می بینم‌نیست میگویم انسان مصلحت موجودرا بگیرد تابعد که راه پیدا شد البته هرملتی خودش میداند چه جورحقش‌رابگیرد

اشخاصی درخارج هستند که راجع بمواد این قرارداد تبعت تفصیلی میکنند اما جای بحث وصحبت ازمواد نیست این یك وضع استثنائی است دولت درمجلس و کمیسیون آمده میگوید فروش نفت‌مقدور نیست الا بااین قرارداد و این شرائط خریداران هم‌غیر ازاین حاضر نیستنداین قرارداد راپارد یا قبول کنید پس مابحث درموداندارم اشخاصی که در حاشیه‌نشسته اند باید حقیقت وضع را در نظربگیرند بحث فنی وغیر فنی سه سال تمام شدونتیجه آن شد که‌همه دیدندنفت فروش نرفت‌مگر مقداری قلیل که خرج یکماه ازسه سال شرکت ملی نفت راهم‌نتوانست تأمین کند پس باید وضع روزرا درنظر گرفت

پس اساس‌مسئله این‌است که مانفت داریم اما سرمایه برای استخراج و تصفیه ولوازم وسائل کارا نداریم ووسیله فروش نداریم وتااین اختلاف باقی است طرف نمیگذارد که ما نفت بفروشیم (حمیدیه - آقای دکتر مصدق هم نتوانست نفت بفروشد)

و علاوه از آن وسیله و راه‌و بازارفروش در دست شرکتهای بزرك است که همه مخالفین‌هم آنهارامقتدر ترین‌دستگاههای روی زمین میدانند ۰ این شرکتهای‌نفتی هم طبق دلخواه ماو بدون تخفیف پنجاه درصد حاضر نیستند نفت مارا ببرند این نفت‌مثل آن‌سه سال بفروش نمیرود این عمل را اینها در جاهای دیگرهم میکنند آنها منعلقشان این است که اگرنباشند و وسائل آنهانباشدنفت‌ممالك‌خاورمیانه بفروش نمیرودو این‌حقیقت هم واضح شده‌وموافق و مخالف داخلی و خارجی حتی نماینده کمیته مجلسین امریکاهم تصدیق دارند که کنترل و اختیار بازارنفت بدست اینها است پس تا اینها هستند نفت ما بفروش نخواهد رفت و اینهاهم معلوم نیست‌باین زودی از بین بروند ولی احتمال هست قوی تر وبزرگتربشوندپس‌یاباید‌ازفروش نفت صرفنظر کنیم یامثل ممالك دیگرخاور میانه‌پیشنهادپنجاه‌وپنجاه‌راقبول کنیم اگرقبول کنیم‌درست‌است که‌ازمقدارزیادی‌از نفع که حق‌ماست و شرکتهابعنوان‌حق‌العمل‌خود میبرند محروم میشویم ولی باقی نفع بما میرسد واگر قبول نکنیم آنوقت نفت هم نمیتوانیم بفروشیم پس ۵۰درصد راضرر میکنیم ودرمورد تردید قاعده‌عقلانی قبول باقل ضرر است چون راه دیگری نداریم این مسئله‌نسل آینده را هم توجه کنیم‌بعلاوه عمل مابرای وضع موجوداست ما وضع امروز مملکت را باید در نظر بگیریم و نسل آینده خودش‌بایدبامشکلاتی که روبرو میشود مبارزه کند مملکتی که از بیست میلیون نفر ۱۵ میلیون نفرش گرسنه‌و برهنه وبی‌دوا و بی‌غذا و۵میلیون نفرش اقلابیکارند نمی تواند این مردم را بهمین‌حال بگذارد و فدای نسل‌آینده کند نسل آینده باید خود کار کند و ازنتیجه کار خود بهره برد ازطرفی نسل آینده‌را باید ما برای آینده‌مهیا وآماده کنیم‌نسل آینده باید با فرهنگ صحیح تربیتی‌خوب بنیه سالم و روحی قوی درست شود وقتی دولت وسائل این‌منظور رانداشت‌وخانواده ها هم‌از فقر و پریشانی نتوانندنسل‌آینده را تربیت‌و مهیا و آماده نمایند‌پس‌منظور مایعنی تأمین سعادت برای‌نسل آینده‌تأمین نخواهدشد و تأمین این منظور با اصلاح وضع اقتصادی و تهیه وسائل تربیت نسل آینده میسر خواهدبود پس اصلاح وضع اقتصادی از این جهات هم‌ضروری است و نمیتوان اهمیت و ترجیح آنرا برهرمسئله دیگری ازنظر دور داشت ۰

این راهم‌توجه کنید ،بعضی‌ازمخالفین میگویند این کار را بکنیم برای اینکه شرکتهای بزرك ممکن است در امور ما مداخله کنند و این از مصلحت‌ماخارجست که شرکتهای‌بزرك درکار ما مداخله کنند بنده‌عرض میکنم وقتی کیك‌مصلحت‌بزرك دیگری‌فعلا داریم ،این مصلحت فعلی را چطور رعایت نکنیم‌و مصلحت احتمالی را در نظر بگیریم؟

بنابراین در هر کشوری هر تصمیمی که گرفته میشودبرای زمان ووضع‌موجود و رفع مشکل درموارد ضروری است در همه قراردادهابا سنجش قوا شرایطی را قبول میکنند که وضع موجودرانجات‌دهد یك‌مسئله دیگرهم‌هست که دوام‌این‌اختلاف از نظر سیاسی هم مصلحتی دربر ندارد و بلکه وقتی معلوم شد ما نمیتوانیم نفت بفروشیم وتا این اختلاف باقی است طرف نمیگذاردپس دوام این اختلاف واستفاده نکردن از ۵۰ درصد از همه‌جهات‌متضمن یك مصلحت عقلائی که مبنی‌بردوراندیشی، عاقلانه و حساب مطمئنی و با نتیجه باشد نیست بلکه موجب نگرانی ممالك غربی‌از وضع کشورما و شاید آینده‌نفت‌ممکنست بشود ۰

این را آقایان توجه بفرمایند برای نفط حسابی در بین است آن حساب حسابی استکه‌کارنظرابابنجا کشانده‌آن حساب که اگر شما نفتُ خودتان‌را بخواهیدبفروشید و سختگیری کنید این‌نگرانی سیاسی‌برای مملکت ایجاد خواهد کرد و هیچ وضع بهتری جلو شما نیست‌چه ازلحاظ نفط وچه از نظر سیاسی و اگر از طریق عاقلانه وحسن تفاهم پیش نیاید بنظرمن‌برخلاف مصلحت ایران است اینستکه‌بنده عرایضم را خاتمه میدهم ۰ آقایان‌می دانند ازسال ۱۳۲۰ باینطرف بنده در کارهای‌سیاسی بعنوان آماتوروارد‌شده‌من آدم‌سیاسی‌نیستم‌ولی راجع ۰اصلاحات‌اجتماعی‌ومملکتی‌واصلاحات سیاسی در هرموقع اگر نظری داشته ام میگفتم ،در مورد مسئله نفط هم‌که این دستگاه بکار بیفتد صریحاً بآقایان عرض کنم من‌پیش خودم‌فکر میکنم‌یك‌مملکتی غرامت می دهد ویك‌دستگاهی‌باین‌عظمت که در دنیا بی نظیر است دراختیاردارد این را نباید خاموش گذاشت(صحیح‌است) ولو اینکه ضرربکند این صنعت ازایران نباید برود بعضی ها میگویند که‌درقبانوس و سایرجاهای خلیج فارس که‌نفط‌استخراج میکنندنفط ایران از زیرکشیده میشود من این را نمی دانم ،حالا شرکت‌بما کم می دهد ولی اگر نکنیم این تصفیه خانه از بین میرود ،جدایانوشاهدی‌این‌قرار داد مطابق میل باطنی ما نیست مطابق میل بنده که نیست و گمان میکنم که آقایان هم همین‌طور باشند (صحیح است)امااین را چه میشود کرد جز اینکه از این نفت صرفنظر کنیم‌ولی هرآدم عاقلی در وضع موجود آن‌مقداری که‌هست‌میگیردوخودرامهیا میکندتجهیزمیکند که بعدتمام‌حق‌را بگیرد وروزی‌می آید که تمام حق‌ملت‌ایران گرفته شود(انشاءالله)،سلماًروزی‌خواهد رسید در خاورمیانه که روزی ۷۰یا ۸۰درصدبدهند آقایان هرچه سطح زندگی شما بالابرود ترقی مملکت مابیشتر شود بمقصودنزدیك ترمیشویم هرقدر فعالیت داشته‌باشیم‌فعالیت اقتصادی‌داشته باشیم کارکنیم، آن مارا نزدیکتر بمقصود میکند ، من می خواهم عرایضم را خاتمه بدهم ، اینجاخدمت‌جناب آقای نخست‌وزیرهم‌عرض کردم که‌این‌پول چه باید بشود باید این پول‌صرف مملکت بشود نباید تفریطبشود (میراشراقی-مشرف الدوله درست میکند)بنده‌می خواهم‌عرض کنم طرز فکر مردم چیست، یك نوکری دارم باسم مختار بعضی از آقایان او را میشناسند یك مرد دهاتی است دیروزصبح موقع چائی خوردن یادداشتهائی میکردم از او پرسیدم خوب مختار عقیده‌ات‌راجع بنفت‌چیست؟یك فکری کردو گفت آقاچقدر پول‌گیر ما میآید گفتم سال سوم ۱۷۰۰ میلیون تومان ولی حد متوسط امسال‌هزار و صد میلیون تومان‌تقریباًهزارمیلیون‌تومان ولی بعد از ۳ سال دوهزار میلیون تومان گفت دو هزار میلیون‌تومان؟ گفتم‌بله گفت اگر این خرج مملکت‌بشود خیلی‌خوبست. حالا آقایان محترم حقیقت تلخ است و ممکن است خیلی ها خوششان نیاید ولی حقیقت را باید گفت درشرائط فعلی راهی غیر از این نداشتیم و این حداقل رانباید ازدست‌دادفقط‌بامیدباینکه بلکه‌یك‌آینده‌بهتری داشته باشیم شما را بخدا فکر کنید هزار ها چیز را در نظر بگیرید این آوانتوریه های بین‌المللی از فردا میآیند و پیشنهاد می دهند و میخواهند بنجول آب کنندشما را بخدا این امانت را نگذارید‌تفریطشود مثل‌چشم خودتان مثل فرزندتان بفرجهای لازم مملکت برسانید ماچه جوری بمردم جواب‌بدهیم که‌قرارداد ۴۰ساله راتصویب کنیم آخر بگذارید سه‌سال دیگر بگوئیم وضع هنا بهتر شده من نمیدانم این‌شرکت های نفتی چطور در کارهای مملکت ایران ممکن است دخالت کنند ولی‌اینجا میگویم ما که بااین قرار دادامروز موافق هستیم ولی آنها هم‌باید بدانند که با یك ملت زنده‌ای طرف هستند ملتی است که درظرف دو سال حساب ۵۰ساله شرکت نفت‌رارسید باید حسن سلوك‌وتفاهم‌داشته باشند وظیفه خودشان را انجام بدهند سرمایه بیاورندو این مملکت راآباد کنند کمکهائی که‌دول‌غربی‌بما میکنند ملت ایران باید همانطور که حسن تفاهم داردامید واربه نتیجه هم باشد من بیش‌از این عرضی ندارم‌وخیلی معذرت می‌خواهم که وقت آقایان‌را گرفتم (احسنت) واز نصف مطالبم هم گذشتم‌وعرض نکردم (احسنت)

رئیس آقای‌دولت‌آبادی

دولت‌آبادی - آقایان نمایندگان محترم ۰

در اطراف قرارداد نفت که دوهفته است درمجلس شورای ملی مطرح میباشد موافق ومخالف بیاناتی کردند که هریك بتناسب طرز استدلال وارزش حقیقی خود مورد توجه قرارگرفت والبته شایسته بود که این موضوع روز ها و ساعت‌ها وقت گرانبهای مجلس را اشغال نماید زیرادر یك امر اساسی وحیاتی کشور هرچه بیشتر بحث وفحص شود حقایق بهتر روشن می گردد وچنانچه سابقاً ذکرشد برای‌قضاوت تاریخ ونسل آینده این مباحثات لازم و ضروریست ۰

اما اگر بخواهیم مطلب را خلاصه نموده وآن خلاصه را برای قضاوت نهائی جلوچشم خود قراردهیم تاباتوجه باوضاع واحوال سیاسی واقتصادی کشور وجهان درباره‌آن تصمیم بگیریم

موضوع قرارداد ومدت وحاصل‌آن این‌خواهد بود ؛

که قراردادی برای‌فروش نفت‌جنوب ایران یعنی‌حوزه عملیات مندرج درضمیمه شماره ۱ قرارداد منعقد میگردد که سالیانه بانزده میلیون تن نفت درسال اول وبیست وسه میلیون تن درسال دوم و سی میلیون تن درسال سوم وازسال‌چهارم‌ببعد مقداری زائد برآن صادر وبمصرف فروش میرسد وبطور تخمین ازاین محل و عایدات تصفیه خانه ومتفرقه در سال اول بیش از ۳۸ میلیون لیره برابر یکصد میلیون دلار وبا تسعیر بنرخ‌ارز آزاد بیش ازهشت‌میلیارد ریال‌میشود وسال دوم پنجاه وهفت میلیون لیره برابر یکصد و پنجاه میلیون دلار و

دوازده میلیارد ریال وسال سوم هفتاد ودو میلیون لیره برابر دویست میلیون دلار و شانزده میلیارد ریال عایدات آن خواهد شد.

و حسابهای کنسرسیوم و شرکتهای مربوطه همه وقت برای رسیدگی آماده و با کوچکترین تردید در صحت ارقام آن از وجود حسابدارهای قسم خورده برای کنترل ورسیدگی استفاده خواهد شد

مدت قرارداد بیست و پنج سال است وبموجب ماده ۴۹ تحت شرائطی برای سه دوره پنجساله قابل تمدید است که البته مجموع این مدت یعنی چهل سال بنظر زیاد میرسد ولی با لزوم تجهیزات کافی وسرمایه مهم برای استخراج واکتشاف و تصفیه وتوزیع وامیدواری کامل باینکه جزائر جنوب ایران که فعلا بدبختانه بصورت خرابه های رفت‌باری درآمده است آباد ومعادن آن بکار خواهد افتاد و اینکه قرارداد بازرگانی حاضر هیچگاه رنك سیاسی بخود نگیرد وباتوجه بسایر مشکلات موجوده که امکانات موفقیتهای بهتری را ازمیان برده است قابل تحمل میباشد

موضوع تسعیر ارزازطرف کنسرسیوم وشرکتها که محدودیتی ندارد یعنی بنرخ آزاد بازرگانی تسعیرشود از نقاط ضعف این قرارداد است و کوشش نمایندگان ایران دراین باره بدبختانه بجائی نرسیده است ولی این نکته مهم وراء جبران آن یکی توسعه صادرات و دیگری جلوگیری از ورود اشیاء تجملی غیر ضروریست تا تعادلی میان واردات وصادرات حاصل شود بلکه صادرات ما برواردات افزونی یابد تاریال ارزش واقعی خودرا بدست آورد.

بدین معنی که ما سالیانه در حدود هفتاد میلیون لیره یا دویست میلیون دلار احتیاج به ارز خارجی داریم واگر بکوشیم که این ارزها را ازمحل صادرات نفت، سنگهای معدنی، فرش، کتیرا، مغزو نظائر آن تهیه کنیم بآسانی میتوانیم نرخ ارز رادر دست داشته واز این تورم و کم ارزشی ریال خود جلوگیری نمائیم.

چنانچه در این کشور روزی لیره طلا یاسی ریال تسعیر میشده و متأسفانه امروز بهشتصد ریال رسیده است یعنی ارزش پول مایك بیست وپنجم آنزمان گردیده وتمام مایحتاج ضروری زندگی بهمین نسبت گران شده است.

دیگر مطالبی که درسنجش مفادین قرارداد بامتیازنامه دارسی با قرار داد ۱۹۳۳ وپیشنهادات دیگر تطبیق پیشنهاد مکنس، هرین، استوکس، بانك بین المللی وغیره اظهار شده وبدون تردید هر یك دارای مضار ومزایائی بوده است که نمیتوان انکار کرد ولی باز دست دادن آن فرصت مایابد منصفانه اذعان کرد که دولت فعلی حتی حداکثر استفاده از توجه وکوشش عالیه کشور وچنین مساعی رجال بزرگ جهان توانسته است دستگاه خاموش نفت آبادان را براه اندازد وبازاردست رفته آنرا بصورتی که از نصف محصول قبل از تعطیل شروع و در ظرف سه سال بآن مساعد خواهد رسید بدست آورد (همهمه نمایندگان)(زنك رئیس) گمان میکنم آقایان را خسته کردم برای اینکه متأسفانه ماحوصله حرف شنیدن هم نداریم (صحیح - است) (قنات آبادی - همین بلا را سرمخالفین هم درآوردند گوش بحرفشان هم نمیدادند ومیرفتند بیرون)

برای ما که بعلت عدم توازن عایدات بامخارج مدتهاست نمیتوانیم لایحه بودجه را مورد رسیدگی قرار دهیم. کدام عاقل علاقمند بمیهن فتوی خواهد داد که از عایداتی معادل تمام بودجه اسمی خود صرف نظر وآنرا برای نسلهای آینده ذخیره نمائیم؟ بلکه وظیفه وجدانی ما و هرفرد باشرف علاقمند بمصالح کشور این است که در چنین اوضاع واحوال بافقرمادی کشور هرچه زودتر از این منبع عایدات استفاده نموده وآنرا سرمایه نجات مردم از بدبختی ودرماندگی قرار داده بسیاری از معادن سرشار دیگر راهم بکاراندازیم تابتر بیت نسل حاضر وآینده و تأمین آسایش ورفاه آن موفق گردیم.

من از آقایان معترضین خواستم که اگر رویه عملی و پیشنهاد مثبتی برای نجات میهن عزیز از این اوضاع دشوار دارند ارائه کنند تاهمگی بکار بندیم امامسئولیت اداره کشور وانجام عمل مثبت بامنفی بافی فرق بسیار دارد.

در کشوری که هفتاد در صدزندگی مردم را بدبختانه باید ازراه حقوقهای دولتی یعنی خزانه عمومی پرداخت و سی در صد دیگر هم کار مثبتی ندارند و تمام منابع ثروت کشور وقوای عاطه مردم بهدرمیرود دیگر چه مجالی برای ریاکاری و تسلیم بسیاست غلط امروز و فردا کردن باقی مانده است.

من بآنها که برای ناتوانی وزبونی ما غمخواری میکنندودیگران را صاحب نیروی عظیم وقدرت بزرك جلوه میدهند میگویم که ملت ایران صعیف وزبون نیست قدرت وعظمت ملتها بسته بنیروی ایمان واراده و مبارزه آنها برای استقلال وحیات وشرافتشان میباشد ودر ملت ما بحکم چند هزار سال تاریخ وگذشته پرافتخار این نیروی عظیم بیش ازهر کشور موجود ونهضت مقدس ملت ایران در مقابل تعدیات یك شرکت خارجی بهترین نمونه این رشد ملی است و یقیناً در طرز سلوك شرکتهائی هم که بموجب این قرار داد باما طرف معامله میشوند درس عبرتی خواهد بود تابا احترام بحقوق ملی مااعتماد وعواطف ملت نجیب ایران راهمواره بخود جلب نمایند.

آقایان بنده در بیانات سابق خود راجع بخرابی وزارتخانها و یأس مردم از آن تشکیلات مطالبی گفتم که همه و همه درد دل مردم بود وهیچکس نمیتواند منکر آن باشد و برای هریك هزاران شاهد زنده دارم ولی این وضعیت مطلقاً مربوط بدولت حاضر نیست وچنانچه تذکر دادم دولت فعلی وارث آن اوضاع رقت بار بوده سالها سابقه ممتد و ریشه کهن دارد ودر حکومت سه ساله دولت سابق بیش از حد این ریشه ها آبیاری شده است النهایه دردها راگفتم تا دولت فعلی بدرمان آن فوراً بکوشد ومطمئن باشید که ازعوامل موجود فقط همان کاری ساخته است که تا حال کرده‌اند واگر بخواهد بماند وخدمت خود را مورد قبول وپسند ملت ایران قرار دهد باید هرچه زودتر افرادی را بر سر کار بیاورد که دارای ایمان وتقوی باشند و دو دست بمیز وزارت نچسبند وبرای نگاه‌داری آن شریك جرائم گذشته باشند و برای اینکه بگویند چرا ازراه نمائی تصور واز ارائه نقشه های عملی غمض عین میشود نسبت بچند موضوع اساسی بدولت نقشه میدهم که اگر آنرا فوراً مطالعه نموده وبکار بست بازهم در تمام شئون و امور کشور نظریات اصلاحی خود ورفقاء محترم را که خوشبختانه نظر اکثریت مجلس است از پشت تریبون باطلاع ملت ایران و دولت میرسانم تا در راه سعادت ایران همگام شده وظائف خودرا با روشنفکری وعقل و اتکاء بخداوند انجام دهیم.

اینجانب ضمن تشریح اوضاع داخلی وبیان دردهای مردم وعده دادم که بذکر علل ودرمان دردها بپردازم وبآن مقدار که درحوصله این جلسه باشد مختصراً عرض میکنم که علت العلل فقر ودرماندگی وبی نظمی جامعه ما ضعف ایمان ما است که آنهم خود بخود پیش نیامده بلکه با کمال تدبیر وتزویر بدست دشمنان ما بنا بنقشه دقیق پیش از ۵۰ سال است عمل شده تا بجای توجه بحقایق قرآن وفرائض دینی که خمس وزکوة ودفاع و امر بمعروف ونهی ازمنکر ازفروع آنست در میان ما استعمال افیون وشرب مسکرات واشتغال بقمار رواج یافت ودراین راه نیروی عقل و اندیشه وقدرت بدن وبازوی ما ازبین رفت. بمبادی دینی واخلاقی بی اعتنا شدیم وبروز سیاه فعلی افتادیم.

بنا براین لازم وواجب است که هر چه زود تروتوأم با امور جاری روزانه خودمان بجبران گذشته قیام و با کندن ریشه های فساد مردم ومخصوصاً نسل جوان را بحقایق اسلامی آشنا ساخته و آنهارا بسلاح ایمان وتقوی مجهز سازیم.

کارهای دیگر که دولت فعلی و هر دولت اصلاح طلب عاقل باید بکند این است که نیروی فعاله مردم را بکار مثبت مشغول سازد که این بیکاری منشاء هزاران فساد میباشد. اینهمه تعریکات ۰۰ وسه بندیها و نادانیها نتیجه بیکاریست و اگر مردم بکارمشغول شوند هیچوقت دل بحرف یاوه بیگانگان وبیگانه پرستان و عوامل خائن بوطن نمیدهند تا احیاناً بر خلاف مصالح واقعی میهن عزیز خود قدمی بردارند.

برای ایجاد کار دولت فعلی وهر کس داعیه اصلاح طلبی داشته باشد مواجه با اولین وظیفه بلکه فریضه وجدانی است و خوشبختانه با حل مشکل نفت میشود در تمام اطراف واکناف مملکت دست بکار مفید ومؤثر زد بهترین راه اینست که تمام تشکیلات سازمان برنامه را بدون فوت وقت بده استان کشور تقسیم و توزیع نمود اعتبارمالی آنهم باضافه آنچه دولت میتواند بنام بودجه تولیدی و انتفاعی بپردازد بده استان متناسب با جمعیت و استعداد آن تقسیم شود آنگاه در مرکزهر استان شرکتهای مختلفی از سرمایه دولت ومردم تشکیل شود که هیئت های مدیره آن متشکل از معتمدین و مطلعین مردم و مهندسین وکارشناسان فنی دولت باشد. نام این شرکتها نبز شرکت کارو تعاون خواهد بود بدینمعنی که شرکتها متناسب با هراستان و فعالیتهای مؤثر و مفید که در آن میسر است شروع بکار نمایند مثلادر آذربایجان برای کشاورزی - غرس اشجار - تربیت اغنام - در کرمان برای اکتشاف وبهره برداری معادن همچنین صادرات فرش وتهیه مرکبات. در گرگان ومازندران برای تهیه توتون - پنبه - برنج - کنف و تربیت احشام - در فارس برای تهیه غلات و مرکبات - اغنام و در سایر استانها به تناسب اوضاع واحوال طبیعی آن شروع بکارشود.

این کارها دوجنبه دارد یکی راهنمائی کشاورزان و کارگران برای مبادرت بکار های مفید وحمایت آنها از جهات مالی و بهداشتی ودادن وسایل کاروابزارهای ساده کم سود ودیگر مباشرت در ایجاد مزارع نمونه و اکتشاف معادن و اصلاح نژاد دام و غیره - تا مردم از کمك های مادی و معنوی این شرکت ها بشایستگی برخوردار شوند.

این گونه شرکتها که باسرمایه سازمان برنامه وبودجه انتفاعی دولت و قسمتی از پول مردم وبدست مردم اداره خواهد شد حس اعتماد مردم بسازمانهای دولتی تقویت خواهد کرد و خودبخود یکنوع فعالیت بسابقه توأم بامیدواری کامل در کشور ایجاد خواهد نمود که عملا با سوء ظن وبدبینی مبارزه شده است. وبرخلاف گذشته مردم عموماً دولت و سازمانها را از خودشان دانسته و متفقاً برای سعادت افراد کشور کوشش خواهند کرد.

عواید این شرکتها برای اداره کردن خود شرکت و توسعه فعالیت آن وهمچنین قسمتی برای امور خیریه عمومی مصرف

میشود. مثلا یکصد سهم از عایدات هر شرکت استان خراسان که مسکن است طبق نقشه مطالعه شده بیست میلیارد وبال برسد بالغ بر چهارصد میلیون ریال خواهد بود واگر این مبلغ بمصرف واقعی خود برسد ریشه فقر و مسکنت وبیماری رامیشود از آن استان از بیخ وبن بر کند.

همچنین در استانهای دیگر هر یك بتناسب خود میتوان دست بکار های مفید ومهمی زد که بعداز ۵ سال دیگر از فقر ودرماندگی اثری در سراسر کشور باقی نماند. بعداز ۵ سال کشوری آسوده ومردمی توانا در جای این بیغوله های وحشت زار و مردم حیران بی قوا ایجاد نمود.

دراین کشور استعداد ولیاقت طبیعی بحدی است که میشود ازصادرات غله و برنج - پوست کتیرا - روغن - چوب - فرش - سرب ذغال سنك - مس - گوگرد و غیره سالیانه مبلیاردها ارز بدست آورد ومملکت را از این رنج گران نجات داد تنها باین شرط که میز نشین های تئوریسین با اندکی انصاف و تقوی قدم در میدان کوشش گذارده و با مردم صمیمانه شروع بکار نمایند.

توضیحی که عرض شد تأسیس شرکت های کار وتعاون در استانها بزرگترین و مؤثرترین قدم عملی واقدام مهمی است که دولت میتواند آغاز نماید. این نکته نیز شایان توضیح است که یکی از نواقص بزرك موجود در این کشور عدم همکاری صمیمانه میان سازمانهای دولتی و مردم است که متأسفانه مأمورین دولت ندانسته یانتوانسته اند همکاری صمیمانه و اعتماد واقعی مردم را بخود جلب نمایند. مردم نیز روی همین عدم توجه اولیای امور از سازمانهای دولتی دوری گزیده اند تا کار باینجا رسیده است که تمامی این سازمانها را مانند تارعنکبوت دام صید خود میدانند و مادام که مأمورین دولت ندانند بزرگترین وظیفه آنها جلب اعتماد وتوجه مردم یعنی ارباب های واقعی خودشان است و مردم نیز سازمانهای دولتی را عامل اصلاحات وخدمت گذار خود نپندارند کاری بمفهوم واقعی خود از پیش نخواهد رفت زیرا کاردرست حتماً باید برشالوده علم، تجربه، نظم و صمیمیت استوار باشد واگر یکی از این پایه‌ها سست شد یا بنائی بوجود نخواهد آمد یاموجودی مفید نخواهد بود.

اما خاصیت وتکته دیگری که در این تشریك سعی ملحوظ میباشد توأم ساختن علم وتجربه است اگرچه علم غیر ازتجارب مدون چیزی نیست ولی چون طریقه بکار بستن آن درزمان ومکان واوضاع واحوال مختلف متفاوت است بلزوم باید دانش را با تجربه درآمیخت تا حاصل آن مفید و مؤثر باشد

برای اینجانب تردید نیست که تشکیل شرکت های کار و تعاون با سرمایه های مادی و بر بود وسرمایه‌های معنوی همت و نظم وعلم وتجربه وتشویق کار مردم به خودشان آنهم برای مقصد عالی و هدف طبیعی معاش وزندگی نه سیاست بافی و دسته بندی یك عمل صحیح واساسی خواهد بود که سد در سد مشکلات موجود و نگرانیهای زندگی و فقر مادی را که منشاء فقر معنوی میباشد ازبین خواهد برد (نقابت از لایحه دفاع کنید شما که دارید مصرف تعیین میکنید آیا اینها نظریات کمیسیون است؟) بنده هم مخبر کمیسیون هستم وهم نماینده (نقابت اجازه‌ای که بطور استثنائی وآزاد بشما میدهند برای دفاع از لایحه است) تکلیف مراشما تعیین نکنید

اگر دولت دومیلیارد ریال ازعایدات نفت دومیلیاردهم ازمحل سرمایه نقدی و جنسی سازمان برنامه بپردازد و مردم نیز یك میلیارد اوراق سهام شرکت های کار وتعاون را تعهد کنند که در ظرف سه سال بتدریج بپردازند یك میلیارد هم از اعتبارات بعناوین مختلف درکشور به نام خیریه میگیرند بدهند میتوان ده شرکت کار وتعاون جمعاً باسرمایه پانزده میلیارد ریال وچهل در صد آن پرداخت شده باشد در ده استان متناسب باجمعیت وموقعیت هر استان تشکیل داد که تمام کارهای تولیدی وانتفاعی هر استان را خودشان مطالعه وتشخیص واجرا واداره نمایند و از این هجوم مهیب بیکاران بپایتخت وتخلیه شهرستانها که اکثراً بحال خرابی و ویرانی افتاده است عمل جلوگیری ودرجای کشوری خراب و بحرانی شلوغ کشوری آباد و پایتختی آرام بوجود آورد که هر کس بکار وزندگی باآسایش حقیقی مشغول شود و بمفهوم واقعی حیات بارفاه برسد در آن موقع بایدسهمیه های واردات کشور راهم باستانها وشهرستانها عادلانه تقسیم کرد تا بازرگانان نیز بتوانند در شهر ودیار خود مانند سابق بکسب وکار مشغول گردند و بلای انحصار همه چیز بتهران زایل گردد

من در پایان این قسمت فهرستی از کارهای پرسود ومفیدی که بآسانی میشود در استانهای مختلف کشور شروع کرد و از آن بهره برداری نمود بیان مینمایم:

الف استان ۱ و ۲

غله - برنج - مرکبات - حبوبات - کنف - ابریشم - چای - کتیرا چوبهای صنعتی - اغنام واحشام وطیور - ماهی و خاویار - معادن ذغال سنك - سرب - گوگرد وغیره.

ب استان ۳ و ۴

غله حبوبات - مغز - کتیرا - فرش - اغنام واحشام - کشمش - ابریشم - رنك - سرب - میوه.

ج - استان ۵

غله - حبوبات - اغنام - معادن

د - استان ۶

غله - حبوبات - برنج - خرما - نی شکر - مرکبات

ه - استان ۷

غله - حبوبات - برنج - مرکبات - اغنام و احشام - خرما - ماهی - سنگهای معدنی

و - استان ۸

مرکبات - غله - خرما - فرش - سنگهای معدنی مهم ازقبیل سرب - مس - نیکل - گوگرد - نقره - طلا - خاك نسوز وماهی - خاك سرخ

ز - استان ۹

غله حبوبات - اغنام - میوه - مغز - فرش - معادن

ح - استان ۱۰

حبوبات - فرش - کتیرا - مغز میوه.

وخلاصه از بیانات امروز خود را بدولت میدهم که مورد توجه فوری قرار دهند.

همچنین برای اصلاح برنامه فرهنگ ایجاد بهداری و بهداشت عمومی - اصلاح تشکیلات وزارت دارائی و کشور و دادگستری کشاورزی و دیگر سازمانها که بصورت مفید ومؤثر باشد مطالعات و پیشنهاداتی شده است که قریباً باطلاع مجلس شورایملی خواهم رسانید وبدولت میدهم تا مورد مطالعه واستفاده قراردهند وازراه خدمت صادقانه بمردم گذشته ها جبران وصداقت وصمیمیت جانشین ریا و عوامفریبی گردد

درپایان امید وارم آقایان نمایندگان محترم مجلس باتبانی کامل و روشندلی به انجام وظیفه مهمی که اکنون در برابر آن قرار گرفته اند اقدام وبعداً هم از دولت بخواهند که درراه بقاء استقلال مملکت مخصوصاً تشویق خدمتگذاران صدیق و مجازات تبه کاران قیام مجدانه نمایند.

ازخداوند برای میهن عزیز و ملت رشید وآنها که ازجان ومال خود در راه بقاء استقلال ایران فدا کاری کرده اند مزید توفیق و عزت و افتخار مسئلت دارد.

رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است. (وزیر دارائی ماجازه میفرمائید؟) بفرمائید

وزیر دارائی - آقایان محترم، صمیمانه عرض میکنم که بیش ازهمه آقایان من مشتاق شنیدن انتقادات مخالفین قرارداد فروش نفت بودم. ومیل داشتم بدانم چه نکتی درتنظیم این قرار داد از نظر ما مخفی مانده که بنظر موشکاف منتقدین رسیده است واگر واقعاً ترك واجبی شده فوراً درصدد جبران آن بر آئیم. زیرا همانطور که چندین بار عرض کردم من که مسئول عقد کرارداد باشایندگان کنسرسیوم بودم وباتفاق هیئت نمایندگی ایران شش ماهه مجاهدت کردیم هیچوقت سعی نبودم که ما توانسته باشیم تمام اطراف وجوانب کاررا مراعات کنیم واحتمال میدادم که مسائلی ازنظرما مکتوم مانده باشد که خوشبختانه قضیه رژیم دیکتاتوری وبحث وانتقاد ومشورتی که در باب این قرارداد بوسیله آقایان میشود باحتمال قوی آن نقاط تاریك را روشن مینماید.

مخصوصاً که میشنیدم آقایان مخالفین همانطور که شیوه پسندیده هر انسان منطقی است برای تنظیم نطق خود با عده ای کارشناس مشورت کرده اند پس حق داشتم منتظر شنیدن بیانات جالب ومؤثری باشم وخود را آماده قبول آن نمایم (تیمورتاش - ولی را نفرمائید دیگر.)

متأسفانه شنیدن فرمایشات آقایان آب سردی بود که روی انتظارات من ریخته باشند حقیقة دچار حیرت شدم و متعجب ماندم که چطور میشود کسانی که داعیه مخالفت وانتقاد ازقرار دادی باین اهمیت را دارند تا این اندازه دربیانات خود از منطق دور بیفتند.

من نه بعنوان اینکه وزیر دارائی هستم وآقایان نه بعنوان اینکه وکیل مجلس هستند بلکه بعنوان یکعده آشنا ودوستی که میخواهند راجع بیك امر مهمی مشورت کنند وتصمیم بگیرند و انتقادات را تجزیه وتحلیل نمایند سعی کنیم این بیانات آقایان محترم را تجزیه و تحلیل کنیم مسلماً شما هم دراظهار تعجب با من شریك خواهید شد. (درخشش - دلیل)

شش ساعت آقای درخشش حرف زدند (درخشش - ۷۰ ساعت) دو سه ساعت آقای شمس قنات آبادی ویکساعت آقای حائری زاده و مدتی هم آقای مصطفی کاشانی صحبت کردند.

قسمت اعظم فرمایشات آقایان در جملات زیر خلاصه میشود:

اولا شرکت های نفتی دنیا ثروتمند و زورمند هستند. ثانیاً انگلیسها دردنیا خیلی مقتدرهستند. ثالثاً تمام رجال ایران بزعم آقایان نوکر انگلیسها بوده‌اند و هستند (کاشانی - اینطور نیست) رابعاً انگلیسها آمریکاوشوروی را نیز اداره میکنند و بعداز ذکر این مقدمات باین نتیجه میرسند که ما مردم ضعیفی هستیم. پول نداریم. نان نداریم. زور نداریم قیام کردیم که انگلیسها را شکست بدهیم وحالا انگلیسها برگشته‌اند. رجال ایران همه ثروت مند هستند، طبقه حاکمه فاسد است.

بنده که وزیر دارائی هستم ثروتمند هستم. خانواده من ثروتمند هستند. ما جزو هیئت حاکمه هستیم و آقای شمس قنات آبادی جزو هیئت محکومه قرارداد

نفت جنبه‌ی‌ملی است‌وهمان امتیاز است بدلیل اینکه کارشناسان فنی آقایان گفته‌اند (قنات آبادی-دلیل‌دیگرهم دارد) حوزه عملیات نفت درقرار داد فروش سه برابر قرارداد امتیاز شده‌است • چرا‌دلیل نمیخواهد برای اینکه آقای شمس‌قنات‌آبادی‌وکارشناسان ایشان دلشان خواسته اینطورو بگویند •

قرارداد فروش همان قرار داد امتیاز است چرا ؟ بدلیل اینکه بعضی ازمواد این‌دوقراردادبهم شبیه‌است وهر کس‌ریش داردبای‌ماست؛

پیشنهاد هندرسن بهتراز قراردادبا کنسرسیوم است. بچه‌دلیل ؟ برای اینکه مطابق پیشنهادهندرسن‌مابرای سی‌میلیون تن‌نفت ۵۰ میلیون لیرمیگرفتیم ومطابق قرارداد حاضر ۷۶ میلیون خواهیم گرفت. بعلاوه هزارمیلیون دلارغرامت میپرداختیم وحالا فقط ۶میلیون‌لیرغرامت پرداخته‌ایم. و از این‌قبیل استدلالات عجیب‌وغریبی که آقایان محترم در ضمن بیانات خود فرموده اند • (میراشرافی - صحبت اقلیت است‌نه‌اکثریت.)

چرا... یك نکته دیگر هم‌دربیانات آقایان محترم شنیده‌شد و آن این‌بود که دولت ایران از دستگاه آبادان و نفت خوزستان که مورد دعوای شرکت سابق بوده است بکلی صرفنظر کند و برود دنبال یك سرمایه داری بگردد که باأو در سرمایه و عملیات و منافع‌شریك بشود تا ازنو آبادان تازه ای بسازیم چون‌خودمان‌سرمایه نداریم نفت درنیامده را چندین‌سال به‌آن‌سرمایه‌دار پیش‌فروش کنیم واز محل آن فروش قبلا پول از سرمایه داربگیریم و پنجاه در صد سهم سرمایه خودمان رابدهیم •(قنات‌آبادی- کی چنین حرفی زده؟)

بعقیده من اگر بتوانیم کور و کر پولداری در دنیا پیدا کنیم باین ترتیب معامله بادسته کورها برای ما مناسب خواهد بود زیرا درشرائط حاضر دنیا وبا وضعی که ماداریم کسی که پول داشته باشد ، بازار فروش داشته باشد وچشم وگوش حسابی‌هم داشته باشد این معامله راکه آقا میگویندقبول‌نخواهد کرد.

یك پیشنهاد دیگر آقایان‌هم‌این‌بود که ما نفت رابه‌قیمت‌خلیج مکزیك‌بفروشیم البته پیشنهاد بسیار خوبیست ولی ما اگر خودمان را مجبور کنیم که نفت‌را بقیمت بالاتر از سطح عادی منطقه خلیج فارس بفروشیم هیچ‌خریداری‌خودرا ملزم‌نمیداند وقتی نفت ارزان عراق وعربستان و کویت وجود دارد ازما گرانتر بخرد.

عجیب تر اینست که آقایان باوجود تمام این پیشنهادات فنی که‌داده اند عقیده دارندما‌طلاعی از امور فنی و اقتصادی‌نفت ندارند ... وگویا فقط نظر داشته اند که تشریف بیاورند مدتی فحش و تهمت بمن وسایر کسانیکه برای حل این‌مشکل زحمت کشیده اند نثار کنند (درخشش- کسی فحش نداد)(کاشانی-هیچ هیچو چیزی نیست)(میر اشرافی - هوچی گری میکنند)(زنانه‌رئیس) کالایوسیله آمرزش روحشان‌دردنیای‌دیگر باشدوبقول‌خودشان ضبط تاریخ شود که‌این‌مردان بزرگ‌روزی آمدند وفحش دادند وتهمت زدندو از هیچ مبنای اخلاقی هم نهراسیدندوتشریف بردند.(قنات آبادی -آقای رئیس حق نداردیك وزیری‌اینقدر توهین کندبو کلا یك فحش نامه‌ارسنجانی نوشته داده دستش شما حافظ حقوق مائید مگر اقلیت باید فحش بخورد آقا)

البته‌افرادی که خودرا وجداناً مسئول مملکت وسرنوشت‌مردم‌نمیدانند‌میخواهند معروف شوندحالاواقعیت وحقیقت‌چیست؟ هر چه باشد! مملکت‌چه خواهد شد؟برای آنها فرق نمیکندولی کسانیکه مسئول مملکت هستند دور از انصاف استاز این حرفهای بی منطق بزنند. و شایسته‌نیست مصلحت مردم ومملکت‌را فدای زبان بازی و شوخیهای‌لفظی‌این‌وآن‌بکنند درمملکتی که اکثر کارها جنبه شوخی دارد البته شوخی کردن وفحش‌دادن و نیش‌زدن در مسائل حیاتی مملکت یك نوع تفریح‌است ومانعی‌هم ندارد.

(قنات‌آبادی-ازاول تا آخرجزفحش چیزی ندارد. آنوقت میگویند اقلیت‌فحش میدهند •همه کاررا میخواهند با فحش پیش ببرند)

رئیس-آقای وزیر دارائی جواب ها باید درحدود ایرادات آقایان‌باشد از موضوع خارج نشوید.

وزیردارائی-بحرف کمالیات‌نبسته‌اند • هرچه بخواهندمیگویند ومیدانند که‌عنوان کسی که خودرااغلاطاً وعملامسئول‌هیچ‌چیز نمیداندباکسی که‌خودرامسئول‌میداند‌خیلی فرق دارد •

خلاصه اینست که آقایان منقدین محترم همه چیز فرمودند و از همه‌چیز حرف زدند جز از قرار داد فروش نفت بود فراموش کردند . و کسانیهم که به آقایان کمك کردند آنقدرهمیت‌نداشتند که بجای این قبیل شوخی های سیاسی و تفریحات پارلمانی چند پیشنهاد مفید و صحیح ومنطقی پیش ما بگذارند کمااز آن استفاده کنیم و قدم دیگری بنفع مملکت برداریم .

حقیقتاً چه بدبختی بزرگی‌است که‌همه ما خودستا وخود خواه هستیم‌وهمه‌چیزرا در قالب‌خود خواههای‌خویش فراموش میکنیم . تمام‌معایب اخلاقی ماناشی از همین عیب است مردمیکه‌از لحاظ‌فرهنك رشد کافی نکرده اند ومفاهیم مملکت و ملت ومنافع عمومی در نظرشان روشن نیست اسیر بندهای زبون کننده خود خواهی هستند •

بسیار خوب‌آقایان‌محترم کارخودتان راکردید • همه شناختند که شما خوب حرف میزنید . خوب تهمت میزنید. حق را خوب‌پایمال میکنید ولی‌خودتان‌پیش وجدان خودتان اقرار کنید که وظیفه اخلاقی خودتان را انجام ندادید • انتقاد صحیح و منطقی را که وظیفه شما بود فراموش کردیدنتوانستید راهنمائی‌عاقلانه وصحیحی بفرمائید که مملکت از آن بهره‌مندشود.

مطالبیکه فرمودید کتاب افسانه ایست کمسال‌های‌سال دیگران پیش‌ازشما آنرا گاه و بیگاه میخواندند و شماآنرا تکرار کردید (قنات آبادی - شماکه دنبال آنها راه افتاده بودید)(درخشش- انشاء فارسی نخواندید دلیل بیاورید) اگر راست میگویید چرا بجای تکرار این افسانه‌های کهن(قنات آبادی- افسانه کجا گفتیم ؟ شما که‌گوش نکردید)راه علاج و رهائی مردم رانشان نمیدهید ؟

رئیس-آقای دکترامینی ازموضوع خارج نشوید . (قنات‌آبادی- وزیراقتصاد دیگران بوده) آقای‌قنات آبادی . (قنات- آبادی-حق‌ندارد توهین کند یك‌فحش‌نامه ارسنجانی تهیه کرده‌داده‌است‌بدست‌او باقلیت که نبایدفحش‌داد)

وزیردارائی- چرا نمیگوئید چه بکنیم‌که‌از این منجلاب خلاص شویم .اگر راه بهتری برای بجریان افتادن نفت‌سراغ دارید بگوئید کدام‌است؟(قنات‌آبادی-پس بگذارید همین‌طور فحش بدهند وبروند) وقتی‌شمافحش میدادید بنده که‌چیزی‌نگفتم (قنات آبادی- فحش‌ندادیم‌این افسانه‌هائی کماگفتیم‌چه‌بود؟)خودتان پیش‌بیفتیدقبول مسئولیت کنید.ما کنارمیرویم (قنات آبادی والله اگر کنار برود از هردر که شما را برانند ازدردیگردرمیآئید). ومسئولیت‌کار مملکت را بشما میسپاریم . اطمینان داشته باشیدکه‌درآنصورت‌ما نه‌بشما فحش‌میدهیم ونه تهمت میزنیم (قنات‌آبادی - وجودتان تهمت‌است•) بلکه هرچه از ما درمساعدت بشما ساخته باشد درطبق اخلاص خواهیم گذاشت. (سعیدمهدوی-آقای‌رئیس‌اینطور بوزیر فحش میدهند آنوقت میگویند که فحش‌میدهند)

رئیس-هردوش‌غلط است

وزیردارائی-اگرهم خودتان‌راه عملی بهتری سراغ ندارید (قنات‌آبادی- سراغ داریم مردم‌را بحال‌خود بگذارید) و انتقاد صحیحی هم نمیتوانید بکنید پس بجای‌دشنام گوئی‌بما کمك کنیدتاکارمملکت سر انجام گیرد واز این فقروفلاکت‌خلاص شویم.

آقایان چندین بار صحبت از قانون ملی شدن‌صنعت‌نفت کردند واظهاردانشتند که امضای قرار داد فروش نفت مخالف قانون ملی‌شدن صنعت‌نفت‌است (درخشش- صحیح‌است)

من نمیخواهم در آقای دکتر مصدق را تکرار کنم که میگفت‌قانون برای‌ملت است نه‌ملت برای قانون من نمیخواهم به این فلسفه قدیمی اشاره کنم که انسان نباید بنده و زنجیر شده مخلوقات ذهنی خود باشد • من‌نمیخواهم بگویم که قانون‌ملی شدن قرآن خدا نیست که غیر قابل‌تغییر باشد• بنده ابداً باین اصول اشاره نمیکنم ولی میخواهم یك‌مطلب‌را سئوال کنم‌وآن اینستکه آیاآقایان‌واقعاً این‌قانون‌راخوانده اید فلسفه وضع آنرا درنظر گرفته‌اید‌آیا قانون نه‌ماده ملی‌شدن صنعت‌نفت برای‌این وضع‌شده‌است که چاههای‌نفت‌ایران‌بخشکد و ما مثل اژدها روی گنجهای نفت خود چنبر بزنیم تا یك قطره آن بکسی نرسد وخودمان هم‌از گرسنگی روی آن جان بدهیم ؟

آیا مقصود از ملی شدن صنعت نفت این نبود که ما از منابع زیرزمینی خود استفاده بیشتری بکنیم و سعی نمائیم این صنعت را تاجائی که مقدوراست در دست‌خودبگیریم؟

الان آقای‌خلعت‌بری اشاره‌فرمودند بطور تفصیل دکترمصدق واضع قانون‌ملی شدن صنعت نفت به‌میسیون بانك‌بین‌المللی پیشنهاد میکند که آنها نفت ایران‌را بعنوان عامل دولت ایران‌و شرکت‌ملی‌نفت اداره کنند ومهندس حسیبی دربیانیه‌ای که منتشر کرده‌علت‌قطع‌مذاکرات‌بانمایندگان بانك بین‌المللی را که پیشنهاداتی سنگین تراز پیشنهادات کنسر سیوم داشته‌اند عدم قبولی آنها بعنوان عامل شرکت ملی نفت دانسته‌است وهمه‌میدانند که بانك بین المللی‌میخواست صنعت نفط ایرانرا خودش اداره کند و در استخدام کارشناسان آزادی‌کامل‌داشته باشد •

آیا آقایان‌از آقای دکترمصدق هم بیشتر بفلسفه قانون ملی‌شدن صنعت نفت آشنائی‌دارید؟ دکترمصدق میدانست که‌با نداشتن‌کارشناس وسرمایه ووسائل حمل و نقل وبازار فروش ما نمیتوانیم خودمان تمام اعمال تصفیه وفروش نفت را مباشرت کنیم باین جهت میل داشت بطریقی با میسیون بانك بین‌المللی کناربیاید •

اینکه‌آقایان میفرمائید صنعت نفط باید دردست خودمان باشد میگنست‌جواب بدهید که تا چند سال دیگر ما خواهیم توانست چند صد نفرکارشناس درجه اول تربیت کنیم ولی‌حالا که نداریم(درخشش- استخدام میکنیم) اجازه بفرمائید اگر توانستیم درمدت چند سال این عده را تربیت کنیم مطابق قرار داد فروش تمام آنها را بجای کارشناسان خارجی خواهیم گذاشت عملا صنعت نفط را در دست خواهیم گرفت.

شما بگوئید دستگاه آبادان را

خودمان براه یاندازیم یا چه سرمایه ای اینکاررا بکنیم واز کجا بیاوریم ؟ ونفط آنرا بچه کسی بفروشیم ؟ خواهید گفت بمیزان کم استخراج‌وتصفیه میکنیم‌و کمتر ازآن میفروشیم• اینکه ازلحاظ بازرگانی صرف نمیکند • نصف مخارج آبادان را نخواهد داد واگرعملی بود دولت سابق میکرد• آخر چرا باید حرف بیهوده بزنیم وچرا باید مردم‌را دچاراشتباه کنیم؟ شما که میدانید آنچه میگوئید شوخی و تفریح است • شما که میدانید آنچه ادعا میکنید عملی‌نیست پس‌چرا میگوئیدچرا برای خود ستائی خودتان یك ملتی را باشتباه میاندازیدمگرحرف آبراهام‌لینکلن را فراموش کرده اید!!

همه را میتوان برای مدتی فریب داد •

عده ای را میشود برای همیشه گول زد •

ولی همه را برای همیشه نمیتوان فریفت (صحیح است -احسنت) •(درخشش این عمل شماست) برگردیم به‌متن‌قوانین مربوط به‌ملی‌شدن‌صنعت نفط •

طبق مندرجات صورت مجلس کمیسیون نفت روزپنجشنبه۱۷ اسفند ماه تصمیم نامه کمیسیون بشرح‌زیر به تصویب اعضای کمیسیون نفت رسیده‌است :

((نظر باینکه ضمن پیشنهادات واصله بکمیسیون نفت پیشنهاد ملی شدن صنعت نفط درسراسر کشور مورد توجه وقبول کمیسیون قرار گرفته واز آنجائیکه وقت‌کافی برای‌مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست کمیسیون مخصوص نفت ازمجلس شورایملی تقاضای دو ماه تمدید مینماید •

مجلس شورایملی درجلسه۲۴ اسفند ملی‌ماده‌واحده‌زیرنسبت پیشنهاد کمیسیون نفط رای قانونی خود را اعلام کرده است •

ماده واحده: مجلس شورایملی‌تصمیم مورخ۱۷-۱۲-۱۳۲۹ کمیسیون‌مخصوص نفط را تأیید و با تمدید مدت موافقت مینماید (قنات‌آبادی- مقدمه اش را هم بخوانید) (کاشانی-پیشنهادی بود که در کمیسیون تصویب شد بنام سعادت ملت ایران•) پیشنهادی که دادند بنام سعادت ملت ایران در مجلس تصویب نشد• اگرتصویب میشد میآمد درمجلس ، خوب بودآقای‌کاشانی بصورت‌جلسات کمیسیون رجوع میکردند ببینند چه تصویب شده اگرقرار بود عین آن تصویب شده باشد (قنات‌آبادی- فرمول هریمن چه میشود ؟ معنی بفرمائیدصنعت‌نفط چیست؟)جنابعالی که وقتی اینجا تشریف میآورید انتظار ندارید که کسی‌حرف شمارا قطع کندپس اجازه بدهید متهم حرفم را تزنم‌روزآخر که میخواستند رای بگیرند • اگر اتفاق آراء بود که تصویب میشد (کاشانی و قنات‌آبادی- روی‌آن دولت رای اعتماد گرفت •) بنده نمیخواهم وقت‌آقایان را تلف کنم وعبارتی که بود حالا قرائت میکنم‌آقای‌دکترمصدق که‌رئیس کمیسیون بودند اظهارمیکنند که پیشنهاد ما مقدم است رای‌بگیرید ، یکی‌ازآقایان که گویا تشریف داشت باشند حالا ، میگویند من میترسم که این پیشنهاد رد شود ما باید سعی کنیم که توافق‌نظرواتفاق آراءباشد بالاخره جناب آقای جمال امامی پیشنهاد میکند و تصویب میشود بالاخره این عبارتی که‌آقایان چندین سال‌فرمودند ونوشتند این بود •(درخشش - انگلیسها قبول کردند شما چرا قبول نمیکنید •) (قنات‌آبادی-پس ملی‌شدن صنعت نفط یعنی چه ؟ صنعت نفط را معین کنید) اینست آن‌قانونی که‌آقایان‌بآن‌اشاره‌میکنند که بموجب آن مجلس شورایملی فقط نظر کمیسیون را دائربه ملی‌شدن صنعت نفط درسراسر کشوراعلام کرده است بدون اینکه موضوع‌اکتشاف واستخراج‌وتصفیه را درآن گنجانیده باشد. (قنات آبادی - صنعت نفط یعنی چه؟)

برای اجرای قانون مورخ۲۴و۲۹ اسفند کمیسیون خاص نفت بعد از مدتی مطالعه طرحی‌تهیه کرده وبرای تصویب به مجلس شورای‌ملی تقدیم نموده است که همان طرح معروف نه ماده ای است که طرز اجرای ملی‌شدن صنعت نفط رامعین کرده است .

قانون نه ماده‌ای مزبوردر ماده اول تشکیل هیئت مختلط مجلسین را پیش‌بینی میکند ودرماده دوم خلع ید فوری‌وتأمین غرامت شرکت سابق را دستور میدهد و درماده سوم بدعاوی متقابل دولت ایران اشاره مینماید ودرماده‌چهارم‌طرزرسیدگی بحساب شرکت و بهره بر داری از نفت را بوسیله هیئت‌عامله روشن میکند و در ماده پنجم تنظیم اساسنامه شرکت ملی نفط ایران را پیش بینی مینماید ودرماده ششم ازجانشین کردن‌کار شناسان ایرانی درمحل‌کارشناسان‌خارجی بتدریج که‌آماده میشوند صحبت میکند ودرماده‌هفتم امتیاز حق خرید را بخریداران سابق نفت میدهد (میر اشرافی - امتیاز نمیدهد حق تقدم میدهد اسم امتیازرویش‌نگذارید .) ودرماده هشتم معین میکند که کلیه‌پیشنهاد های‌هیئت مختلط بایدقبل‌بتصویب کمیسیون نفت برسد و در ماده نهم ضرب الاجل عملیات هیئت مختلط را برای مدت سه ماه معین میکند• (قنات‌آبادی- شماکه وزیر دارائی‌هستید معنای صنعت نفط را چه میدانید؟) از متخصص خودتان بپرسید . چنانکه‌ملاحظه‌میشوددرتمام‌این‌موادنه‌گانه‌و درقانون ملی شدن صنعت نفط ابداً اسمی ازاستخراج وتصفیه وفروش نفت وانحصار آن دردست‌دولت نیست وتمام این حرفها مطلوق تبلیغات خارج ازمتن قانون است که‌بوسیله آقایان‌ازمدتهاپیش‌بعمل آمده‌است.

اساسامعلوم نیست که‌اینگونه‌تبلیغات را چه کسانی وبرای چه منظوری‌ازمدتها پیش‌آغاز کرده اند (میراشرافی-آنها که وزیر دربار بودندوشاه مملکت‌رامیخواستند خارج کنند . اخوی گرامتان) غالباً کسانی که تحت تأثیراین تبلیغات قرارگرفته اند وقتی به متن قانون مراجعه میکنند متحیر میمانند که چطورچیزی که درقانون وجود ندارد اینطور در ذهن مردم جاداده‌اند .

درهرصورت‌آقایان محترم مطمئن باشند آنچه عمل کرده ایم مطابق قانون ملی شدن صنعت نفت ودرچهاردیوارآن بوده است وبرای اینکه خیال‌آقایان‌آسوده تر باشد توجه‌آقایان‌را بقانون اساسنامه‌شرکت ملی‌نفت ایران جلب میکنم که‌در ماده هفتم‌آن بشرکت ملی نفت اجازه داده استکه‌قراردادهااستخدامی یا مقاطعه‌کاری با اشخاص‌ومؤسسات‌داخلی‌یاخارجی بمنظور تجهیزمتخصصین‌برای‌اکتشاف وجستجوی منابع‌نفتی‌منعقد کندواین‌همان‌کاری‌است که بموجب‌قراردادفروش‌شرکت‌عامل اکتشاف واستخراج‌به‌آن‌عمل‌میکند همچنین درماده نهم‌اساسنامه‌بشرکت‌ملی‌نفت‌اجازه داده‌شده است که با شرکت های خارجی نفت همکاری‌داشته باشد.

پس‌آنچه ماکرده ایم منطبق‌باقانون ملی‌شدن وطرز اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت بوده است که خارج ازآن و اگرهم درقانون مزبورمطالبی بود که کار تجارت نفت‌ایرانرا فلج میکرد منطق حکم میکرد که‌آن موانع قانونی بوسیله مجلس برداشته شود درصورتی که فعلا چنین موانعی‌هم وجود ندارد.

آقای شمس قنات آبادی در خاتمه بیاناتشان بیست صفحه مدادی تسلیم‌مجلس کردند(درخشش-اورافتان‌رابخوانید.)بله‌چشم مثل‌همه‌وگفتند که‌دیگران‌نوشته‌اند ای‌کاش خودشان‌آن نوشته دیگرانرامیخواندند • زیرامطمئن‌هستم‌اگریکبارقبلاآنراخوانده بودند تقدیم مجلس نمیکردند .کسانیکه آن بیست صفحه را نوشته‌اند فرق‌میان «امتیاز » و «عاملیت» رانمیدانسته‌اند. درحقوق مدنی واداری معانی این کلمات نوشته شده است . ((امتیاز)) حق استفاده انحصاری نوأم با حقوق مالکیتی است که بموجب‌آن امتیاز دارنده تمام حقوقی را که دولت دارد دارا میشود و اعمال حق مالکیت میکند. حق‌تملیك دارد وتاخاتمه امتیازاین حقوق باقی‌میماند . در صورتی که‌درقرار داد جدید شرکتهای تصفیه و استخراج عامل ومباشر شرکت ملی نفت ایران هستند • حق تملیك ابداً ندارند هرچه میکنند بنمایندگی‌ازطرف شرکت ملی نفت است(جمعی‌ازنمایندگان- صحیح است)(کاشانی- صحیح‌نیست) (نراقی - پنجاه نفر گفتند صحیح است) (کاشانی- صد نفرهم رای میدهند) ،

شرکت‌سابق بموجب امتیاز نمیتوانست خرید وفروش املاك و اراضی نقاط مورد امتیاز خود را داشت واسناد مالکیت بنام شرکت بود در قرار داد فروش چون شرکتهای عامل نماینده شرکت ملی نفت هستند چنین‌حقی‌ندارند وشرکت ملی‌نفت بخرید و فروش اراضی وتملیك آن اقدام میکند واسناد بنام شرکت ملی‌نفت‌است. عملیات شرکتهای عامل با نظارت کامل شرکت ملی‌نفت انجام میشود . شرکتهای عامل رأساً فاقد هرگونه هویتی هستند و هویت‌آنها فقط بوسیله شرکت ملی نفت احرازمیشودوعنوان‌کارآنهانمایندگی‌است وبس •

حالا اگر آقایان نمیخواهند میان ((امتیاز))و ((عاملیت)) فرقی بگذارند یعنی برما وارد نیست‌فقط اطلاعات‌حقوقی لازم دارد یعنی‌تشخیص این مسائل جنبه فنی‌قضائی‌دارد وتاکسی اطلاعات قضائی نداشته باشد متوجه معانی این کلمات از نظرنتایج آن‌نمیشود.

برای اظهارنظردراین مسائل‌آقایان بایدباکارشناسان‌حقوقی‌مشورت کنند و از آنها بپرسند اگر مورد تصدیق حقوق دانان واقع نشدآنوقت اعتراض کنند •

نظریه‌کارشناسان حقوقی بزرك خارجی را من دراختیاردارم ازجمله‌آقای کارابیر وداون پرت است که عنوان عاملیت شرکتهای عاملرا توجیه کرده‌و کیفیت فروش وعاملیت این قرار داد را تصریح نموده است .

آقای کاشانی درضمن‌فرمایشاتشان‌فرمودند که یکی ازخبطهای هیأت نمایندگی‌ایران این بود که چرا از آمریکا وفرانسه‌کار- شناس آوردند ، بنده عرض میکنم کار شناس‌متخصص‌درفن است‌ومثل‌ایشان‌نیست که بهیچوجه من‌الوجوه واردنیستند اینهم یکی از ایرادهای غیروارد است(کاشانی ، باکشوری که میخواهید قرار داد ببندید چرا کارشناس‌ازآنجا میآورید از کشور دیگری بیاورید)اگر ما از یك‌کشوری میآوردیم که‌بهیچوجه‌من‌الوجوه‌اطلاعاتی از امر نفت ندارند به چه‌درد ما میخورد؟ مشاور حقوقی که میخواستیم‌بیاوریم‌رفتیم از فرانسه‌آوردیم‌وبعد گفتیم اگراختلاف فنی‌باشد بآنجا مراجعه شود واگراختلاف درحساب باشد بآن دستگاهی که هست بهرحال بنده میخواستم دریك موضوع‌از جنابعالی گله کنم و خواهش کنم که جبران‌بفرمائیدو آن‌جمله‌ای‌بود که راجع‌به کارشناسان ایرانی‌بیان فرمودید ، بنده سئوال‌میکنم‌جنابعالی که‌مدعی‌هستیدآبادان ومناطق‌نفت خیز بدست ایران و ایرانی اداره شوداین متخصصینیکه درظرف سه سال‌آبادان‌وتصفیه‌خانه رانگهداری کردند نفت مصرف داخلی شمارا تأمین کردند بحدی که خارجی ها وکار شناسان‌خارجی از زحمات آنها تقدیر کردند• آنوقت

جناب‌عالی بفت این تریبون میفرمائید که یکی از خیمه‌های ما و نفس بعضی از مواد این قرارداد بدست‌ما بوده‌است

(قنات آبادی - صحیح است)

(میدالساحب مقالی - دکتر فلاح یکی از مناظر ایران است) آقای کاشانی بنده میخواهم که از آقاتقاضا کنم که اگر علاقه مندید که غرور ملی‌ماراتحریک کنید باید در نظر داشته باشید که اینها بزرگترین خدمت‌را بملکت کرده اند و بنده‌افتخار میکنم که قسمت عمده‌این‌قرارداد و این مواد مرهون زحمات شبانه روزی آنهائی است که‌شما از زحمات آن ما اینجور تقدیرمیکنید ، بجائی که شما از اینها تقدیر کنید. این‌ماورد فحش و تهمت قرارمیدهید (قنات آبادی - آقای بیات هم بود) آقای بیات هم در این‌کارخیلی زحمت کشیدند‌باتمام کسانیکه داشتندصبح تاشب بودند وبا تمام محظورات اخلاقیکه این پیر مرد داشت حاضر شد و چون این قراردادرا بنفع‌مملکت تشخیص میکرد امضاء کرد (صحیح است) (میراشرافی- آقای بیات تبریز راهم دادهدست‌پیشه‌وری وباطیاره‌فرارکرد)(نورالدین‌امامی-بیات مرد شریفی است) (مرآت اسفندیاری- آقای‌بیات مرد شریفی‌است توهین‌نکنید) آقایان میدانید که اختلاف این عناوین بیشتر از نظر نتایج حقوقی مترتب بر آن است و من در صدد آن‌نیستم که‌باقرائت متن‌نظریه کارشناسان مزبورموجب تصدیع بشوم.

اگراختیاراتی که بشرکتهای عامل برای اجرای عملیات در قرار داد فروش داده شده است موجب نگرانی بعضی از آقایانست، آقایان‌باید بدانند که در امور خصوصی‌هم هرمالکی بمباشر یعنی‌نماینده خودش دراداره امور زراعتی اختیاراتی میدهد وهرقدر میدان عمل وسیع ترباشد این اختیاراتدرازدادباشددلیل آن‌نیست که‌مباشرعنوان مالکیت پیدا کند بلکه همیشه مباشر و نماینده مالک خواهد بود و آقایان‌تصدیق میکنند که درامرمهمی مانند نفت اگر ما بمباشروعامل خودمان اختیار کافی برای عملیات ندهیم موجب رکودکارها و عدم اطمینان‌وتزلزل‌معامله‌خواهدشدواین‌اختیارات که ازطرف شرکتهای عامل بنمایندگی ازطرف‌شرکت‌ملی‌نفت اعمال میشودبرای حسن جریان امورنفت نهایت‌لزوم را دارد ضمناً دراین کمیسیون خاص نفت که بیش از ۱۰روزطول کشید بنده خوشوقتم که آقای‌قنات آبادی‌درتمام این جلسات‌شرکت داشته وحاضربودند وهمچنین آقای کاشانی درغالب جلسات حاضر میشدند و مسلماً کنه بخاطرداشتن یاد داشت یا توجه شیلی دقیق وفنی این عنایت را فرمودند که آنچه عرض کردم توجه کامل بآن بفرمایند شاید هم حرایض من قاصر بود ولی حس کردم آنقسمتهائی که عرض میکردم ابداً مورد توجه قرار نگرفت و رفتند روی توضیحات کلی . . .

درمورد تسعیر لیره‌های مورد احتیاج کنسرسیوم وشرکتهای عامل برای‌مخارج تولید به ریال اشکالی‌در نظر آقایان پیدا شده است

همانطور که در کمیسیون خاص نفت توضیحات کافی‌داده شد لازم استمختصری توضیح بدهم تا رفع اشکال‌بشود.

آقایان میدانندبانک‌ملی ایران‌دونرخ برای ارزهای خارجی دارد . یکی ارز صادراتی‌ویکی ارزغیرصادراتی. ارزحاصل ازفروش صادرات مملکت را بانک ملی از تاجربقیمت بالاتری خریداری میکند و ارزهائی که سفارت خانه‌ها واتباع‌خارجی در ایران میفروشند بقیمت نازل تری میخرد.

نرخ ارزهاهم قابل تغییراست‌چنانکه نرخ ارزصادراتی(دلار) یکوقت ۴۰۰ریال بود وبعد۹۶ ریال شد وحالا ۸۴ریال‌است بازرگانانی که جنس ازایران صادرمیکنند درمقابل هردلارحاصل از فروش اجناس خود۸۴ریال ازبانک ملی ایران دریافت میکنند .

کنسرسیوم وشرکتهای عامل لیره‌ای که درایران تسعیرمیکنند حاصل‌ازفروش نفت ایران است یعنی ارز صادراتی است که باید به قیمت روز خریداری شود. کنسرسیوم انتظار ندارد میان اووسایر بازرگانان صادر کننده از لحاظ نرخ ریالی ارز تبعیض قائل بشویم. تغییر نرخ ارز نیز در دست خود ما است و آنها نمیگویند که نرخ را تنزل‌ندهیم بلکه‌فقط اصرار آنها دراینست که مورد تبعیض‌نباشند.

اینکه بعضی از آقایان تصور کرده اند که لیره‌های شرکت سابق عنوان ارز غیرصادراتی داشته اشتباه میکنند . بنده این‌جا خواستم بیك قسمتی ازبیانات آقای دکتر متین‌دفتری درجلسه سنا استناد کنم موقعی که قانون ۹ ماده ای مطرح بود البته استناد بنده به بیان ایشان از نظر سمتی بوده است که ایشان آنموقع داشته‌اند .

برای روشن‌شدن ذهن آقایان‌قسمتی ازبیان ایشان را در جلسه روزدوشنبه نهم اردیبهشت ۱۳۳۰ نقل میکنم : درکابینه بنده نرخ لیره‌از ۹۰ ریال به ۶۸ ریال بموجب‌این تصویب نامه تقلیل دادمشد و کسانی ازجنس‌فروش لیره برای تهیه‌ریال موردلحتاج‌خوددرایران‌ازحساب‌اتادووزیر دارائی حاضر شده‌بودیم‌ازآقایان تقاضا کنم که‌باین امرتوجه کنید که در یك قرارداد تجارتی کبری ازقاچاق برای سیاحان ومسافرین خارجی در بانك مقروشده‌بود ازکسانی بخرد (میراشرافی- کی‌وزیردارائی بوده؟) نبدانم قطعاً بنده‌نبودم(میراشرافی - شاید آقای‌مشرف‌الدوله بودماند خوب بگوئید کی بوده؟) شاه از این مذاکرات سخت خشمگین‌وودوبنده رئیس کمیانی راخواستم و باوگفتم وزیردارائی اشتباه کرده و لیره‌های کمیانی ارزصادراتی است‌وبیش‌از ۶۸ریال‌حساب‌نخواهدشد

منتهی درمورد لیره‌های شرکت‌سابق باوجود ارز صادراتی بودن عمل استثنائی میشدکه چون نحوهٔ معامله کنسرسیوم بانحوهٔ عمل شرکت سابق فرق داردوبا درآمدومخارج باکنسرسیوم شریك‌هستیم کنسرسیوم‌میخواهد که لیره ها یادلارهای حاصل‌از فروش نفت ایران راکه درداخل ایران برای مخارج تولیدی‌بکار میبرد به قیمت‌ارزصادراتی‌تسعیر کند .

قیمت ارز صادراتی‌هم در دست خود ما است وهروقت مصلحت‌اقتصادی مملکت اقتضا کردمیتوانیم آنراتغییردهیم.

بنده این‌جا یك توضیح اضافی هم برای روشن شدن ذهن آقای خلعتبری ویکعده از آقایانیکه نسبت باینموضوع اعتراض داشتند عرض کنم‌همانطوری که‌عرض کردم مقررات ارزی مملکت‌حالادونوع‌ارزداریم (خرازی- قیمت ارزطبق قانون معین است اضافه آن‌نرخ گواهینامه است) ملاحظه میفرمائید

بنده نمیخواهم‌حالا وارد این‌جریان بشوم که‌عمل باشرکت سابق اساساً منطقی ومعقول بود یانه ، برای اینکه یك بام ودوهوا که‌نمیشود برای اینکه ممکن‌است برای جلب ارز در مملکت بسیاحان و سفارتخانه‌ها آنطورکه در جاهای دیگر کردند عمل کرد یك موقعی هم در زمان مرحوم رضاشاه کردندمعذلك‌شرکت سابق را استثناء کردند چون ارز را بنرخ رسمی نمیفروشند و در بازارآزاد میبردند ومیفروختند گفتیم که نرخ ارزرا بالا میبریم‌وبآنها گواهی نامه بدهیم‌جناب آقای خرازی هم وارد هستند که بآنهاهم گواهی‌نامه میدادیم خوب شرکت نفت‌هم بلافاصله استفاده میکرد ، آمدند یك مادهای گذراندندباستثنای شرکت نفت همیشه شرکت نفت اعتراض میکرد و اعتراضش هم صحیح‌بودامایك نکته‌هم‌بود که چون ما ازشرکت سابق تنی۴ شلینك تن شمار میگرفتیم وصدی بیست هم روی منافع کلی شریك بودیم که حسابش‌معلوم بودبجیزآن‌اینکه تنی ۴ شلینك ما کافی‌بود و آنها استفاده‌سرشار میبردند این‌درواقع یك تحمیلی‌بودبآنها برای جبران آن‌ضرر که آنهاهم اعتراض میکردند ولی‌ضمن اعتراض حرفی‌هم نداشتند اما امروزوضع کنسرسیوم‌جوردیگری است‌مابا آنهاسهیم و شریکیم درصدی پنجاه درآمد خالص و بنده میخواهم‌ازآقایان تقاضا کنم که‌باین امرتوجه کنید که در یك قرارداد تجارتی آن اصول کلی رابایدمحترم شمرد واگر ما میتوانستیم بیش از ۵۰ درصد باشد میکردیم که ۶۰درصدباشدپس‌بنابراین‌اصل ۵۰ در ۵۰ را رعایت کنیم (میراشرافی- اگر امرتجارتی است پس‌چراصورت‌ماده واحده درآورده اید؟) درضمن قرار داد توضیحی درکمیسیون عرض کردم که ما درمخارج‌شریك‌هستیم یعنی‌مخارج‌برآورد میشودواز درآمد کسر میشود پنجاه در صد مال‌ما وپنجاه‌درصد مال‌آنها میشود و بعلاوه‌این‌لیره‌حاصل از ارزصادرات است بنده‌از جناب آقای‌خرازی خواهش‌میکنم توجه فرمایندبه چه عنوانی میشود گفت که آقا ارز صادراتی شماباید یك‌وضع خاصی داشته‌باشدبخصوص که‌درماده‌مربوط‌بقرارداد ذکری نشده که نرخ ارز چه‌باشد نرخ ارز باختیار دولت است وقتی ما مصلحت اقتصادی خودمان‌را تشخیص دادیم وذخیره ارزی وریالی را حساب کردیم و دیدیم که برای‌مصرف میکند که ارز باشد ۵۰ریال و ۳۰ ریال فرق‌نمیکند آنها که‌حقی‌ندارند وضعیت خاصی داشته‌باشند یکچیز اضافی برای اینکه اینجاهست گفتیم مطابق نرخ ارزکالای درجه یك ، الان آقایان مسبوق هستند که‌آنچه‌بانك ملی میخرد ومیفروشد ارز صادراتی کالای درجه یك است والا ارز کالای درجه ۲ در بازار آزاد معامله میشود و حالا در بازار آزاد ۹۰ریال‌است آنهااین‌را ازمامیخواهند آن‌ارزی که‌بانك‌میخردمیفروشدبا نرخی که بانك تعیین میکند .

بنده مجبورم خدمتتان عرض بکنم با این رویه اقتصادی که‌مادارایم و این‌نرخ های‌مختلفه ازبرای ماسم مهلك‌است بنا براین یك عملی که‌خود ما از آن راضی نیستیم وصحیح نیست این عمل رامی‌شود بدیگران تحمیل کرد؟ الان‌ملاحظه‌بفرمائید نرخ دلار چند جور است‌سی ودو وچهل وپنجاه و۸۴ ریال‌و بهیچوجه من الوجوه نه مردم ،نه صادرکننده ، نه وارد کننده نه محصلین نه‌مرضی‌هیچکدام‌راضی نیستند (مهندس اردبیلی - چرا نورچشمی ها راضی هستند)بنابراین بنده خدمت‌آقایان عرض میکنم که ما تعهدی نکرده‌ایم‌نسبت بنرخ ارز کملزم‌باشیم آن تعهد راانجام بدهیم ، تعهد ما اینست که تبعیض نکنیم‌و در سابق نسبت بشرکت‌سابق اگرتبعیض میشد دلیل اخلاقی این تبعیض براین‌بود که‌باندازه کافی ازدرآمد نفت استفاده‌نمی کردیم‌پس بنابراین اگریك طرفی ازشما میخواهد که‌نسبت بمن تبعیض نکنیداینکه خیلی زورنیست آقای خرازی ممکن است اینکار در زمان وزارت بنده نباشد وامید وارم که‌بدست‌بنده‌نباشد آقای‌میراشرافی(میر اشرافی-بدست‌مشرف‌الدوله‌باشد) هر کس که وارد تر است و فاضلتراست ،نرخ ارز را باید تثبیت کند ونرخ وقیمت واقعی‌ریال

بایستی متناسب بالوز باشد حالا نمیدانم قیمت‌چه‌باشدولی قدر مسلم اینست که ما تقاضا کردمایم ازصندوق بانك بین‌المللی پول که خودمان هم عضو آن هستیم از متخصصین خودمان کماین مطلب رامطالعه کنند وحساب کنند و قیمت واقعی ریال معین باشد (صفائی- ویك‌نرخ‌تعیین‌شود) ویك نرخ ثابتی تعیین‌شود دلیلش واضح است‌درسایر کشورهاتنزل‌پول‌درنتیجه عوامل مختلف اقتصادی که پیش آمده یك اثر حتمی است واشکالی هم ندارد یك وقتی فرانك فرانسه‌موقعی که‌خودم‌محصل‌بودم‌صد فرانك فرانسه معادل یك لیره بود حالا هر هزار فرانك یك لیره است میآیند تثبیت میکنندذریك نرخ‌میگویند قیمت فرانك فرانسه‌اینست‌والاقیمت‌فرانك فرانسه از زمان ناپلئون اگر بخواهید بسنجید تاالان‌خیلی فرق کرده است‌بنا براین ۳۲ریالیکه میفرمائید درفرانون‌هست و بنده هم موافقم که این‌نرخ‌نرخ‌واقعی نیست (صحیح است)وبنا این اگر آقایان قبول‌دارند که‌نرخ‌ارزصادراتی کنسرسیوم بایستی مطابق ارز صادراتی باشدجز این چاره ای نیست و میگوید تعهدی نداریم و من صریحاً خدمت آقایان عرض میکنم که پس از تصویب این قرار داد دولت‌ناگزیرازتثبیت‌نرخ‌ارز ومتحدالشکل کردنش‌است(صحیح‌است) بنابراین‌با این توضیح شما هر نرخی را که تعیین کنید کنسرسیوم مجبور است قبول کند(میر اشرافی - مشرف‌الدوله باز میشود وزیر دارائی که ببرد تاچهل تومان) موضوع دیگری که‌موجب‌نگرانی‌بعضی از آقایان بوده است موضوع مدت قرارداد است که میترسند مبادا درطول مدت منافع‌مایایمال شود .

البته من از جنبه احساساتی قضیه‌می گذرم زیراکارها مواجهه ، احقایق‌منطقی است نه احساسات‌ازنظرمنطق یك‌نگرانی ممکن است برای‌طول مدت درمیان باشد وآن اینست در طول مدت بر اثرافزایش قیمت‌کنسرسیوم‌برمنافع‌ما بیفزاید وماازافزایش‌احتمالی قیمت‌نفت نتوانیم استفاده کنیم

ما برای نفت قیمت ثابتی رادرنظر نگرفته ایم که یك چنین پیش آمدی بضررماتمام شودقیمتی که برای نفت‌معین کرده ایم قیمت خلیج فارس است که نتایج‌تنزل‌وترقی آن‌مستقیماً عایدماخواهدشد واز این لحاظ جای هیچگونه نگرانی نیست امافلسفه‌اینکه‌چرامدت‌رازیاد گذاشته ایم اینستکه کنسرسیوم درسال اول‌یکصد میلیون دلاردودر سال‌های‌بعد مبالغ‌هنگفت دیگری صرف‌امر تولیدوتصفیه نفت‌میکند که‌باید مستهلك شود . اگر استهلاك مبالغ مزبور درمدت کوتاهی بشودقیمت تولید نفت گران میشود وصرف نمیکند وناچاردستگاه آبادان میخواهد درصورتی که وقتی مدت زیادتر باشد استهلاك به تناسب سالهای طویل‌تر بمیزان کمتری حساب میشود و بار سنگینی روی قیمت تمام شده نفت نمیگذارد.درمورد مدت

نگرانی‌دیگر که ممکنست پیش بیاید اینستکه کنسرسیوم‌بعد ازبیست وپنج سال اول در صدد عملیات اکتشاف برنیاید و چاههای موجود راخشك کندومنابع‌تازه‌ای راکشف ننماید . برای جلو گیری از این نگرانی علاوه براینکه دربند۲ماده۴ قرارداد پیش بینی‌لازم شده در ماده ۴۹ نیز تصریح گردیده که‌شرکت اکتشاف‌باید مبلغی که دربنج سال اول ودوم وسوم بعد ازبیست و پنجسال حد اقل معادل شصت میلیون لیره میشود خرج اکتشاف منابع تازه بکند وباین‌ترتیب ازهرنوع نگرانی دراین مورد جلوگیری‌میشود.

گذشته ازاینها چه امروزچه‌چندسال دیگرتا وقتی که کارتل های نفتی وجود دارند وباید دنیا روی این‌اساس‌استواراست ما برای فروش نفت خود ناچاربه سازش باکارتل‌ها هستیم وازین لحاظ کم یازیاد بودن‌مدت تغییری دراین اصل نمیدهدمگر آنکه‌ترتیبی‌پیش‌آید که‌کارتل‌هامنحل‌شوند ودرآنصورت خود بخود قرار داد فروش لغو میشود وما خودمان قادر خواهیم بود بهرترتیب صلاح میدانیم نفت خودمان را معامله کنیم .

یك نکته ای راکه خارج ازموضوع میخواهم عرض کنم اینستکه‌از نظرممالك تولید کننده‌نفت وجودکارتل‌ها مضرنیست. زیرا تا وقتی که انحصارفروش وتوزیع در دست آنهاست قیمت نفط بنفع فروشندگان ثابت است ورقابتی‌درکارنیست ولی اگر کارتل ها منحل‌شوندوبازارزرقابت‌پیش‌بیاید ماگرفتارمشکلات فوق العاده‌ای در امر قیمت خواهیم شد وهمین کشورهای نفت خیز همجوارباسباب زحمت ما خواهندبود وجودکارتل‌هامسلماً‌برای مصرف کنندگان نفت مضر است ولی برای تولید کنندگان ازنظرتثبیت قیمت چندان مضرنیست واگر روزی‌کارتل‌های جهانی منحل‌شدند مابايد بضررماتمام شودقیمتی که برای نفت‌معین کرده ایم قیمت خلیج فارس است که نتایج‌تنزل‌وترقی آن‌مستقیماً عایدماخواهدشد واز این لحاظ جای هیچگونه نگرانی نیست امافلسفه‌اینکه‌چرامدت‌رازیاد گذاشته ایم اینستکه کنسرسیوم درسال اول‌یکصد میلیون دلاردودر سال‌های‌بعد مبالغ‌هنگفت دیگری صرف‌امر تولیدوتصفیه نفت‌میکند که‌باید مستهلك شود . اگر استهلاك مبالغ مزبور درمدت کوتاهی بشودقیمت تولید نفت گران میشود وصرف نمیکند وناچاردستگاه آبادان میخواهد درصورتی خاورمیانه‌مخارج هنگفتی دارد البته‌تاجری که میخواهد یك سرمایه عظیمی‌رادرنکجا بگذارد و آنگاه بکند این باید حساب بکند که دوطرف چه مدت این سرمایه‌را میتواند مستهلك کند اگربنا شود که مدت کوتاه باشد همانطور که عرض کردم هم‌از نظراستهلاك باری خواهد شد برقیمت که قیمت زیاد میشود. و دیگر قابل رقابت نخواهد بود باکشورهای خاور میانه‌ویکی دیگرهم اینستکه اگر تاجری بتواند در عراق‌وکویت‌وعربستان سعودی که‌امتیازش تا۹۰سال است آنجا سرمایه بگذارد و برای‌مدت‌طولانی‌مستهلك کندایران‌برای مدت ۲۰ یا ۲۵سال‌درایران‌این‌سرمایه‌رانمیگذارد پس بنا براین از لحاظ صنعتی و تجارتی اگرتوجه فرمایند ملاحظه خواهندفرمود که مدت قرارداد بهیچوجه موجب‌نگرانی نیست .آقایان روزاول اعضای کنسرسیوم چهل‌سال بیشتر مطالبه میکردند ، آقای فرامرزی تشریف ندارند یکی ازآن کار هائیکه کردیم این بود که گفتیم چهل‌سال زندگی‌دارد واین ممکن است در افکار مردم حسن اثرنداشته باشد ازطرف‌دیگر دلایل اقتصادی‌وتجارتی وصنعتی که آنها بنفع خودشان ذکر میکردند قابل توجه بود، ناچار گفتیم که‌آن قرارداد ۲۵ سال باشد منتهی تمدیدش برای۱۵ سال‌دیگر تحت یك شرایطی باشد جنابعالی دقت فرموده اید که دربعضی‌قراردادهامینویسند که تمدیدبا توافق نظرطرفین‌ویامینویسند که اگرشرایطی‌بوجودآمد که‌آن شرایط اتوماتیك خواهد بود این چیز عجیبی نیست کماگذاشته باشیم گفتند چهل سال تمام باشد ماگفتیم اصل قرارداد ۲۵سال است منتهی برای۱۵سال اضافی که۵سال به پنجسال خواهد بود یك شرایطی‌داریم شرط‌اول اینستکه کنسرسیوم‌خطائی نکند یعنی‌همانطور که فرمودید اگر در مدت ۲۵سال ما دیدیم که آنها مردمان خوبی هستند وامید وارم که ثابت بشود وآقای درخشش‌ازنگرانی دربیایندچه‌بهتر که آدم یك مشتری خوبی را از دست ندهد . اغلب تجار سعی میکنند که مشتری ها را بهرقیمتی که هست ولو اینکه‌یك چیزی بهشان بدهندوکمك کنند برای خودشان حفظ کنند خوب‌چه بهتر از اینکه یك مشتری باین خوبی که‌حسابش هم درست است و آمده است و زحماتی‌هم کشیده است او را از دست‌ندهیم‌یك‌شرط دوم اینستکه اینها در سال بیست‌وسوم که میخواهند تقاضای ۵ سال تمدید بکنند بایستی معادل آن حق‌العملی که گرفته‌اند برای اکتشاف نفت آن را بعداز وضع مالیات نفط که برای اکتشاف‌خرج میکنند بدهند چون در دوماده‌قراردادجزءوظائف کنسرسیوم‌شرکتهای عامل ذکر شده که حتماً بایدهم کشاف بشود بترتیبی که‌ازنظر اقتصادی منافع ماتأمین بشودیکی هم‌اینجا تاکیدشده که‌علاوه برآن پول‌این‌مخارج‌را هم کرده باشد و دراین‌مدت های تمدیدی این مبالغ را بدهند بنابراین این مخارج درسه‌قسمت‌بالغ‌بر۶۸ میلیون‌لیره‌میشود بنا براین ۶۸ میلیون لیره‌خرج اکتشاف کردن کم‌پولی نیست‌یك قسمت سوم هم‌اینستکه هرپنج سال پنج سال یکمقدار از این اراضی حوزه عملیات خودشان رابايد پس بدهند اگر تحولاتی پیدا شد و فرمایش آقای خلعتبری راکه‌خیلی باید توجه کرد اگر تحولاتی پیداشد در کشورهای دیگرکه ما از آن‌تحولات‌بهره‌مندنتوانستیم بشویم با این‌قرارداد بدانید که این قرار داد قابل بقا و دوام نیست و تجربه ثابت کرده و مخصوصاً بنده اینجا میخواهم‌یاد آوری کنم بیان یکی ازمشاورین حقوقی خودکنسرسیوم‌راکوقتی بنده می خواستم مطابق یك نامه‌ای شرایطی قائل شوم که اگر بناباشد دریکی‌ازکشورهای‌خاورمیانه تناسب پنجاه پنجاه از بین رفت ما از این تناسب استفاده کنیم از مجموع قرارداد برمیآیدو در آن‌کاغذ هم تصریح‌شده‌است ایشان گفتند که شما از این جهة نگران نباشید برای اینکه تاریخ بسابقات کرده که اگر بنا باشد درکشور هائیکه یك واحد اقتصادی را تشکیل می دهند یا از نظر اقتصادی باهم مشابه هستند ومجاورهستند یك‌عملی در یکی ازاین کشورهاپیش‌بیاید قطعاً در سایر کشور ها هم باید این عمل شودبنده اظهار کردم که تجربیات گذشته متأسفانه برای ما خیلی خوب نبودوتشویق کننده نبود اگر شرکت سابق در آن موقعی که ملت ایران میگفت سهم من‌کافی نیست آمده بود حاضرشده بود مذاکره کرده بود و حق ما را داده بود این‌پیش آمد ها نمیشدحالا می ترسم‌این‌پیش آمد دوباره تجدید شود ایشان گفتند که‌آنوقت شاباکنفرطرف بودیدحالابچندنفرطرف هستید اگر یکنفرنخواهد دیگران‌آن را تشویق خواهند کردمجبورخواهند گردد که وضعش را تغییر بعمل‌بیاینستکه‌بنده‌خواستم به آقای خلعتبری عرض کنم بودن‌چندنفر و اینکه تصمیم یکنفر قاطع‌نباشد مسلماً از لحاظ اقتصادی و سیاسی بصرفه و صلاح ما است بهرحال بنده عرض میکنم که از نظر مدت هم جای نگرانی نیست که هر تحولی که در صنعت نفت بوجود بیاید که احیاناً ما منتظر بشویم چون‌ملعقب هستیم به‌چهل سال از آن بهره‌مند نخواهیم شد این بنظر بنده یك نگرانی بیمورد است (میراشرافی- پس خوب نظرتان را ضمن یك تبصره بقرارداد اضافه کنید)(درخشش- اگرمنفعت داردپس صدسالش کنید) آقای

درخشش آن آمپل تنوز می شود و آمپل تنوز شبه مالکیت است نظر قرارداد های ۹۹ ساله یك نوع آمپل تنوز می شود ممکن است آقای دکتر شاهکار خدمتشان توضیحات بیشتر بدهند(درخشش- خیلی متأسفم)

راجع به قسمت نفط حوزه خلیج فارس بعضی از آقایان اظهار داشتند کمالیت راه اعتبار کنسرسیوم گذاشته ایم در صورتی که باید قسمت نفط در دست خودمان باشد.

آقایان باید بدانند چه در زمان شرکت سابق و چه امروز چه در ایران و ممالك حوزه خلیج فارس و چه هر نقطه دیگر دنیا قیمت نفط روی عرضه و تقاضا در انحصار همین شرکتهائی است که باما معامله میکنند. بازار خرید و فروش هر دو در دست اینهاست و قیمت خلیج فارس و مگر یك هر دو را اینها معین میکنند. قیمت معین شد هم علاوه از موضوع عرضه و تقاضا بستگی با قیمت تجدید دارد در وامریکا و حوزه خلیج مگر یك مؤسسه کار گرده برابر مزد کار گران ممالك حوزه خلیج فارس است مسلماً قیمت تولید زیادتر است و نفط گرانتر تهیه می شود و گرانتر بفروش میرسد. بعلاوه در حوزه عظیم مگر یك نفط بیشتر برای مصرف شود آمریکا تهیه میشود درصورتی که در حوزه خلیج فارس بواسطه ارزان بودن و دستمزد نفط ارزانتر بدست میآید و ما اگر بخواهیم که اساس قیمت نفط خودمان را برپایه خلیج مگر یك بگذاریم خریداران ندو نکرده اند ازما بخرند. از آنطرف شط العرب یعنی در عراق و کویت خواهند خرید یا عربستان سعودی معامله خواهند کرد و بازار و ااز میان خواهد رفت چنانچه از بین رفته بود عرض کنم اینها توضیح کلماتی بود که آقایان فرمودند ولی یك مطالب دیگری هم در ظرف امروز گفته شد که اگر حوصله آقایان سر نرفته باشد و خسته نشده باشند بنده بطور اختصار عرض میکنم(بفرمائید) (اورنك اگر قابل امساك است نفرمائید) آقای کاشانی در ضمن بیانات خیلی مفصلی که فرمودند و از ماده اول قرارداد تا ماده ۵۴ همه را تجزیه و تحلیل کردند چند قسمت برجسته بنظر من رسیده آنقسمت های دیگر را جواب دادم و شاید چند قسمت دیگر هم بود که اشتباه است و انشاءالله در خارج توضیحات لازم بایشان میدهم که آقایان خسته نشوند و چون اطمینان دارم که جنابعالی نظرتان جز خیر مملکت و مردم و روشن شدن مطلب چیزی نیست با کمال تشکر تمام اسناد و مدارك را خدمتتان تقدیم میکنم که مطالعه بفرمائید حالا که این موضوع مخالفت و موافقت تمام شده هیچ مانعی در بین نیست. یك چیزی که خیلی آقای کاشانی در آن پافشاری و اصرار فرمودند و اگر اشتباه نکنم فرمودند ابوالوفا یا ابوالمواد است ماده ۴۸ است که مابین متن فارسی و متن انگلیسی هر دو معتبر است ولی در صورت اختلاف در حقوق و وظایف بین دو متن متن انگلیسی مقدم است جناب آقای کاشانی در توضیح خودشان فرمودند که ما آمدیم آن متنی که ما نمیدانیم که انگلیسی هست گرفته ایم گرچه انگلیسی و فارسی هر دو تقدیم مجلس شده بنده میخواستم که آن عبارت را بخوانم البته بنده به مخالف هیچ ایرادنمیگیرم میتواند هرچه دلش میخواهد بگوید ولی بفرطی که تعریف در بیان و مطلب نشود در حوزه الف ماده ۴۸ میگوید متن فارسی و انگلیسی این قرارداد هر دو معتبر است در صورتیکه اختلافی پیش آید و بداوری ارجاع شود هر دو متن بهیأت داوری یا داور واحد (هر کدام مورد داشته باشد) عرضه خواهد شد که قصد طرفین را از روی هر دو متن تفسیر نمایند. هرگاه بین دو متن مزبور اختلافی در مورد حقوق و وظایف طرفین پیدا شود متن انگلیسی معتبر خواهد بود. اولا در مراجعه بحکم در موقعی که اختلافی پیدا میشود دقتم که بهلوی حکم رفتیم متن فارسی و متن انگلیسی هر دو را میبریم بحکم هم که انشاءالله مترجم فارسی دارد هر دو را میخواند و از مجموع این دو تا استنباط میکند که حق با کیست بنده خیال میکردم برای انتکار جنابعالی تقدیرنامه برای ما صادر کنید چون در قرارداد ۱۹۴۳ متن فارسی را امضاء نکردند فقط متن فرانسه را امضاء کردند وفقط متن فرانسه بود که اعتبار داشت (کاشانی - هیچو چیزی در قرارداد ۱۹۴۳ نداریم بنده تا آخرش نگاه کردم هیچو چیزی نیست) حالا عرض کردم برای اینکه ذهن شما روشن باشد مدارك را ارائه میکنم بنابراین ما کاری که اینجا کردیم و از نقطه نظر پرستیژ ملی خودمان گفتیم که متن فارسی هم باید معتبر باشد و برای متن ترجمه فارسی که بنظر اغلب آقایان تاریك است وبنده هم موافق هستم ولی برای اینکه متن فارسی معتبر باشد زحمات خیلی زیاد کشیده شد آنها هم مترجمینی آوردند گنترل کردند وبعضی از کلماتی را که ممکن بود معانی مختلف داشته باشد از گذاشتن اجتناب کردیم بنابراین تمام این زحمات کشیده شد. فقط در قسمت حقوق و وظائف آنها اظهار کردند و گفتند که آقا ما انگلیسی دان هستیم وظیفه یك کسی را اگر کسی بخواهد خوب عمل بکند باید مطلب را خوب بفهمد تا این وظایفی که در این قرارداد که زبان مادری خودمانست انجام بدهیم ولی اگر بنا شد که اختلافی پیش آمد آنچه ما فهمیدیم وبنده بجنابعالی اطمینان میدهم با دقت و مطالعه ای که در متن فارسی شده اختلافی پیش نخواهد آمد و اگر هم اختلاف در این دو تکست Texte پیدا بشود بداوری مراجعه میکنیم (کاشانی- این اختلاف را بهمان داور یلی تکنیك زوریخ مراجعه میکنند آنها هم آلمانی هستند) عرض کنم حضرت آقای کاشانی بنده نمیخواهم تطویل کلام بکنم ولی برای اینکه مورد تاریکی در ذهن آقا نماند عرض می کنم بنده خیال میکنم در فصل داوری زحمات فوق العاده زیاد کشیده شده و ما تمام نکات تاریکی را که سابق بوده آنها را از بین بردیم آمدیم سه دسته تقسیم کردیم یکی اختلاف فنی یکی اختلاف حساب یکی اختلاف حقوقی اختلاف فنی را اگر فرض بفرمائید بنده مراجعه کنند که فنی نیستم و حقوق دان هستم جز اتلاف وقت چیز دیگری نیست گفتم اختلاف فنی را ببریم بدستگاه فنی مراجعه بکنیم حالا اختلاف بنده وجنابعالی اینستکه آقا تمام خلق خدا را نوکر انگلیس می دانند (کاشانی - هیچو چیزی نیست آقا) حتی یلی تکنیك زوریخ را (کاشانی - بنده هیچو عقیده ای ندارم) گفتیم برای تعیین داور در این اختلاف فنی مراجعه بکنیم به یلی- تکنیك زوریخ و آن یکنفر را تعیین میکند وامیدواریم که در دنیا یکدستگاهی باشد که بیطرف باشد در قسمت حسابداری مراجعه میکنیم بهمان دستگاه حسابداری که فرمود بدازاو یکنفر حکم میخواهیم برای رسیدگی بحساب ، بنده فکر نمیکنم که این ضرری دارد و آنچه که مربوط بمسائل حقوقی است البته از خصائص محاکم است برای حکمیت که یکنفر حکم ما معین می کنیم یك حکم هم آنها معین میکنند و یك سر حکم بتراضی طرفین معلوم خواهد شد بنابراین بمراجع مختلف که بنده نمی خواهم توضیح بیشتری بدهم مراجعه می شود وراجع بحکمیت بنده خیال می کنم که روشن ترین فصولش است ودراینمورد هم اینکه فرمودند که فلان حکم فرانسوی جانبداری از آمریکا یا انگلستان کرده چندین روز و شاید چندین هفته با آنها سر و گله زدیم وانواع واقسام مواد مختلف پیشنهاد شده که ما عجالة آن اوراق را حفظ کرده ایم واگر مراجعه بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که چه زحماتی کشیده شده در قسمت دیگر آقای کاشانی راجع به این شرکت های عامل فرمودند که شرکت نامه را بنده خدمتتان نفرستادم اساسنامه را خدمت آقا فرستادم شرکت نامه چیزی نیست که بنظر آقا عجیب آمده دو نفر می نشینند و یك کاغذی می نویسند که ما قصد کردیم شرکتی تشکیل بدهیم برای یك امری ، آنچه مهم است در شرکت موضوع اساسنامه شرکت است (صحیح است) که بنده این را میدهم خدمتتان بفرمائید از انگلیسی برایتان ترجمه بکنند (دکتر بینا - بلدند آقا) (کاشانی - نه آنقدر که شما میدانید) این شرکت های عامل همان اعضای کنسرسیوم هستند و اعضای کنسرسیوم هستند که این شرکت های عامل را بوجود آورده اند وتناسب سهامشان را می خوانم گلف بیلد نیك ۸ در صد سوکونی واکیوئوم اویل کمپانی ۸ درصد ، استاندارد اویل کمپانی ۸ درصد ، ذی تکساس کمپانی ۸ درصد ، استاندارد اویل کمپانی کالیفرنیا ۸ درصد ، انگلو ایرانین اویل کمپانی چهل درصد رویال دوچ شل ۱۴ درصد کمپانی فرانسز دو پترول ۶ در صد

ضمناً برای اینکه از موقع استفاده کنم عرض میکنم این آقای دکتر افشار فرمودند که ما اقدام بکنیم که اسم شرکت سابق عوض بشود بشرکت جدید این را عرض میکنم که خودشان این اقدام را دارند میکنند ومشغول هستند بنابراین خواستم عرض کنم قبل از اینکه ما اقدامی بکنیم خود آنها دارند اقدام میکنند و نظر آقایان تأمین است یك بیانی هم فرمودند هم آقای درخشش و هم آقای قنات آبادی شرکت سابق لاحق شد شرکت مرده زنده شد و بهترین دلیل و اقوی دلیل این است که اسمش ماند شرکت تجارتی اسمی دارد شرکت تجارتی اسمش نمی میرد مگر اینکه مجمع عمومی صاحبان سهام جمع بشوند و تصمیم بانحلال آن بگیرند وانحلالش را اعلام کنند و تصور میکنم که آقایان مردن شخص حقوقی را بامردن شخص عادی وطبیعی فرق نمیدهند و اشتباه میکنند (قنات آبادی معلوم میشود موقعی که بنده صحبت میکردم شما داشتید چرت میزدید) بنابراین این شرکت در موقعی که آقایان ما داریم صحبت میکنیم و باما قرارداد امضاء کرده یك شرکت تجاری ثبت شده بود ما که روی گذشته بیخود نمیتوانیم یك قلم ۹ بکشیم اما وجود شرکت تجارتی باین اسم اینکه دلیل نمیشود که بگوئید فلان کس گفت مرده واین زنده است بنده عرض کردم به عنوان صاحب امتیاز مرد جناب آقای فرامرزی دیروز فرمایشاتی فرمودند که مقدمه اش این بود که بنده عرض کرده ام این قرارداد قرار داد ایده آل نیست یعنی خراب است بداست البته مثلی فرمودند در مقایسه بین زن و دیپلمات بنده نمیخواهم تکرار بکنم میخواستم خدمتشان عرض کنم که جنابعالی اهل فضل هستید اهل ادب هستید واین توضیحات راجنابعالی قطعاً بهتر از من میتوانید بفرمائید ایده آل را اگر اسمش را کمال مطلوب میگذارید که انشاءالله آقا هم کمال مطلوب زیاد دارید اگر نرسیدید بکمال مطلوب و ببطلوبش رسیدید این را باید گفت که یك چیز مزخرف بیقاعده ای است ؟چون من بکمال مطلوب نرسیدم یا چون دکتر امینی گفت ایده آل نیست یعنی خراب است بنده هیچو عرضی نکردم بنده تفسیر کردم گفتم ایده آل ملت ایران یك موقعی است که خودش بتواند نفت خود را استخراج بکند اکتشاف بکند با وسائل خودش صادر بکند و تمام درآمدش مال خودش باشد این ایده آل ملت ایران است حالا ما اگر باین ایده آل نرسیدیم نباید بگوئیم خراب است وهیچ

چیز نیست بنده عرض کردم قراردادی که ما منعقد کرده ایم اطمینان دارم در وضع حاضر دنیا در وضع حاضر بازار نفط بهترین قرارداد است (عبدالرحمن فرامرزی-ایده آل یعنی همان) خوب پس بنده ایده آل گفتم این قرارداد از همه قراردادهای خاورمیانه بهتر است و از تمام پیشنهاداتی که در دولت سابق داده شد مزایایش بیشتر وارجح و مرجح است بنابراین ایده آل را بنده نفهمیدم که شما اینجور تعبیر فرمودید که برویم یك کاری بکنیم که بهش بتوانیم برسیم مطلب دیگری فرمودید آقای فرامرزی که ما نفهمیدیم که غرامت چه شد؟ و آنچه آقایان میگیرند از کجا میگیرند و آن مثل زن را در این مورد فرمودند در هرحال خواستم توضیح بدهم که روشن بشوید آنچه که ما به عنوان غرامت میگوئیم ۲۵ میلیون لیره بیشتر نمیدهیم آنهم در ماده اول یا دوم است در ضمیمه قرارداد(فرامرزی- شرکت چقدر میگیرد؟) یك مبلغ دیگر هم که در خود قرارداد تصریح نشده به عنوان غرامت(فرامرزی-سرقفلی) بعنوان استهلاك بنده تصور میکنم که شما حوصله خواندن تمام این قرارداد را نداشته اید چون باطبع شاعرانه آقا ساز کار نیست (فرامرزی- اگر نخوانده بودم توجه نمی- کردم) مطلب دیگری که در ماده ۶ آن قرارداد پیش بینی شده آن مبلغی است که بابت تأسیسات شرکت سابق است که در مدت ده سال پرداخته میشود و این جمع کلش اگر اشتباه نکنم ۶۷ میلیون لیره است این مبلغ کل است و این مبلغ را یك قسمتش مربوط به مناطق است و یك قسمتش مربوط به تصفیه خانه است این را هم بآقا قول میدهم که با نهایت دقت با حسابداران قسم خورده بدفاتر شرکت رسیدگی شده است بعد از اینکه این معین شد باز هم چانه زدیم کما اینکه کارمان همیشه هست تا اینکه آوردیم باینجا که ملاحظه میفرمائید تورمش راهم قبول نکردیم چون اینها تورم بیشتری برایش قائل بودند از این ۶۷ میلیون یکقسمت مربوط به تصفیه خانه است یکقسمت مربوط به مناطق در قسمت مناطق چون نصف ونصف شریك هستیم نصف این بما تعلق میگیرد در قسمت تصفیه خانه هم یك دهم مخارج را ماشریك هستیم بنابراین یك دهم میشود بطور کلی در ظرف ده سال آنچه از کیسه ما بیرون میرود هفده میلیون و صد هزار لیره است از بابت استهلاك یك مطلبی که در افواه است و در روزنامه ها هست (قنات آبادی- کدام روزنامه شما روزنامه ای باقی نگذاشته اید) کنسرسیوم مقدار زیادی بشرکت سابق سرقفلی داده(فرامرزی- کیهان) عرض کنم آقای فرامرزی راجع باین مبلغ و راجع بسرقفلی ما بهیچوجه اطلاعی نداریم و اطلاعاتمان از مجرای همین روزنامه ها است حالا فرض میکنیم که آنها هم سرقفلی داده اند (درخشش - بشما چه مربوط است) وقتی که اینها آمدند ۶۰ در صد را گرفتند و چهل در صد مانده است باجی باو داده اند حالا باید ببینیم آیا این باج از کیسه ما میرود اگر اینطور باشد باید اعتراض کنیم ولی اگر از کیسه ما نرفت بچه دلیل داده اند بما مربوط نیست در این مدت امریکا بانگلستان کمك های خیلی زیادی کرده میلیارد ها داده بما چه مربوط است بنده عرض میکنم که اگر واقعاً سوء ظن را کنار بگذارید آقای فرامرزی همه که حساب سازنیستند ممکن است یك حسابی باشد یك عده حسابدار هم بروند بآنجا رسیدگی بکنند بنده میگویم که این ۲۵ میلیون که مشخص و معین است واین مبلغ هم که روی خرج شرکت های عامل است پس بنا بر این رامه مضرایرن کجاست که از کیسه ما بردارند یا بحساب ما بگذارند این را بنده مراستش شخصاً نمی توانم بفهمم وبجنابعالی هم قول میدهم که بهیچوجه من الوجوه در این موضوع نه کلاهی سرما خواهد رفت ونه مبلغی هست کما در آن دیسهم باشیم وهیچ دغدغه خاطر بخودتان راه ندهید و آن مبلغی است که در ظرف دهسال باید مستهلك کنیم (جفرودی - بعد از دهسال هزینه بهره برداری را کمی میدهد) (نورالدین- امامی-آقا توی خانه ات هم اینقدر حرف میزنی بس است خسته کردی ما را)(مسعودی- توضیحات خیلی کافی بود) یك مطلب را هم برای استحضار آقای فرامرزی عرض میکنم که فرمودند در ظرف این ۸ ماه چه میکردید کنسرسیوم چه گفت وما چه گفتیم کنسرسیوم خیلی حرفها زد که من فهرست وارتهیه کرده ام بعد خدمتتان میدهم ولی مطالب اساسی این است که میخواستند بطور مطلق در اینکارها دخالت داشته باشند پیشنهاد اولشان اجاره بود یعنی مناطق وتصفیه خانه را اجاره بکنند و یك مبلغی بما بدهند وما بر ویم کنار این راه امطابق قانون ملی شدن قبول نکردیم (احسنت) گفتیم غیر ممکن است شما اگر میائید باید بعنوان عامل شرکت ملی نفت ودولت بیائید(احسنت) مدتی آقایان زیر بارشناسائی شرکت ملی نفت نمیرفتند میگفتند ما قبول داریم ما اینجا حق را ازطرف دولت ایران قبول میکنیم ولی گفتیم نمیشود شرکت ملی نفت که این اساس واین سرمایه بهش داده شده ازطرف دولت ایران است این اساس نامه شرکت است (عبدالرحمن فرامرزی - اینکه علی خواجه خواجه علی است) در قسمت عاملیت کارما بین بست رسید ومطلب پاره شد راجع بحقوق و اختیارات لایحه توافق کردیم واین راهم قبول نکردند تا رفتند درلندن ومذاکره باهم کردند در مراجعت قبول کردند عرض کنم که در قسمت تصفیه خانه و در قسمت قیمت نفت خام در قسمت نفت خام بنده لیست خیلی مفصلی دارم که فهرست وار تنظیم کرده ام که ما چه گفتیم آنها چه گفتند علی ای حال آنها که بایك طرح قطعی نیامده بودند که پنجاه بیست یا صد ماده داشته باشد که بگویند قبول میکنند بسم الله برخلاف اینکه آقایان میفرمایند که این قرارداد تنظیم شده و آماده بود این اشتباه است راجع بهر ماده ای شاید ۵۰ دفعه آن ماده عوض شده است وبرای تنظیم مامطالعه کرده ایم و آنها مطالعه کرده اند برای یك قرارداد وقت زیادی باید مصرف شود وتمام نازك کاری ها در موقع تنظیم مواد است (درخشش- مواد را کی تنظیم میکرد) یکی از اختلافات ما باشرکت سابق این بود که سوخت تصفیه خانه رابحساب نمی آوردند در آنجا تمام سوخت تصفیه خانه یعنی نفتی که وارد تصفیه خانه میشود سوخت حساب میکردند ولی حالا بولش برای ما پرداخته میشود برای مصرف داخلی خودمان ماسمی کردیم بهترین قیمت را گرفتیم که بعد از اجرای این قرارداد ارقام مختلف نفت مورد احتیاج مملکت بیك قیمت خواهد بود بنابراین اگر بجای گازوئیل بنزین بسوزانند همان قیمت است درقیمت تخفیف آنها ازده ویانزده درصد پائین نمیآمدند وآنها این تخفیف رانمی دادند ومیخواستند از حد اقل بالاتر بشود (قنات آبادی - بفرمائید که قیمت گازوئیل میرود بالا یاقیمت بنزین می آید پائین) این بسته بطمع دولت است (قنات آبادی - این راخواهش میکنم روشن به فرمائید که قیمت بنزین می آید پائین یا قیمت نفت میرود بالا) اگر بنده خواستم مالیات بگیرم حرف دیگری است عرض کنم راجع بناحیه عملیات که آقای قنات آبادی که بجای صد هزار میل سیصد هزار میل و اشتباهی هم فرمودند درقسمت عرض وجغرافیائی که اگر مراجعه بشود بفلطنامه بجای ۲۷ بیست وهشت است واین رابنده خیال میکنم چون بنده نمیدانم سیصدهزار را از کجا آورده اند (قنات آبادی-۸ ۲ غلط است ؟) ۲۷ غلط است و ۲۸۹ است عرض کنم ما آمدیم دراین قسمت حوزه عملیات تغییراتی دادیم و گفتیم حوزه عملیات سابق بهمان ترتیب یك تجدیدی است یك یادآوری است ازیادگارهای گذشته آنرا ما قبول نکردیم تغییر وتبدیلهائی دادیم راجع بجزایر که قطعاً مورد علاقه آقای فرامرزی است وما یك ابتکاری بخرج دادیم دراین قسمت ومورد تصویب اعلیحضرت همایونی هم واقع شد کما جزایر را که پنج جزیره بیشتر نیست وسابق هم بود و مطابق نقشه کما بآقای قنات آبادی ارائه دادیم و ایشان تشریف آوردند و واقعاً با نهایت دقت آن نقشه ها را مطالعه کردند ومتقاعد شدند وبعد آمدند گفتند که صد هزار میل نیست وسیصد هزار میل است برای اینکه جزایر زود تر آباد بشود ومعلوم بشود که نفتی برای اهالی آنجزایر هست یا نیست و شاید درسایه این عمل یك عده ای از اهالی این مملکت که مهاجرت کرده اند برگردند کنسرسیوم طبق یك نامه علیحده ای متعهد است که از ۷ سال بعد از این قرارداد اکتشاف بکند از ۷ سال تا ۱۰ سال استخراج بکند واز ۱۰ سال تا ۲۴ سال قطعاً باید کشتی بیاید در بندر برای بردن نفت بنا براین در هر کدام از جزایر در ظرف ۷ سال اول اکتشاف میکند از ۷ تا ۹ سال استخراج و در بین ۱۰ تا ۲۴ سال آماده بکنند برای صدور یعنی نفت صادر بکنند(فرامرزی-ما نخواهیم دید) انشاءالله عمر طولانی میکنید که ببینید بنا براین اگر نفتی وجود داشته باشد در این جزایر زود تر استخراج میشود و بهره مند میشوید بنا براین در این قسمتهای منطقه که اینهم یکی از کارهای بسیار مشکلی بود که آقایان اتدا قبول نمیکردند وهیئت نمایندگی ایران یك وضع خاصی برای این معوطه داشت تا این نتیجه را بدست آوردیم عرض کنم درقسمت مالکیت تأسیسات آنها اول قبول نداشتند جنسهائی که وارد میشود باپران بلافاصله ملك ایران باشد البته آنها اگر میروند یك ماشینی را یك میلیون لیره میخرند و وارد میکنند مطابق این قرارداد از روز اول ملك شرکت ملی نفت خواهد بود و بعد بتدریج مستهلك میکنند ومیگذارند به مخارج این ها کار هائی است که ما کردیم وخیلی کارهای دیگر بنابراین کارهای این ۸ ماه را اگر بنده بخواهم در ضمن یکساعت بآقایان توضیح بدهم هم مقدور نیست وهم وقتشان گرفته خواهد شد ولی امیدوارم که صورت مذاکرات را تهیه بکنیم ومنتشر کنیم تا تمام مردم از زحمات هیئت نمایندگی ایران و مجاهدتی که در این راه شده است مستحضر بشوند (احسنت) یك مطلبی را خواستم راجع بقرار داد ترکیه بآقای درخشش عرض کنم (درخشش-مجلاتش حاضر است)بنده کتابش را دارم شما که انگلیسی میدانید(فرامرزی - ترکی است نه انگلیسی)اولا در ترکیه برای اکتشاف واستخراج مدت امتیاز ده سال است وبرای اکتشاف واستخراج چهل سال علاوه می شود برای تولید واستخراج علاوه بیست سال بایك شرایط دیگر پس بنا براین ده و چهل میشود پنجاه سال وبیست سال هم علاوه می شود میشود ۷۰ سال از لحاظ مالیات که مورد نظر آقای درخشش بود و شاید یك عده از آقایان هم در این قسمت نگران شدند دیدم آقای عرفانی هم یك چیزی منتشر فرمودند که جوابش را بنده گذاشتم که سروت منتشر کنم کمردم هم روشن بشوند چون میدانم که ایشانهم نظر خاصی ندارند ایشانهم مثل دیگران دچار اشتباه شده اند(درخشش - مجلات هم اشتباه کرده اند؟)عرض میکنم درهمان مجله بیاده ۱۰۹ قانون نفت ترکیه

فرامیدهد فرمائید معلوم خواهد شد که ترکیه صاحب امتیاز تأمین داده است که جمع کلیه وجوهی که بعناوین مختلف از صاحب امتیاز گرفته میشود از پنجاه درصد خالص تجاوز نکند بعلاوه درقانون ترکیه بیست وهفت نیم درصد بعنوان پیپلیشن Piplation یعنی بعنوان رهن شمن مخازن از خرج برداشته میشود در اینجا بنده یك مقایسه خیلی مختصری کرده ام که اگر آقایان بسته هستند اجازه فرمایند این را بنده بعد میدهم به آقای درخشش (درخشش- شماهم این مجلات را بخوانید) باهم می خوانیم پس بنا براین اگر بر اساس مالیات و قانون نفت ترکیه حساب بفرمائید در آمد بمراتب بیشتر است و اینکه ترکیه پنجاه درصد بیشتر میگیرد و یا چنین وچنان کرده اینها جز خواب و خیال هیچ چیز دیگری نیست و واقعاً از آقایانی که اهل مطالعه هستند تقاضا میکنم چون کاملا مطالعه شده است وما یك مطالعاتی کردیم تشریف بیاورید واسناد ومدارکی که ما داریم مطالعه بفرمائید وآنهارا به بینید بنده روز اول که جناب آقای قنات آبادی اعلان کردند در روزنامه ها که اشخاص مختلف بیایند اطلاعاتی من بدهند خدمتشان تلفن کردم عرض کردم با لطف ومرحمتی که بنده دارید بیندهمنزل تشریف نیاورید که اسباب زحمتتان بشود در کمیسیون این اسناد ومدارك را تقدیم میکنم بخوانید ولی متأسفانه تشریف نیاوردند (درخشش - عوض وبدل میکنیم این مجله هارا میدهم بخوانید وآن کتاب را میگیرم)

آقایان محترم توجه فرموده اند که عنوان من در مذاکرات مربوط بقرارداد فروش نفت عنوان یك وکیل مدافع نبوده است . من از ساعت اول حتی کردم بجای دفاع حقایق را بگویم وآقایان را در جریان واقعیات بگذارم وغیراز این هم انتظاری ندارم که آقایان محترم در قضاوت خود منصف باشند و مصلحت مملکت را مقدم بر هر چیز بدانند.

درجریان این مباحثات اگر زیاده روی در اظهارات من شده است معذرت میخواهم (درخشش- اهانت شد) وآقایان بهتر میدانند که من اهل تعرض و مشاجره نیستم و به مظاهر مشروطیت احترام میگذارم . (احسنت)

آقایان همه درنظر من عزیز ومحترم هستند (احسنت) وماهمه وقتی درنظر مردم محترم وعزیز خواهیم بود که باتوفیق خداوند موفق شویم خدمتی بهمملکت ومردم بکنیم (صحیح است- احسنت) . امیدوارم همه آقایان مشمول عنایت باریتعالی درانجام خدمت بخلق باشند . (انشاءالله - احسنت)

(۴- تعیین موقع ودستور جلسه بعد- ختم جلسه)

رئیس- درجلسه پیش آقای کاشانی بیانات خودرا باکمال متانت و بدون اهانت بکسی ایراد کردند (صحیح است) و من در قسمت خودم از ایشان رضایت دارم ومورد علاقه مجلس شورایملی هم هستند (صحیح است) ومن امیدوارم همیشه نمایندگان محترم بتوانند درمجلس عقاید وافکار خود را با کمال ازادی ابراز بدارند پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده است اول جلسه فردا مطرح خواهد شد (قنات آبادی- ماده ۸۷ چطور میشود؟) آنهم محفوظ است درجلسه فردا آقایان ساعت ۹ تشریف بیاورند

(مجلس یکساعت وبیست دقیقه بعدازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورایملی-

رضاحکمت